

م

گنجینهٔ کتب و خط
تبرهٔ دانش

جغرافیای نظامی ایران

مکران

تألیف

بهمنیار علی رزم آرا

۱۳۲۰

4. 2

[illegible]

فهرست مطالب

مقدمہ

مکران یا هندوستان ایران - سابقه تاریخی مکران - گزارشات خارجی
صفحه ۱ تا ۱۸

فصل یکم

وضعیت گلر مکران - مساحت جمعیت - هوا و درجه حرارت
مکران - بیماریهای مکران
۱۸ تا ۲۵

فصل دوم

کوهستانهای مکران - رودخانه ها و آبهای مکران - دریاچه های مکران
۲۵ تا ۳۴

فصل سوم

تقسیمات، اداری مکران - و تابلوی تقسیمات داخلی آن ۳۴ تا ۳۵

فصل چہارم

وضعیت اقتصادی مکران - معاش اهالی مکران - بازرگانی صنایع -
 حیوانات - جنگلها - مراتع - منابع اقتصادی و کانه‌ها ۳۵ تا ۴۲

فصل پنجم

اخلاق و عادات طوایف بلوچ - صورت طوایف مهم بلوچ
طوایف مکران ایران و محل سکونت آنها ۴۲ تا ۵۰

فصل ششم

مکران و نقاط مهم آن - منطقه سرباز - منطقه باهوكلات ۵۰ تا ۷۹

فصل هفتم

کرانه های مکران - وضعیت کلی کرانه های مکران - جاسک
گوآتر - چاه بهار ۷۹ تا ۱۰۶

فصل هشتم

جاده ها - راه های داخلی - عرضی - نفوذی - مرزی
ارزش هر يك ۱۰۶ تا ۱۸۱

فصل نهم

وضعیت مکران از لحاظ ارزش نظامی - وضعیت کلی مکران و
امکانات رسته ها - اشکالات حرکت ستونهای پیاده سوار
موتوری ۱۸۱ تا ۱۹۲

۱۹۲

نتیجه

مکران و یا هندوستان ایران

اطلاق کلمه هندوستان به مکران ایران شاید در نظر اکثر اشخاص اغراق آمیز و يك مطلب خالی از حقیقتی جلوه نماید چه بقدری در اطراف بدی - سختی و صعوبت زندگانی در این منطقه نوشته شده که نمیتوان حقیقی برای این مقایسه در نظر بحسب ساخت ولی چون در چندین سال متوالی نقاط عمده این منطقه را بازدید و با يك قسمت عمده ده بانان و مطلعین مکران مذاکره شده لذا میتوان فکر روشنی داد. منطقه مکران با وجود وسعت زیاد کمی سکته که بی نهایت محسوس و صدها کیلو متر را بدون تصادف با حدی بایستی طی نموده يك منطقه اسرار آمیزی سراسر محسوب شده حاوی يك سلسله قدرت نمائیهای طبیعت محسوب میشود در این منطقه پهناور نقاط خوش آب و هوایی شبیه شمیران در آن یافت شده در مسافت بسیار قلیلی از این نقاط مناطق سوزانی مشاهده خواهد شد.

بمناسبت وجود هواهای مختلف سوزان و سخت طبیعت همه قسم اشجار و میوه جات را در این قسمت تهیه نموده است .

کوهستانهای بسیار ورشته های متوالی که از هر طرف این منطقه را شیار نموده است عموماً دارای کم و بیش آب بوده حتی بوته ها و علف هائی در این کوهستان رشد و نمو مینماید .

رودخانه ها که اکثر خشك قلمداد شده و در نظر مسیر خشکی یش نیست قسمتی دارای جریان دائمی قسمتی دیگر که دارای جریان دائمی نیست دارای زه آبهائی میباشد بطوریکه در وسط تابستان احتیاجات اهالی و احشام آنها را مرتفع میسازد و در مسیر رودخانه ها هر کجا حفر شود به آب خواهد رسید .

پس مکران ایران بمناسبت اختلاف آب و هوا وجود آب و مرطوبی کوهستانها در مجاورت هندوستان يك منطقه هندوستانی بشمار رفته و از هر لحاظ دارای استعداد لازم برای بسط و ترقی است ولی بایستی دید هندوستان در قبال چه عوامل و چه وسائل ترقی و پیشرفت و اهمیت بی پایان خود را حاصل نموده قطعی است که تمام ترقیات این قطعه عالم مرهون وجود جمعیت سرشار آن ۴۰۰ میلیون سکنه است .

بابودن این جمعیت سرشار است که کلیه مناطق مسکون و کلیه نقاط آن مزروع و قابل کشاورزی گردیده است جمعیت مکران ایران در مقابل مساحت آن بقدری ناچیز و بحدی کم است که هیچگاه این جمعیت و نفوس قدرت آباد کردن و بسط و توسعه کشاورزی را در این منطقه دارا نخواهد بود يك نفر در كيلو متر مربع مخصوص يك اراضی که احتیاج به قدرت بازوی بشری دارد در حکم هیچ محسوب میگردد آنهم اشخاص بی علاقه و غیر ثابت .

دوم موضوع و نکته قابل توجه هزینه لازم برای ترقی و بسط کشاورزی منطقه است شهر های مهم عالم از قبیل - پاریس - لندن - برلن و غیره این شهر ها ترقیات خود را در قبال هزینه های گزافی که در هر سال خرج آنها و صرف عمران این شهرها گردید حاصل و به پایه امروز رسیده اسم و ابهت کنونی خود را حاصل نموده اند آیا يك منطقه وسیعی مثل مکران که دارای ۱۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع است چگونه بدون صرف کوچکترین هزینه میتواند ترقی کرده نظیر و شبيه هندوستان گردد پس مکران ایران در صورت دارا شدن جمعیت کافی و صرف هزینه های لازمه برای عمران جای تردید نیست که مثل هندوستان خواهد شد برای آنکه این فکر و نظر عمقی شود يك سلسله نکات جغرافیای طبیعی - اقتصادی این منطقه شرح داده خواهد شد.

سوابق تاریخی مکران

برای آنکه بتوان فکر جامعی نسبت به مکران ایران حاصل شود شرح قسمت

تاریخی این منطقه کمک بزرگی بدین منظور خواهد نمود اینست که برای اطلاع از سوابق تاریخی این ناحیه شرحی که راجع بتاریخ بلوچستان در کتاب عملیات بلوچستان توسط لشکر شرق درج شده عیناً نقل مینماید .

در ضمن برای آنکه عملیات دوران هرج و مرج بلوچستان و مداخله ارتش بریتانیا در این سر زمین نیز از خاطر محو نشود خلاصه از گزارش سر گرد کیزات که مدت دو سال در مکران متوقف بوده و گزارش به سیملای هندوستان را جمع بچریان این مدت تسلیم نموده اقتباس و درج میشود .

از تاریخ قدیم بلوچستان چیز زیادی معلوم نیست و همین قدر میدانیم که این کشور همان ، گدروسیا ، و قسمتی ، درنگیانای ، یونانیها است . قدیمترین اطلاع تاریخی که از این کشور در دست است از لشکر کشی اسکندر بزرگ یونانی و عبور او از ، گدروسی ، و دریا نوردی امیر البحر او ، نیار خوس ، در سواحل مکران است و از این گزارشها مختصری در نوشتهجات ، اریان ، فیلسوف و مورخ یونانی (دراوائل سده دوم مسیح) باقی مانده است و وی باین قطعه اسم ، گدروسی ، و داوریتا ، میدهد این مورخ شرح بسیار و محققانه ای از این قطعه و خشتکی آن و لزوم تحصیل آب بواسطه کندن چاه در مجرای مسیلها شرح داده خوراک اهالی را خرما و ماهی ذکر می کند و میگوید که جسته جسته قطعات سبز و حاصلخیز موجود است - همچنین بگیاه های معطروخار داران و کثرت باد های مونسون در نواحی باختری مکران اشاره می کند و نیز از عدم امکان نگاهداری لشکر بزرگ در آنجا و تلف شدن قسمت بزرگ افراد ارتش و حیوانات اردوی اسکندر سخن میراند .

یقین است که قوم بلوچ از قدیم ساکن بلوچستان نبوده اند بلکه در زمان استیلای سلجوقیان در ایران این قوم از سیستان و کرمان به بلوچستان ایران و قسمت مکران مهاجرت نموده و بعد ها بتدریج از این قسمت باختری به قسمتهای خاوری که حالا در تصرف یا حمایت انگلیس است پراکنده شده اند و از آن زمان این

کشور با اسم بلوچستان معروف شده از سکنه قدیم کشور قبل از استقرار بلوچها در آنجا خبر صحیحی در دست نیست و گمان میرود از نژاد هندی بوده اند. قدیمی ترین اسمی که باین اراضی داده شده اسم «مکا» است در کتیبه بیستون داریوش که «هرودوت» نیز «مکیا» یا کشور میکی ها مینامند و در جزو ساتراپی چهار دهم مملکت هخامنشیان بوده است. جغرافی بطلیمیوس قسمت خاوری این کشور را جزو هند حساب میکنند از شرحی که «اریان» از سکنه «اورا» که آنها را «اوریتای» مینامد و در سواحل رود «ارایرس» (که پورالی امروز باشد) زندگی میکردند میدهد نیز برمیآید که آنها هندو بوده اند گد روسیون ها در باختر اوریتای ها بوده اند و آن خط با اسم آن مردم گدروسی نامیده شده بود.

اگر چه بعدها در کتب یونان و در جغرافی و تاریخ همیشه اسم این کشور به گدروسی معروف شد لیکن معلوم میشود اسم قدیم «مکا» در افواه مانده بود و بهمین جهت در سده اول هجری که عرب ها باین کشور استیلا یافتند باینجا اسم «مکوران» یا «مکران» دادند و باغلب احتمال لفظ صحیح همان «مکوران» است که امروز بلوچها همانطور تلفظ میکنند و تصور میشود معنی آن کویر مکا باشد.

در اولین استیلای عرب در این خط در سده ۲۳ هجرت تمام زمین مکران در دست قوم «جت» (عربی زط) بود قدیم ترین ذکری که از قوم بلوچ به این اسم در دست است در کتب اصطخری و مسعودی از سده چهارم هجری است که آنها را در کوههای کرمان ذکر میکنند و مورخین آن سده و سده بعد اغلب آنها را در همین نواحی (یعنی جبال کرمان) و سیستان باطایفه دیگری با اسم کوچ عربی (نقص) مذکور داشته اند. فردوسی هم بلوچها را جزو ارتش کیخسرو شمرده و در جای دیگر از اتحاد آنها با طوایف گیلان و جنگ نوشیروان با آنان سخن میراند. بعضی محققین را عقیده بر آنست که بلوچها از نواحی کرانه بحر خزر ابتداء بطرف کرمان و سیستان مهاجرت نموده بعد به مکران و نواحی دیگر بلوچستان رفته اند و ابتدای این مهاجرت

از استیلای هون‌های سفید (هیاطله) در زمان نوشیروان شروع شده است. در سده چهارم هجری بلوچها (چنانچه ذکر شد) با قوم دیگر معروف به کوچ در کوههای کرمان مستقر شده و حتی در سیستان نیز پراکنده شده بودند لیکن مکران هنوز در دست طوایف و جت، بود. بلوچها در حوالی کویر لوت غارتگری میکردند و شهرت بدی در خراسان داشته و اسباب زحمت بودند. بهمین جهات عضدالدوله دیلمی و مسعود غزنوی هر کدام در عهد خود بر آنها حمله کرده و اولی عده کثیری از آنها کشته دومی شکست فاحشی در حوالی دخیص، بانها داد.

استیلای سلاجقه بکرمان و سیستان قطعاً عمده جهت راندن این قوم بمکران و نواحی خاوی بلوچستان تاحدود هند شد و در سده ۶۵۰ هجری دفعه اول از وجود آنها درسند شنیده میشود. در آن زمان کوههای کلات هم که امروز دست براهوی ها است در تصرف آنها بود:

بعد ها ازدیاد قدرت براهویها عمده سبب مهاجرت بلوچها بجلالگه سند شده است و نیز پس از استیلای امیر تیمور به هند ضعف و انحطاطیکه بدول هندوستان عارض شد باعث رخنه کردن طوایف خارجی مجاور بان کشور گردید مخصوصاً در اوایل سده دهم بلوچها باشاه بیک پسر ذوالنون بیک از خاندان ارنمونیان، قندهار درسند و ملتان وارد شده و انتشار یافتند. رؤسای آنها در این وقت د میر چاکور بند، و میر سهراب دودای بودند نژاد بلوچ بابعضی قبایل هندی و عربی اختلاط پیدا کرده است.

از گزارش تاریخی طوایف بلوچ از سده چهارم و اوضاع قدیم کشوری که بعد ها بلوچستان نامیده شد از سده ۲۳ هجری باین طرف اخبار متفرق در دست است و ذکر آنها بطول میانجامد و کافی است از ابتدای تسلط خاندان فعلی حکومت کلات مختصری ذکر شود.

تا اوایل سده دوازدهم یا اواخر یازدهم يك سلاله راجه‌گان هندی در آن کشور که حالا بلوچستان تحت الحمايه انگلیس است سلطنت داشتند. آخرین راجه برای دفع ایلغار افغانه يك قبیله چوپانهای کوهستانی را از براهویها بکمک خواند رئیس آنها کامبار، پس از دفع حمله کنندگان افغانی بتدریج در کشور تسلط زیاد پیدا کرده و عاقبت راجه را خلع و حکومت را بدست خود گرفت یکی از نوادگان کامبار، که ظاهراً پشت چهارم بعد از او بود موسوم بعبدالله خان مرد علو طلب و حریص بود و در پی فتوحات برآمد ولی در این زمان نادر شاه بهندوستان حمله برد و چون بقندهار رسید اردوئی به بلوچستان فرستاده آنجا را زیر اقتدار خود آورده و عبدالله خان در زیر اطاعت نادر شاه در حکومت آنجا برقرار مانده کمی بعد عبدالله خان در جنگ بانواب سند مقتول شد و پسر ارشد او حاج محمد خان جانشین او گردید. این شخص خیلی ظالم و بدکار بود و رعایا را بستوه آورد برادر کوچکتر او نصیر خان که با نادرشاه تا دهلی رفته بود تقریبی پیش آن پادشاه یافته و در برگشتن بمیهن خود حاج محمد خان را کشته و خود زمام حکومت را بدست گرفت و خبر وقایع را برای نادر شاه که در قندهار بود نوشت. نادر او را در مسند خود برقرار ساخته و بموجب فرمان بیگلربیگی بلوچستانش نمود و این واقعه در سنه ۱۱۵۲ وقوع یافت. نصیر خان مردی لایق و کافی و عاقل بود اصلاحاتی در کشور نمود و شهر کلات را تعمیر و قلعه بندی کرد. پس از وفات نادرشاه اظهار تبعیت از احمد شاه درانی، امیر کابل نموده ولی در سنه ۱۱۷۱ خود را مستقل ساخت و لهذا جنگ طولانی میان او و احمد شاه در گرفت و عاقبت منجر به صلح و باجگذاری احمد شاه را قبول نمود و در ۱۲۰۹ وفات یافت. پس از وی پسرش محمود خان به امارت نشست محمدرضا خان نیز در ۱۲۳۶ در گذشت و پسرش مهرباب خان وارث او گردید.

در سنه ۱۲۵۴ در مرقع حمله ارتش انگلیس بافغانستان از گردنه د بولان، مهرباب خان به آن ارتش دشمنی ورزید و بنابر این انگلیسها اردوئی برای تسخیر

بلوچستان سوق دادند و مهراب خان را با ۴۰۰ نفر کشته و کلات را تصرف کردند. پس از دو سال بلوچها بر ضد حکومت انگلیس در آن کشور برخاسته و جنگهایی روی داد که عاقبت منتهی به تصدیق عمارت نصیر خان ثانی پسر کوچک مهراب خان و تخلیه بلوچستان از ارتش انگلیس شد.

پس از ضمیمه کردن سند در ۱۸۴۳ مسیحی و پنجاب در ۱۸۴۹ نفوذ انگلیس در بلوچستان بالا تر گرفت و پس از عملیات نظامی چندی که ارتش انگلیس برای تنبیه طوایف کوهستانی بلوچستان کردند در سنه ۱۸۵۴ مسیحی (۱۲۷۱ هجری قمری) عهد نامه بتاريخ ۱۴ ماه مه از آن سال میان نصیر خان و دولت انگلیس بسته شد و خان مزبور حمایت انگلستان را قبول کرد و عهد نامه سابق هجومی و دفاعی ۱۸۴۱ مسیحی نسخ گردید و در مقابل مقرری سالیانه پنج هزار لیره (۵۰۰۰۰ روپیه) نصیر خان بنام خود و اعقاب و جانشینان خویش تحت الحمايگی انگلستان را پذیرفت. نصیر خان در سنه ۱۸۵۶ مسیحی مرد و بردارش میر خداداد خان جای او را گرفت در ۱۸۷۶ مسیحی عهد نامه تجدید شد و مقرری صد هزار روپیه قرار گرفت. در سنه ۱۸۷۹ مسیحی انگلیسها تجدید يك خط راه آهن از سند به بلوچستان شروع کردند و بتدریج خطوط دیگر علاوه نموده و شهره کوتاه را بنا نهادند و مراکز نظامی ایجاد کردند و راهها ساختند.

از بلوچستان ایران تا صد و بیست سال قبل هیچ خبری جز ارتش کشی اسکندر کبیر در دست نبود « سیرجان ملکم » معروف که به سفارت از طرف حکومت هند بایران آمده بود در سفر سوم خود بایران در سنه ۱۸۰۹ مسیحی بقصد کشف یکراد از خشکی میان ایران و هند « کاپیتان گرانته » را (که بعدها در لرستان کشته شد) مأمور تحقیقات از باختر بلوچستان کرد. یکسال بعد « گریستی » نام انگلیس بهمین قصد در بلوچستان ایران مسافرتی کرده و با سم حاجی با تبدیل لباس سیاحت نموده اولین نوشته با تحقیق

راجع باین ولایت را باقی گذاشت در سنه ۱۸۶۱ مسیحی و سیر کولدسمید ، انگلیسی برای تحقیق مقدماتی راجع به تمدیدسیم تلگرافی از سواحل مکران تاجاسک مسافرتی نمود و بواسطه تجارب و اطلاعات خود بعدها مأمور کمیسیون مرزی بلوچستان شد .

بعد از نادر شاه نفوذ ایران در بلوچستان باختی اسمی بود و حکومت مرکزی ایران تسلط مستقیم کامل نداشته تا آن که در عهد محمدشاه قاجار مرتبه اول اردو کشی برای تنبیه بلوچها بعمل آمد و ارتش ایران بمپور را تصرف کرده و از آنوقت این شهر در دست حکومت ایرانی ماند و پس از آن به ترتیب مراکز دیگر بحیطه قدرت دولت آمد .

مخصوصاً تعیین ابراهیمخان بحکومت بم و نرماشیر و بمپور ولیاقت و کفایت وی در تمرکز نفوذ دولت در بلوچستان و تصرف خاک سرباز و اطراف بر تسلط ایران در آن خط کمک عمده کرد . از پیشرفت ایران در حوزه بلوچستان مسئله اختلافات مرزی با امارت کلات و بلوچستان انگلیس پیش آمد و بالاخره پس از کشمکشهای متعدد و ممتد برای رفع مشکلات کمیسیونی برای رفع اختلافات مرزی مرکب از مأمورین ایران و انگلیس و کلات تعیین شد و کولدسمید ، سابق الذکر چنان که گفته شد از طرف انگلیس و میرزا معصوم و ابراهیمخان از طرف ایران مأمور این کار گردیدند ولی موافقت در مذاکرات بین مأمورین حاصل نشد کولد اسمید به سواحل مکران رفته و بدولت انگلیس گزارش خود را فرستاد و نقشه تهیه نموده يك خط مرزی پیشنهاد کرد و بعد بطهران آمده بدولت ایران داخل مذاکره شد . در سرقطعه کوهك اختلاف باقی بود و دولت ایران اصرار در تعلق آن بایران داشت عاقبت در ماه سپتامبر ۱۸۷۱ مسیحی توافق حاصل و در سال بعد به نصب علائم مرزی مبادرت شد . بقول دکرزن ، خط مرزی مزبور از خلیج کوآتر (با گوادر اشتباه نشود) که قدری در سمت خاور آن بندر است میان مصب رودهای دشت و دشتیاری یا (کاجو)

شروع کرده و بطرف خاور منحنی شده و بعد در امتداد رود مشکید (یا مشکیل) بالا می‌رود تا کویر و کوهک

دولت ایران فرصت را فوت نکرد و «پیشین» را در ۱۸۷۰ و «اسفندک» و «مورت» و «دریدا» را در ۱۸۷۲ مسیحی تصرف کرد و حاکم بمپور اردو به کوهک کشیده آنجا را نیز که بعقیده انگلیسها هنوز اختلافی بود گرفت و در همان سال وکیل‌الملک دست غصب امارت اعراب مسقط را از چابهار که ظاهر آهشتاد سال در آن نقطه استیلا داشتند کوتاه کرد و خطه بشاگرد که مدت‌ها در زیر حکم سیف‌الله خان خود سر مانده بود عاقبت در سنه ۱۲۹۱ بدست مامورین دولت ایران افتاد. در بمپور بعدها همیشه يك پادگان مرکب از سیصد پیاده نظام و پنجاه سوار نظام و پنجاه توپچی و شش توپ مقیم بود و يك ارتش چريك از بلوچها هم بعهده پانصد نفر در نزديك آنجا نگاهداشته میشد. در ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ مسیحی يك کمسیون دیگر مشغول تجدید حدود بلوچستان انگلیسی و افغانستان بود. در عهد ناصرالدین شاه حکام کرمان اغلب در فصل زمستان بعنوان جمع مالیات و تنبیه بلوچها اردو کشی میکردند. و از همه بیشتر ناصرالدوله و وکیل‌الملک و در عهد مظفرالدین شاه علاء‌الملک این کار را کرده اغلب تا بمپور میرفتند. بهمین جهت بلوچها ایرانیهای فارسی زبان را قجر یا قجل میگویند ظاهراً از ابتدای عهد مشروطیت و بلکه از چندی قبل از آن تاریخ دیگر قوای نظامی ایرانی به بلوچستان نرفت و این قطعه بکلی خود سر شد تا آنکه سال ۱۳۰۷ اردو کشی جهت رفع غائله بلوچستان صورت گرفت. و در نتیجه يك رشته عملیات مشعشع و دقیقی این منطقه رسماً ضمیمه کشور شده دست دزدان و غارت گران کوتاه گردید.

طبق مدارك انگلیسی و گزارش ماژور کیزات

در مدت ده سال سلطنت نادر شاه ایران موفق به تصاحب منطقه بلوچستان

شده ولی مجدداً پس از او تسلط به این ایالت بواسطه بروز انقلابات از دست داده شد - بلوچستان مدت صد سال استقلال کاملی پیدا نمود ولی در این مدت بعضی از قسمتها باقتضای سیاست خود خراجی میدادند تا این که ایران مجدداً به آن ایالت استیلا یافته و این قسمتها را ضمیمه بلوچستان نمود در سنه ۱۸۴۹ مسیحی - در این موقع با استیلای ایران گلداسمیت دخالت بامورات مرزی را زائد دانسته و آن قسمتها را بعنوان حدود مرزی به ایران واگذار نموده در سنه ۱۸۷۲ مسیحی و بهمان حال تا آخرین روز اقتدار حکومت ایران باقی بود - دولت ایران پس حکومتی در بمپور تعیین نمود ولی قدری بدون بررسی به تجاوزات در ماوراء دره بمپور پرداخته و مدت چهارده سال بلوچستان بکلی مستقل گردید و در این مدت موضوع بلوچستان غیر از کشمکش وزد و خورد بین پاره رؤسای کوچک بلوچ در سرباج و خراج چیز دیگری نبود و این مختصر اطلاعات زیر از وضعیت سیاسی آن حدود که اقتباس از يك گزارش مازور کیزات است وضعیت بلوچستان امروز را نشان میدهد .

چهار طائفه در بلوچستان میباشند که بدون هیچ حق و ارثی فقط بعنوان رئیس طائفه در زمان انقلاب بلوچستان یعنی بعد از فقدان نادر شاه او قایتیکه بعضی قسمتها به کلات خراج میدادند استیلا پیدا نمودند - بزرگزاده های دزک و سیب بلدی های گه و قصر قند سومی لاشاری های منطقه کوهستانی ماین مکران و بمپور و چهارمی شیر خان و تاروئی ها پس از استیلای مجدد ایران این اراضی از تحت نفوذ آنها خارج شده و موضوع اراضی موروثی آنها از بین رفت . تمام قلاع و اراضی تعلق بشاه پیدا نموده و مخصوصاً دره بمپور خالصه دولتی شده و بدست رعایا که غلام نامیده میشدند کشت و زرع میشد . بقیه اراضی و املاک به اشخاصی واگذار گردید که در مقابل عایدات آن اجاره یا مالیاتی میپرداختند - حکومت وقت این مالیات هارا در هر سال اول عید نوروز اضافه مینمود تا آنجا نیکه میتوانستند جلوگیری

از خرابی وضعیت نموده و قانونی برای آن قائل کردند معمولا این مالیات هارا که هیچ حدی برای آن نبود بعده رؤسا و اعضاء متنفذ محل وا گذار مینمودند که آنها هم رفته رفته املاک را برای خود ملك اربابی درست نمودند- باین ترتیب طائفه بزرگزاده همیشه دزك و سیب را اشغال و متصرف گشته بودند همچنین لاشاری ها منطقه کوهستانی خود را اداره نمودند و بلدی ها گه و قصر قند را نگاهداری نمودند تا موقعیکه حسینخان شیرخان زائی پدر سعیدخان بانها استیلا یافت - شیرخان زائی و ناروئی ها قدری بیشتر ترقی نموده و با اینکه اصلا رود باری بودند بمپور را از دست یکی از رؤسای که قاتنی بود خارج ساختند - شیرخان زائی ثانی که بمپور در موقع او بدست حکومت ایران افتاد - محمد علی بود - او بادولت ایران مخالفت نمود و باین واسطه دستگیر و به طهران اعزام گردید موقعیکه از حبس مستخلص گردید مجدداً به بمپور رفته و تلاش نمود لیکن شکست خورده پسر هایش شاگر و حسینخان دستگیر و تحت الحفظ بطهران اعزام شدند خودش هم که در میناب پناهنده شده بود مرد پس از مرگش پسر هایش از طهران مرخص و بانها اجازه داده شد به بلوچستان مراجعت نمایند .

پسر ارشدش شاگرد فانوج مقیم شده و با یکی از بلدی ها وصلت نمود و پسر كوچك دیگرش با یکی از بلدی های دیگر در قصر قند وصلت نموده و قلعه گه باو وا گذار گردیده از طرف فامیل بلدی ها پسرش سعید خان بعد از مرگ او قلعه گه با مضامفاتش را اداره میکرد بنت و نیاور به سعید خان در قصر قند از ادرش یارث رسیده بود و يك اراضی هم در گه تحصیل کرد و اراضی بمپور جز و خالصجات دولتی بود - سعید خان هم سر بازارا گرفت و در معیت بلدیها بهرامخان یاران زائی را بسمت کد خدائی بدانجا گماردند - از کدخداهای دیگر سعید خان اسلامخان بود .

در ۱۹۰۷ والی خان ایالت بلوچستان بکمرمان رفته قوای محلی قلاع فهرج و بمپور را به بهرام خان و سعید خان وا گذار نمودند آنها عملا استیلاي خود را در آنجا برقرار و تادمیت سه سال هیچ اقدامی از طرف شاه بعمل نیامد سردار نصرت

بعد از سه سال اردوئی به بمپور حرکت داد سعید خان اظهار اطاعت نمود ولی بهرام خان مخالفت نموده و حملات سردار نصرت را رد نمود ولی بواسطه کمک‌های سعید خان قسمتی از اردوی سردار نصرت موفق به مراجعت بکرماں گردیدند در اثناء این خدمات سعید خان مفتخر بلقب والی بلوچستان شده این موضوع باعث حفظ ظاهر حکومتی بلوچستان گردید ولی يك افتخار خشکی برای سعید خان بود و او هم سعی نکرد که آن خدماتی را که باید بتمام ولایت بلوچستان انجام دهد فقط حدود بمپور و دره بمپور قصر قند گه و بعضی بنادر کوچک را نگاهداری مینمود در صورتیکه بهرامخان که از طرف او کدخدائی سرباز و فہرج تعیین شده بود بواسطه تزائد و تملك فامیلی او در دزك در این موقع مقتدر تر و مسلط تر گشته بود اسلامخان هم مدت قلیلی دست راست سعید خان بود ولی او هم بواسطه تمولی که پیدا نموده بود رفته رفته بسعید خان اعتنائی نمینمود - او و سعید خان صد دفعه بایکدیگر نزدیک بمجادله گردیدند ولی هر موقع سعید خان بطرف اولشگر کشی مینمود او امتناع از زد و خورد نموده و بمسالمت کار را خاتمه میداد و تاسعید خان حیات داشت اتفاق سوئی بین آنها رخ نداد - در فوریه ۱۹۱۶ زمان غیبت سعید خان بهرامخان بوسیله اقرباء سعید خان داخل قلعه بمپور شده و تمام اراضی خالصجات بمپور را که از رود بمپور مشروب میشد و تصاحب نمود سعید خان در آوریل ۱۹۱۶ مرد و اسلامخان املاک پسرش حسن خان را تصاحب کرد. در همان سال ۱۹۱۶ در اثر بی نظمی های دوره جنگ بین الملل يك شورش و انقلاباتی در بلوچستان ایران تولید گردید که از آنجا بطرف خاور اشاعه پیدا نموده و باعث تهیه سازوبرگ جدی در مکران انگلیس و همسایگی خطوط راه ایران و بالاخره قتل دونفر افسر انگلیسی گردید

عملیات بر ضد دامن‌ها در مرز شروع و در این موقع يك کمسیون هم تحت ریاست مائور گیزت از طرف قسمت خاوری بلوچستان ایران حرکت کرده و يك قرار دی با بهرامخان منعقد نمود که بموجب آن پاران زائی ها حاضر شدند قبول

حکمرانی حکومت ایران بادر بلوچستان بنمایند - در دسامبر ۱۹۱۶ حسینخان املاک خود را از املاخان گرفته و قلعه که را اشغال نمود در ۱۹۱۷ املاخان کشته شد .

بلوچستان ایران مدتی راحت و ساکت ماند و تا اکت ۱۹۲۱ که بهراخان فوت کرد بهراخان خود شرایک عامل مقتدر و توانائی در میان بعضی رؤسای طوائف ایالتی قرارداد بود و فوتش موجب یک سلسله رقابت با سایر رؤسا واقع گردیده و کشمکش و نزاع داخلی فیما بین آنها در گرفت . (شرح زیر از عملیات نظامی در بلوچستان ایران است تا اوایل این سده عملیات در دزک ۱۹۰۲ و ۱۹۰۱ در ۱۹۰۲-۱۹۰۱) میر محمد عمر ویکی از سرکردگان بلوچ که سابقاً اغتشاشاتی فراهم نموده بودند از بلوچستان ایران فرار کرده عده دور خود جمع و بقصد چپاول در مرزها طغیان نمود - ناظم مکران با ۱۵۰۰ نفر قوای چریک محلی او را تعقیب و سعی کرد دستگیر نماید ولی اقداماتش بی نتیجه ماند . سر تیپ ایران در بمپور اظهار همراهی و کمک نمود ولی اقدامات او هم با دستجات مختلف و توطیهای سیستم قدیم ضعیف تر از آن بود که بتواند سه قلاعی که اشرار در نزدیکی دزک اشغال کرده بودند تسخیر نمایند . و در این موقع آژان مامور سیاسی کلات بایک اسکورت ۲۱۰ پیاده وده سوار تعقیب و موفق گردید بعضی از اشرار را حاضر نماید ب سر تیپ ایرانی تسلیم و اطاعت نمایند ولی میر محمد عمر بجای خود باقی و بچپاول و غارتگری خود ادامه میداد - دولت ایران آنوقت حاضر شد که در فصل زمستان ۳ - ۱۹۰۲ بمعیت سربازان انگلیسی برای قلع و قمع او عملیات نماید - سر تیپ ایرانی در بمپور مجدداً اظهار مساعدت و همراهی نمود

آژان سیاسی مامور کلات بایک اسکورت ۳۰۰ نفر پیاده ۵۰ سوار مهندس نظامی و ۲۰ توپ کوهستانی مراجعت نموده دید ناظم مکران انگلیسی برادر محمد عمر را در قلعه (نودیز) در (گه) ۵۳ روز محاصره نموده است ولی بواسطه نداشتن توپخانه کاری ازین نبوده است

آنوقت اسکورت انگلیسی پس از بمباران آن قلاع را بکلی خراب و جمعیت آن قلاع کلبه را کشته یا مجروح و یا دستگیر شدند قلاع ایرافشان و مکس نیز از قسمت هائی که مطیع نبودند خراب و ویرانه گشت محمد عمر بافغانستان فرار کرد - در همین او ان يك قرار دادی بین ایران و انگلیس منعقد گردید که بموجب آن دولت ایران ملتزم گردید همیشه برای امنیت آن حدود يك پادگانی در ایرافشان داشته باشد - سپس در ۱۹۴۰ برای استقرار امنیت بیشتری قوای بسوی مکران سوق داده شد - این قوا تحت فرماندهی افسر معاون اژان سیاسی انگلیسی مرکب از ۱۳۷ سوار ۲۰۳ پیاده بالارکان حرب - ستون در (پنجگور) بود :

عملیات ضد خرید و فروش و تجارت ورودی اسلحه ۱۹۰۹

در اواخر ۱۹۰۶ معلوم گردید ترتیب عبور اسلحه قاچاق در خلیج فارس توسعه زیادی پیدا کرده است مسقط مرکز تجارت عمده بین عربستان ایران و افغانستان تشکیل داده بود : مقرر شد قضایا در سخنرانی اسلحه که در بروکسل تشکیل میشود مطرح گردد در ۱۹۰۸ دول ثلاثه فرانسه بریتانیای کبیر و ایتالیا در ۱۹۰۶ قراردادی برای بازرسی عبور اسلحه از دریای احمر در (جیبوتی) بایکدیگر منعقد ساختند - در ۱۹۰۸ - ۱۹۰۷ اسلحه زیادی به سواحل مکران وارد گردید و مقداری بوسیله کشتی دولتی توقیف و زود خوردی نیز با قاچاقچیان افغان رخ داد و در ۱۹۰۹ ملاحان ۱۵۰۰ قبضه تفنگ بدست آوردند - سخنرانی اسلحه در بروکسل بسته شد بدون هیچ ترتیب اثری به موضوع مسقط و حول و حوش آن در پائیز ۱۹۰۹ يك تجارت مهمی اسلحه قاچاقچیان گردید مخصوصاً افغان .

ترتیب عملیات آنها از این قرار بود بوسیله بعضی رؤسای بلوچ ایرانی از سواحل مکران ایران اسلحه ها حمل میشدند تا يك مسافتی از کرانه دریا در داخل خاک ایران و در آنجا بوسیله دسته های بلوچ به افغانستان حمل میکردید - باین دلیل يك دستجات بحری برای توقیف قاچاقچیان و اسلحه قاچاق بقرار زیر تشکیل گردید .

الف) چهار کشتی مسلح دولتی با قایق‌های لازمه برای بازرسی کنار دریا مامور گردید .

ب) يك قوای یری برای عملیات جلوگیری در داخل مرکب از نیم باطالیان پیاده هندی دو توپ کوهستانی و يك رسد مهندس تجهیز گشت در کشتی سلطنتی موسوم به (هاردنیک)

ج) يك افسر ژنرال دفتری برای امور سیاسی در جاسک تعیین و مامور گردید .
د) يك دستگاه بیسیم برای دائر نمودن ارتباط بین قوای بحری و یری در جاسک گمارده شد .

ه) جاسک و چاه بهار بحالت پادگان در آورده شده و دو مسلسل و ۱۳۵ نفر در جاسک و ۱۱۵ نفر در چاه بهار برای محافظت پادگان تعیین گردید .
و) این اقدامات فقط برای توقیف و جلوگیری از قاچاقچیان بود که از راه هندوستان به خلیج اسلحه حمل مینمودند .

ز) نیم باطالیان پیاده هندی پادگان رباط درمرزهای سیستان تعیین و گمارده شد. این اقدامات رضایت بخش واقع گردید - زیرا اسلحه توقیفی بدست آمده از قرار زیر بود .

تفنگ : - ۱۳۴۰۹ قبضه طپانچه ۳۱۷ قبضه

فشنگ - تفنگ ۱۳۸۶۲۰ تیر فشنگ طپانچه - ۲۵۶۰ تیر

چندین محل مخصوص بوسیاه قوای بحری و یری خراب و نابود شد .

عملیات سوق الجیشی در مکران ۱۹۱۱

در بهار ۱۹۱۲ عده زیادی افغانه در مکران ایران به عمل قاچاق اسلحه مبادرت ورزید - این اقدامات از مسقط شروع و بواسطه قواعد زیاد تجارتی فوق العاده توسعه پیدا نموده بود - و برای جلوگیری از این عملیات قوای مرکب از يك باطالیان پیاده

هندی دو دسته آتشبار کوهستانی و مهندس تحت فرماندهی کلنل دلامن در ۲۹ مارچ تجهیز گشت دو کشتی دولتی در هفتم اپریل از بمبئی مامور گشت گردید تمام قوا باتفاق در دهم اپریل بعلاوه کشتی سلطنتی در کلاک کرانه های مکران فرود آمده و به رؤسای بلوچ محلی ملحق گشتند - قوا بطرف رودخانه نزدیک برکابند پیشروی نمود. در شانزدهم اپریل کلنل دلامن با ۹۰ نفر قاطر سوار بطرف طیس حرکت نمود - افاغنه بطرف عقب رفتند بعد تمام قوا مجدداً در ۲۱ اپریل به کشی نشسته و در ۲۵ اپریل به (سیریک) و کرانه های بیابان پیاده شده و یک قسمت اسلحه که تازه برای میربرکت خان یکی از رؤسای محلی بلوچ و عامل بزرگ افاغنه وارد کرده بودند توقیف نمود - در ۲۸ اپریل این قوا حمله بسیریک برد که بوسیله ۱۶۰ نفر غلامان میربرکت خان حفظ شده بود پس از یک جنگ خونین بلوچ ها فرار نمودند - چهل قبضه تفنگ و ۴۰۰۰ فشنگ که در سیریک وارد شده برد توقیف و بدست آورده شد قوا بعد از این عملیات بوسیله کشتی ها به هندوستان مراجعت نمود اثرات این اردو کشی فوق العاده بود زیرا افاغنه مایوس و فهمیدند که خرید و فروش اسلحه قاچاق برای آنها نتیجه خوبی نخواهد داشت .

عملیات بر ضد دامنی ها در اوگست ۱۹۱۶

در نتیجه يك اغتشاشاتی از طرف دامنیها در حدود مرز خاوری ایران در ۱۹۱۶ تصمیم يك عملیاتی بر ضد آنها اتخاذ گشت .

در دوم اوگست ژنرال (دیر) از خاش با يك ستون مرکب از سه گروهان هزاره يك دسته توپ کوهستانی يك عده سوار نظام هندی يك دسته مسلسل و صد نفر ریگی تفنگچی حرکت کرد ستون در تاریخ دوم اوگست وارد گشت و تاریخ ۴ به اب کهوگان رسیده - اب برای اردو و بزرگمت در گودال ها یافت میشد و محل اردوگاه بواسطه کمی اب در نقاط مختلف انتخاب و تعیین میگردد.

باران خیلی شدیدی در یوم ۴ اردو را بزحمت انداخت ولی بواسطه تنظیمات خوبی که اداره ارکانی داده بود خساراتی متوجه ستون نگردید .

در ششم اوکست ستون متوجه گشت گردید و در کلاک یک میل شمال گشت متوقف گردید - در تاریخ هفتم میسیون ماژور کیز ستون را در کلاک ملاقات نمود .

در تاریخ هشتم ستون در ساعت ۵ صبح از کلاک خارج شده و بارتفاعات کوه ها (سرفان) بالارفته و پس از طی ۱۵ میل مسافت تقریباً بارتفاع ۱۰۰۰ فیت بالای جاده قرار گرفت . قسمت عقب دار ستون در ساعت ۸ عصر به اردو ملحق گردید .

در ۱۳ اوکت ستون به جالق رسیده در تاریخ ۱۵ ستون از خارج جالق به سینوگان یازده میلی جالق حرکت و مستقر گشت .

در لیل ۱۵-۱۶ اوکست دو گروهان هزاره بایک دسته توپ کوهستانی برای تنبیه غشاد زائنها به جالق حرکت کرد - قلعه جالق محاصره و بمبارده گردید - خیلی از غشاد زائنها در قلعه سوخته و ۱۵۰ مرد و همین تعداد زن و بچه و ۵۵ جسی و ۲۵ گاو و ۲۰ الاغ دستگیر گردیدند .

زن ها و بچه ها را ازاد کردند و ستون مراجعت به ستون کان نمود در تاریخ ۱۷ ستون به جاهو کان رفت و در ۱۸ به سرفان و در ۱۹ بگشت و مجدداً ب ستون ماژور گیز ملحق گشت - در ۲۱ اوکست ستون وارد خاش گشت این اردو کشی خیلی مفید برای طوائف واقع شد از نقطه نظر تهذیب اخلاق آنها ولی ستون یک سلسله اشکالاتی را در حین عملیات به تجربه در آورد از حیث شدت گرما و فقدان آب در یک منطقه ای که سایه وجود نداشته و شاید نمیدانند چیست .

فصل یکم

۱ - وضعیت کلی مکران

قسمتهای مهمی از مکران در زیر دریای عمان مدفون بوده است که به مرور زمان از زیر آب خارج گردیده منظره کلیه مناطق واقع در جنوب نیک شهر کاملاً این نکته را روشن مینماید

در عصر ایوسین تمام این ناحیه زیر آب دریا بوده و حکایات زیاد راجع باین محل ورد زبانهاست از جمله افسانه ایست که (کداسمیت) نقل مینماید که یونس پیغمبر در یومسن ۳۰ کیلو متر جنوب دشت از دهان ماهی خارج شده این منطقه شامل مردابها و باطلاقیهای زیاد بوده است بطوری که در سوابق ایام این منطقه را به زبان سانسکریت (آریانا) مینامیدند .

- طبق تحقیقات (دکتر بلند فورد) انگلیسی يك سلسله ارتفاعاتی در کرانه های مکران است که مرکب از شن و ماسه بوده و مملو از حیوانات محجر است .

- (سرطوماس هیلاخ) در کتاب نقاط مرزی هندوستان چنین مینویسد :
توده های رسی ورقه شده مضرت مثل ستون فقرات نهنگ در اطراف

فروان بوده و نمک لزج شده که در همه جا دیده میشود بخوبی ثابت مینماید این نقاط سابقاً در زیر آب بوده است ، این منطقه چون نا شناس بود در ازمنه گذشته و حتی تا چندی قبل ترس و هراس برای رفتن بان در اذهان تولید مینمود بطوری که ستان ابن سلامه دومین حاکم عرب که در ناحیه مکران حکومت داشته چنین میگوید :
توراه مکران را بمن نشان داده و امر می کنی بدانسو حرکت کنم ولی در بیابان امر و فرمان تا اجرای آن فرسنگها تفاوت دارد من هیچگاه باین

سر زمین داخل نخواهم شد زیرا تنها اسم آن مرا به لرزه در میآورد ،

۲ - مساحت و جمعیت

مکران واقع در جنوب خاوری ایران و محدود بحدود زیر است .

از طرف شمال منطقه خراسان

از طرف باختر منطقه کرمان

از طرف جنوب دریای عمان

از طرف خاور بلوچستان انگلیس

مساحت این منطقه در حدود ۱۵۵۰۰۰ کیلو متر مربع طول آن از ملك سیاه

کوه تا بندر گوادر ۵۶۰ کیلو متر و عرض آن بین کوهك ایرانشهر و مرز ۳۷۵ کیلو متر است

جمعیت کلیه این منطقه در حدود ۱۵۰/۰۰ فعلا حدس زده میشود که بطور

نسبی در هر کیلو متر بیش از يك نفر نخواهد بود و با سنجش بسایر نقاط کشور منطقه کم جمعیتی محسوب میشود .

۳ - هوای مکران

هوای بلوچستان ایران بنا بر وضعیت محلی خیلی متفاوت است منطقه کرانه مکران

فوق العاده گرم خسته کننده مرطوب و مریض کننده است - بمرور که بطرف شمالی

ارتفاعات داخلی بالا میرود هوا سردتر و سالم تر میشود قسمت دره بمپور بواسطه

شدت گرما و بدی هوای تابستان معروف است - در قسمت های مرتفع مرز و نشیبهای

کوه تفتان هوا در تابستان خیلی خوب است و در زمستان هم برف باریده میشود در

ماه اسفند مواقع سرمای زیاد و طوفان های برفی در بمپور هم نزول برف دیده شدم

- در قسمتهای کوهستانی چهار فصل متمایز است ولی در جنوب دو فصل بیشتر وجود ندارد یکی سرما و یکی گرما .

۴ - درجه حرارت در مکران

تا وقتی مسافرت ننموده و در معرض حملات بادهای سوزان و گرمای شدید منطقه واقع نگردند ممکن نیست فکر صحیح و نظر قطعی نسبت بوضعیت این منطقه حاصل نمود .

از لحاظ آب و هوا میتوان منطقه مکران را به ۴ قسمت تقسیم نمود .

۱ - منطقه خوش آب و هوا

۲ - مناطق معتدل با اختلاف درجه حرارت در شب و روز

۳ - مناطق گرم

۴ - مناطق کرانه

منطقه خوش آب و هوا

این منطقه در دامنه کوه تفتان واقع است بین قطار خنجرک و میرآباد به عمق ۳۰ کیلو متری هوای آن معتدل و لطیف است و زندگانی در این منطقه در صورت بودن وسائل بینهایت خوب خواهد بود در این منطقه چشمه سارهای متعدد موجود است شب در وسط تابستان بایستی در اطاق خوابید و در روز نیز حتی در آفتاب به هیچوجه حرارت و گرمای هوا محسوس نیست در ۲۶ اردیبهشت ماه گندم این منطقه بکلی سبز و خوشه آن خوب بسته نشده و یک ماه به درو مانده بود در صورتیکه گندم در سایر نقاط مکران یک ماه قبل درو و جمع آوری شده است .

در این منطقه حتی درختهای میوه زرد آلو - گیلاس - دیده میشود و از هر لحاظ استعداد نمو این قبیل اشجار را دارد بهمین مناسبت است که میتوان بهترین مناطق مکران این قسمت را معرفی نمود .

قسمت دوم - این قسمت که از زاهدان شروع و تا خاش ادامه دارد روز ها فوق العاده گرم و حرارت آفتاب بی اندازه زنده و مؤثر است و حتی کار کردن در روز بی اندازه مشکل و پر زحمت میباشد در صورتیکه شبها سرد و بایستی در اطاق استراحت نموده و حتی شاید در اطاق هم روپوش کافی لازم باشد - بهمین مناسبت و بواسطه همین تغییر حرارت شب و روز از طرفی اهالی استفاده نموده و با ذخیره کردن هوای خنک شب از حرارت روز مصون خواهند بود گرچه بواسطه همین تغییر حرارت در صورت عدم دقت ممکن است دچار بیمار یهای مختلف گردند مخصوص در صورتیکه بادر نظر گرفتن حرارت روز بخوانند شب در خارج استراحت نمایند . در این منطقه اشجار خرما کم و اگر هم یافت شود بدون ثمر است و اشجار مناطق معتدله بیشتر نمو و پرورش مینمایند

قسمت سوم - مناطق گرمسیری این مناطق دارای حرارت بسیار در روز و شب بوده و زندگانی در آن مشکل و بینهایت سخت است این منطقه وسیعی است از ایران شهر بطرف جنوب که شامل کوهك - شستان و قسمت جنوب آن خواهد بود هر قدر از ایران شهر بطرف جنوب رویم بهمان بسبت بدرجه حرارت اضافه میشود .

مثلا ایران شهر در ۱۳۱۹

در فروردین ۲۶ درجه ساعت ۱۲ در سایه بود .

در اردیبهشت ماه ۳۷ درجه ساعت ۱۲ در سایه بود .

در اواخر اردیبهشت ۴۶ درجه ساعت ۱۲ در سایه بود .

بلا فاصله پس از عبور از این منطقه این حرارت بتدریج اضافه خواهد شد بطوریکه در نیک شهر و در قصر قند ۱۲ تا ۱۰ درجه بیش از درجات مندرجه در بالا بوده است در نیک شهر ۱۹/۲/۲۶ درجه حرارت در سایه تجاوز از ۵۸ الی ۶۰ و در موقع حرکت با خود رو بادی که میوزید بقدرنی گرم و سوزنده بود که ضمن

برخورد آن بصورت احساس برخورد شعله آتش سوزانی رامیداد عابرین که در توی جاده ملاحظه میکردیدند با پارچه صورت و گوش ردهان خود را بسته بودند این حرارت دائمی روز بروز تا مرداد در ازدیاد است در شب هم هوا بکلی در این مناطق گرم است بطوریکه تمام مدت شب را در تابستان در منطقه گرما نمیتوان استراحت کرد حشرات مخصوص بسیار است مخصوصاً وجود برنج کاری های نیک شهر و سایر نقاط کمک زیادی باز دیاد این قبیل حشرات نموده اشجار واقعی و اصلی این منطقه درخت خرما است زراعت این منطقه در فروردین ماه درو و جمع آوری میشود . در این منطقه اشجار گرمسیری ملاحظه میشود .

قسمت چهارم - که گذشته از گرما دارای درجه بخار زیاد میباشد و گاه گاهی به ۹۰ درجه بخار آن میرسد که غیر قابل تحمل میگردد گرچه حرارت پیاپی منطقه مرکزی نیست اشجار این منطقه اشجار مخصوص کرانه هندوستان است . برای اینکه هوای برخی نقاط مکران بطور مشخص در نظر مجسم شود شرح مختصری راجع به هر یک درج میگردد .

جنوب

فصل سرما از ماه مهر شروع میشود تا فروردین و از ماه مهر موسم گرماست منتها درجه حرارت هوادر زمستان از ۸۷ تا ۹۷ درجه تغییر پیدا مینماید و در تابستان از ۹۴ تا ۱۱۰ درجه بارندگی قطعی و معینی نیست ولی بین ماه ابان و بهمن بارندگی میشود گاهی هم در اسفند باریده شده است - میزان بارندگی در مکران بین ۶ و ۷ اینچ در سال است ولی در بنادر هیچوقت تجاوز از ۳ الی ۴ اینچ ننموده است - در فصل تابستان خوابیدن در چادر در روز غیر ممکن است بواسطه شدت گرما و همچنین در نقاطی که آب هست بواسطه پشه و سایر حشرات گزندة توقف شکل است - قصر قند بواسطه پشه زیاد معروف و در نتیجه مالا ریا فوق العاده

فراوان است - معذالك اهالی فقیر آنجا در زیر هجوم همان پشه ها و در حین گرما میخوانند در نیک شهر حدت گرما از ماه فروردین تا مهر طاقت فرسا است ولی هوای آن غیر سالم و بدب نظر نمیاید و مالاریا هم در آنجا وجود ندارد .

بمپور

هوای بمپور به بدی در تمام مکران معروف است و هوای آن چه در کنار رودخانه بمپور و چه در صحرای خشك و ریگستانی آن خیلی مختلف و در حین خشکی و سردی هوا گرم و مرطوب میشود - در موسم سرما هوای بمپور خوب و لطیف است ولی در عین حال که فوق العاده سرد است هوا تغییر یافته و فوق العاده گرم میشود موسم گرما از ماه اردیبهشت شروع و در ماه خرداد گرما شدت غریبی پیدا مینماید و در تمام فصل گرما درجه حرارت از ۱۱۳ درجه الی ۱۱۶ درجه میرسد .

دزك

هوای دره دزك سیب و زایی خوب و معتدل است مخصوصاً دره زایی خیلی معتدل و هوای سالمی دارد - زایی چهار فصل معینی داشته و مخصوصاً در زمستان خیلی سرد میشود .

مرز - هوای مرز در تابستان خیلی گرم و خشك است و درجه حرارت شبها نقصان فوق العاده پیدا نموده در عین حال سرد میشود در تابستان طوفان گرم و خاك زیاد دارد ولی با ساختن بنا های خوب کاشتن درخت بخوبی میتوان زندگانی نمود با استثناء باد و بارندگی که گاهی امکان پذیر است در تمام مدت گرما بهیچوجه بارندگی نمیشود - باد های زمستانی که از خلیج فارس و زیده میشود از روی مرز عبور نموده و کوه تفتان تمام رطوبت هوا را بخود جذب و باعث بارندگی های نافیعی در حدود کوه تفتان میگردد - برف در کوه تفتان تا آخر ماه مهر وجود دارد .

باد های مکران

مکران اساساً در اثر مجاورت با لوط و کریر های اطراف محلی است باد خیز

و دارای دو قسم باد است شمالی و جنوبی باد های شمالی نظر بعبور از روی برف و کوه های مرتفع اطراف مانند کوه تفتان بسیار خشک و مطبوعند ولی همین بادها چون بطور مختلف میوزند همیشه سبب بروز امراض سینه و ریه و بینی هستند باد های جنوبی نظر به عبور از روی لوط و کویر باشن و ریک و خاک همراه و خیلی زننده و گرم و اغلب مسموم میباشند بهمین واسطه امراض گرمسیری مانند تب آفتاب زده و تب سیاه و سرسام در اثر گرمی هوا در نقاط گرمسیری مکران زیاد مشاهده گردید

۵ - بیماریهایی که در نتیجه آب و هوای مکران

همه ساله بروز میکند

از نقطه نظر اختلاف هوا امراضی که در آن بروز مینماید در هر فصل مختلف است:

۱ - همه ساله از اواخر فروردین مرض مالاریا و دیسانتری بطور اپیدمی تا آخر مرداد در بین عامه شایع است.

۲ - از مردادماه تا اواخر شهریور گریپ و کشر نکتویت بروز نموده عده ای را مبتلا میسازد.

۳ - از اواخر شهریور تا اواخر آبان مجدداً مالاریا و دیسانتری قدری کمتر از دوره اولی بروز مینماید و باقیمانده گریپ و کشر نکتویت هم موجود است.

۴ - از اواخر آبان تا اواخر فروردین سال بعد پنومی و پلورزی و برونشیت و زکام نیز بطور شایع بروز نموده عده ای را مبتلا و اغلب تلف مینماید امراض مختلف دیگری هم بطور عادی مانند سایر امکنه در این مکان موجود است.

در تابستانها گاهی مالاریا و تیفو مالاریا و گاهی تفوئید ساده و اغلب تب آفتاب زده نیز مشاهده شده این امراض گاهی بصورت اپیدمی بروز میکنند مکران از نقطه نظر مجاورت با بلوچستان انگلیس و هندوستان همیشه در معرض مخاطره امراض میری از قبیل طاعون و وبا نیز خواهد بود.

فصل دوم

۱ - کوهستان مکران

رشته کوهستانهای جنوبی مرکزی و خاوری ایران در منطقه مکران بهم نزدیک شده يك منطقه کوهستانی که شامل رشته های موازی است تشکیل میدهند .

- رشته ارتفاعات کرمان که همان امتداد کوه بارز باشد امتداد خود را بطرف ایرانشهر و کوهک و مرکز مکران ادامه داده باسم کوه بم پشت مرکز مکران را شیار و بطرف پنجگور امتداد مییابد .

- رشته ارتفاعات مکران نه کرانه جنوبی کرمان را فرا گرفته باز همان امتداد را طی و پس از طی کایه منطقه جنوبی مکران بطرف تربت و مند خاک بلوچستان ممتد می شود .

- رشته ارتفاعات خاوری که از نه و پنجگور در جهت شمالی و جنوبی ادامه داشت پس از گذاردن سیستان در جناح راست خود و در سمت خاوری زاهدان بطرف مرز متوجه و سپس دهلیز سراوان را تهیه و باسم کوه سیاه هان و کوهک به مرز متصل و با رشته های قبلی موازی میگردد .

در بین این سه رشته ارتفاع کوهستان مرکزی و قلل آن خیلی مرتفع تر و برجسته تر است بطوری که:

$$\left. \begin{array}{l} \text{تفتان } ۱۲۴۵۲ \text{ پا یا } ۴۱۵۰ \text{ متر} \\ \text{قلعه بزمان } ۱۱۴۷۰ \text{ پا یا } ۸۲۳ \text{ متر} \end{array} \right\} \text{میباشد}$$

ولی ارتفاعات شمالی از ۸۱۱ متر در مقابل زابلستان تجاوز نمی نماید کلیه این ارتفاعات عموماً هر قدر بطرف مرز نزدیک میشود پست تر شده پس از عبور از مرز بلوچستان انگلیس مرتفع تر خواهد شد .

در مرز بوده ولی پس از عبور از از مرز ارتفاع آن زیاد	{	بطوری که قله جنوبی ۱۰۴۱ متر
		قله مرکزی ۱۱۰۸ متر
		قله شمالی ۹۱۰ متر

و ملاحظه می کنیم در خوز در به ۱۳۵۰ و هر قدر بطرف شمال رویم بالاتر و مرتفعتر خواهد شد.

کوهستانهای این منطقه کلیه سنگی و مرآب از سنگ ها است که ورقه شده و بی اندازه مست است بطوریکه در نتیجه بارانهای نایاب خیلی تغییر شکل داده و اشکال مختلفی را دارا میشوند.

این کوهستانها عموماً خشک است فقط در کوهستان بم پشت و ارتفاعات تفتان و اطراف آن دره های نسبتاً باصفائی یافت میشود و در نتیجه حرکت در کوهستانها بواسطه عدم وجود آب خیلی مشکل و بسیار پر زحمت است در کوهستانهای پر آب اشجار بادام کوهی و انجیر دیده میشود باضافه بعضی گل های وحشی بنظر میرسد در بین این گیاه ها علف های طبیعی از قبیل افستین - گل گاوزبان - گل بنفشه مقادیر زیاد یافت میشود کوهها - برای آنکه بهتری وضعیت کوهستان مکران اطلاع حاصل شود رشته های مهم و قلل قابل توجه آنرا شرح میدهم

کوه تفتان - در دامنه های این کوهستان آب زیاد و کبک فراوان میباشد - قریه کوچک (وراج) در دامنه کوه در ارتفاع ۶۵۰۰ پا واقع شده در ارتفاع ۱۰۰۰۰ پا در دامنه کوه چشمه آب خوبی موسوم به (خوش آب) واقع است و از این جا بطرف قله قلوه سنگهای بزرگ مشاهده میشود - از قریه (وراج) تا قله کوه ۸ ساعت راه است . قله کوه از خاکستر سفید رنگی پوشیده شده که از دور شبیه برف است .

کوه تفتان دارای ۴ قله است قله شمالی موسوم به زیارت نوك جنوبی آن موسوم به (مادر کوه) که آتش فشانی است در جنوب خاوری این قله قله صبح کوه و در باختر آن قله نر کوه قرار گرفته .

این کوهستان دارای چشم انداز بسیار ممتازی به تمام اطراف است. قله این کوه ۱۲۴۵۲ پا ارتفاع دارد کوه مخروطی شکل است.
این کوهستان در مکران به اسم کوه چهل تن موسوم است.



منظره دو قله تفتان در افق

- کوه لیکور - در مجاورت همین کوه واقع و دارای مغاره های زیاد است .
- کوه کنج با ارتفاع ۵۵۰۰ پا در مرز قرار گرفته .
- سلسله ارتفاعات بزمان مرکب از چند رشته کوهی است که بموازات یکدیگر از شمال بجنوب امتداد دارد یک رشته ان موسوم خضر زنده است در مجاورت این رشته مه کوه بچه کوه قرار گرفته .
- قله این کوه ۲۱۰۰ پا ارتفاع دارد دامنه این کوهستان برای زندگی بدیجات بهتر از بمپور است .
- کوه پنج انگشت در مجاورت خاش در منطقه مرز چهار ساعت برای بالا رفتن به قله این کوه لازم است .
- کوه قانوج کوه مرتفعی است که برای بالا رفتن از آن ساعت وقت لازم است .

از قله این کوه سرچشمه ۴ نهری که رودخانه فانوچ را تشکیل میدهند میتوان دید این پنج
نهر به اسامی زیر در محل معروف است ،

- نهر میرآباد که میرآباد در کنار آن واقع شده .

- کم کور

کورمکن

- کور اسپید

از قله فانوچ ارتفاعات بزمان در طرف شمال بخوبی دیده میشود ناحیه لاسار در
سمت خاور کوه فانوچ واقع شده در این ناحیه چند باب خانه سنگی و يك قلعه که از
آثار و بقایای قدیمه است ملاحظه میشود خرمای این ناحیه در مکران معروف و از لحاظ
ارزانی نیز تا حدی بهتر از سایر نقاط است
- رشته ارتفاعات کچا کوه که در خط مرز واقع شده و دارای اهمیت نظامی است



جاده و مسیر راه آهن در جلای آن در عقب ارتفاعات کچا کوه

- رشته کوه اسپیدان در بین ایران شهر بطرف قلعه زایی واقع و قله آن کوه به هنت

موسوم است این قله با ارتفاع ۷۶۰۰ پا و سر آن خیلی باریک است این کوه بر خلاف

آنچه آتش فشان معروف است کوه عادی بیش نیست ولی دامنه های آن تند و بالا رفتن بآن مشکل است.

بطرف خاور از شمال بجنوب کوههای بیرو یاریج و جیلی کوه واقع شده عقب آنها کوههای سفید کوه است

تمام این کوهها فللشان در زمستان از برف مستور است و به ارتفاع ۳۰۰۰ الی ۳۳۰۰ متر میباشد - بطرف جنوب و جنوب باختری در خط جنوبی مرز کوههای منفرد کم اهمیتی هستند معروف به هنجار استخرو - و مرغوک در نزدیکی خاش دورشته مرتفع معروفی واقع شده که یکی به کلهر و دیگری پنج انگشت در طرف جنوب باختر - در باختر کوه تفتان سلسله کوههای پیر سورانی یا (سیاه بند) واقع شده که از شمال بجنوب کشیده شده اند و یک سد محکمی بین مکران مرزی و لوط کرمان تشکیل میدهند و از شمال بطرف شمال باختری دشت لوط را جدا میسازد - در جنوب این کوهها تپه های کوچکی که معروف به گوهر کودو کوه مرغک و مالاغ کوه و هاشانی است واقع شده.

کوه برک که از شمال باختری بطرف خط جنوب است يك کوه نمک آهکی است به ارتفاع ۱۳۳۰ متر حدود بمپور را از حدود دزک یا سراوان جدا میسازد در جنوب باختری این کوه که جالگه مرز بمپور واقع است کوه لاشار کوه واقع شده در خاور لاشار کوه در طرف جنوب خاوری حدود دزک کوههای بمپشت واقع گشته که تشکیل حدود بین مکران و آن ناحیه را میدهد - ارتفاع آن ۱۶۶۵ متر از سطح دریاست.

۲ - رودخانه ها و ابهای مکران

منطقه مکران اصولاً منطقه نسبتاً خشکی است که آب کمتر از سایر مناطق مجاور آن میباشد ولی معیناً رودخانه هایی در این منطقه جریان دارد که این رودخانه ها عموماً

دارای آب میباشد بعضی از این رودخانه ها در سطح جاری و بر خی عبارت از زه آبهای میباشد که پس از حفر مختصری آب جاری بدست خواهد آمد .

بین کلیه رودخانه های این منطقه یگانه رودخانه ای که دارای اهمیت نظامی است رودخانه (ریپچ) است که با سم بنت فانوچ وارد دریا میشود در دوشعبه بفاصله ۴ میل یک شعبه در خور ریپچ و دیگری در خور کلاک هر دو مصب بواسطه گل و لجن زیاد غیر قابل عبور است ولی در مواقع باران و طغیان آب میتوان با قایق در خور ریپچ حرکت نمود سایر رودخانه های مکران بهیچوجه از لحاظ قایق رانی قابل استفاده نیستند رودخانه های بمپور و سراوان در موقع بارندگی زیاد خیلی زود طغیان کرده و عبور از آنها خالی از خطر نخواهد بود وضعیت رودخانه ها و آبهای مشروب این منطقه طبق شرح زیر است :

آبهای مکران

مکران دارای چهار قسم است - چاه - قنات - چشمه - رود

۱- آب چاه های مکران اغلب شور و دارای (فسفات دوشو) و (کربنات دوشو) و (کلرور دوسود) و (سولفات دوسود) است و اغلب چاههایی که آبهای آنها شور است در خاش و زاهدان و در راه دلگان واقعند .

۲- رودخانه های مکران - مکران اساساً دارای دو قسم رودخانه است . یکی رودخانه سطحی و دیگری تحت الارضی که اغلب از زیر ریلک و سنک بطور تحت الارضی عبور مینمایند .

رودخانه های سطحی مکران عبارتند از رود گشت که از خاش شروع نموده از اراضی جنوبی گشت دوشک و بخشان کوهك عبور نموده و وارد خاك بلوچستان انگلیس میشود

۳- رودخانه سرباز است که از نزدیک رودخانه بمپور خارج شده و از سرباز عبور نموده قدری از اراضی باهوکلالت را آبیاری نموده در نزدیک بندر گواتر با شعب دیگری توأم شده از کنار بندر گواتر ببحر عمان میریزد این رودخانه شامل کلیه آبهای سرباز- کاجو- نهنگ میباشد

۳- رودخانه های اراضی مکران جنوبی چهاررودند که از کوhestان مکران سرچشمه گرفته به بحر عمان میریزند

رودخانه نیک شهر که در ۳۰ میلی باختر چاه بهار وارد دریامیشود رودریچ که در دو شعبه باسم فانوچ در دشت بفاصله ۹ میلی از یکدیگر وارد دره میشود - رود سادانیچ که در خاور جاسک وارد دریا میشود

۴- دو رود که در طرف خاور خاش واقع اند آنها از کوه های خارری اطراف خاش شروع نموده از مرز جالق وارد ما شکیل که جزو خاک بلوچستان انگلیس است میشود

رود های تحت الارضی مکران عبارت است از رودخانه بمپور که از نزدیک کارواندر شصت کیلو متری خاش شروع شده و بعضی جاها زیر خاک فرو رفته و بکلی محو میشود تا نزدیک تیغ آب مجدداً ظاهر شده در حدود هشت کیلومتری بطور ظاهر عبور مینماید و باز زیر خاک رفته بطور تحت الارضی عبور نموده نزدیک چاه در ۱۲ کیلومتری دامن ظاهر شده و از قسمت خاوری ایرانشهر بطرف بمپور عبور مینماید و از ایرانشهر خاک املاک خالصه را آبیاری کرده و از بین شمس آباد و چاسر دو بدریاچه شور که در ۱۲۰ کیلومتری بمپور واقع است میریزد

۳- قنات های مکران - در مکران قنات زیاد آب آنها عموماً شیرین و گوار است و کمتر دارای مواد شیمیائی است

۴ - چشمه های مکران اغلب سولفور و دارای گوگرد است و اغلب آنها کاملاً دارای طعم آسید سولفوریک خیلی ترش و دارای همان خواص گرگرد است من جمله این آبها همیشه در خاش و اطراف تفتان موجود اند مخصوصاً در کوه تفتان معدن گوگرد زیاد است و بهمین جهت آبها تیکه از کوه تفتان سرازیر میشود اغلب ترش و دارای گوگرد است در بزمان قناتی موجود است که اغلب برای عموم امراض جلدی از قبیل اکزما و گال و امثال آنها بسیار مفید است اغلب چشمه های مکران بقدری گوارا است که در روز در اثر خوردن آنها ممکن است بدفعات مختلف انسان را گرسنه نماید این قبیل آبها بیشتر آب برف است که از چشمه های مختلف کوهستانی بیرون آمده بعد سرازیر شده تشکین رودخانه میدهد مثلاً سراب کوشه که در چهل و هشت کیلومتری خاش مقابل سنگان است .

روخانه مشکل

این رودخانه را بلوچ ها مشکله مینامند این رودخانه سابقاً خیلی وسیعتر بوده است . اب این رودخانه در بیابان واقع و در خاور جالوق فرو میرود يك قسمت نیز نخلستانهای اطراف را مشروب میکند

۳ - دریاچه ها

در مکران ایران دریاچه ای وجود ندارد فقط جاز موریان هامون است که از آب کوههای لاشار ورود بمپور و هلیل رود و سایر جوی های کوچک که به آن داخل میشوند دارای اب است و انهم در فصل تابستان بکلی خشك و در ماههای دوم و سوم بهار و پائیز بواسطه تبخیر دارای اب زیادی نیست دریاختر خاش هم يك هامون کوچک دیگری وجود دارد که چندان قابل اهمیت نیست - و معروف به چاه عمین هامون است و همیشه اوقات نیز خشك است هامون ماشکیل که در خاک بلوچستان انگلیس است کلیه آبهای رودخانه های

ماشکیل طالب کله گان و جالق را بخود جلب مینماید سایر جوی های کوچکی که در مکران جاری هستند کم اتفاق میافتد که دارای آب جاری باشند جریان آنها از زیر خوابگاه رودخانه بوده ولی باحفر کمی از زمین قریب ۴ پال بدست میاید .

فصل سوم

تقسیمات اداری و تقسیمات داخلی مکران

مکران طبق تقسیمات کشور (۶ ابانماه ۱۳۱۶) در جزو استان هشتم محسوب شده و شامل شهرستان‌ها و بخشهای زیر میباشد :

خاش شهرستان شماره ۳۹ شامل بخشهای زیر: ۱- خاش

۲ - قصر قند

۳ - ایرانشهر

۴ - سراوان

۵ - نریمان

۶ - سرباز

۷ - چاه بهار

۸ - زاهدان

زابل شهرستان شماره ۴۰ شامل بخشهای - زابل

میان کنکی

طبق این تقسیمات مکران واقعی شهرستان خاش محسوب میشود چه قسمت زابلستان گرچه فعلا از لحاظ نظامی تابع مکران است ولی ساختمان و وضع طبیعی آن از آن بکلی مجزا بوده و در جزو خراسان خاوری مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

جدول تقسیمات مکران - مساحت تقریبی - جمعیت و تعداد بلوک و قراء

بخش	مساحت	جمعیت	بلوک	
خاش	۶۸۴۰ کیلومتر	۲۴۰۰۰	بلوک ۱۸	۱ - خاش مرکزی - شامل ۱۴ قریہ - جمعیت کلیہ ۹۰۰ نفر قراء بین ۲ تا ۱۸ کیلو متر تا خاش . ۲ - رويس ۱۸۳ قریہ شامل ۶ قریہ - جمعیت ۲۵۰ نفر بمسافت ۶۰ کیلو متر از خاش . ۳ - چمن علی - شامل ۸ قریہ - ۵۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت تا خاش ۵۴ کیلو متر ۴ - انجیرک - شامل ۹ قریہ - ۳۵۰ نفر جمعیت حد اکثر فاصلہ تا خاش ۵۶ کیلو متر ۵ - سنگان - شامل ۱۶ قریہ - ۱۵۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت تا خاش ۴۸ کیلو متر ۶ - تمین - شامل ۲۶ قریہ - جمعیت ۳۵۰۰ نفر - حد اکثر مسافت بہ خاش ۷۸ کیلو متر . ۷ - میر جاوہ - شامل قریہ - میر جاوہ - جمعیت ۴۰۰ نفر در ۱۸ کیلو متر ۸ - لادیز - شامل ۳۸ قریہ - جمعیت ۴۰۰ نفر تا خاش حد اکثر ۹۰ کیلو متر ۹ - شیخ احمد - شامل ۸ قریہ دارای ۵۰۰ نفر جمعیت - حد اکثر مسافت تا خاش ۱۱۴ کیلو متر . ۱۰ - دہ بالا - شامل دو قریہ - جمعیت ۳۹۹ - حد اکثر مسافت تا خاش ۴۸ کیلو متر ۱۱ - کال آباد - شامل بلکوز حال - جمعیت ۱۵۰ نفر - در ۹۰ کیلو متری در خاش ۱۲ - دہ بالای کال آباد ۴۰۰ نفر جمعیت ۴۷ کیلو متر تا خاش . ۱۳ - کال آباد پائین ۲ قریہ - جمعیت ۲۴۵ نفر تا خاش ۴۲ کیلو متر ۱۴ - گرو - شامل ۳ قریہ - جمعیت ۱۶۶ نفر تا خاش ۹۰ کیلو متر . ۱۵ - گوشہ - شامل ۲۸ قریہ - ۳۵۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت تا خاش ۶۹ کیلو متر ۱۶ - ایرندگان - شامل ۸ قریہ - ۱۶۵۰ نفر - حد اکثر مسافت تا خاش ۸۴ کیلو متر ۱۷ - کارواندر ۵ قریہ - ۷۰۰ نفر حد اکثر مسافت تا خاش ۸۴ کیلو متر ۱۸ - اسطل آباد - دارای ۷ قریہ - ۳۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا خاش ۷۲ کیلو متر
سراوان	۳۹۰۶۰ کیلومتر	۴۳۵۰۰ نفر	مرکب از ۱۵ بلوک	حد اکثر . ۱ - داور پناه - شامل ۱۹ قریہ - ۸۰۰۰ نفر جمعیت تا مرکز سراوان ۷۲ کیلو متر ۲ - کوہک ۵ قریہ ۱۰۰۰ نفر تا بخشان ۱۲۶ کیلو متر ۳ - کلہ کان - ۴ قریہ - ۱۵۰۰ نفر جمعیت - حد اکثر مسافت تا نسباز ۶۶ کیلو متر ۴ - جالقی ۶ قریہ ۲۵۰۰ نفر حد اکثر ۵۴ کیلو متر تا بخشان ۵ - ناهوک ۴ قریہ - ۱۶۰۰ نفر جمعیت - حد اکثر مسافت ۵۴ کیلو متر ۶ - سیب ۵ قریہ - ۳۰۰۰ نفر حد اکثر ۸۴ تا بخشان ۷ - سوران - ۹ قریہ ۲۵۰۰ جمعیت حد اکثر مسافت ۵۴ کیلو متر ۸ - پسکوه ۶ قریہ ۲۰۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۸۴ کیلو متر ۹ - ایر افشان - ۱۱ قریہ - ۳۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت ۱۳۲ کیلو متر ۱۰ - اشار ۱۸ قریہ ۴۵۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۱۱۴ کیلو متر ۱۱ - ہیدوج - شامل ۲۹ قریہ - ۴۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت ۷۸ کیلو متر ۱۲ - کنہ ۶ قریہ ۱۵۰۰ حد اکثر تا بخشان ۹۶ کیلو متر ۱۳ - ہم پشت ۲۶ قریہ ۵۰۰۰ نفر حد اکثر مسافت تا بخشان ۱۲۶ کیلو متر

۷- سوران - ۹ قریہ ۲۵۰۰ جمعیت حد اکثر مسافت ۵۴ کیلو متر
 ۸- پسکوه ۶ قریہ ۲۰۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۸۴ کیلو متر
 ۹- ایرافشان - ۱۱ قریہ - ۳۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت ۱۳۲ کیلو متر
 ۱۰- اشار ۱۸ قریہ ۴۵۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۱۱۴ کیلو متر
 ۱۱- هیدوج- شامل ۲۹ قریہ - ۴۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت ۷۸ کیلو متر
 ۱۲- کنه ۶ قریہ ۱۵۰۰ حد اکثر تا بخشان ۹۶ کیلو متر
 ۱۳- بم پشت ۶۶ قریہ ۵۰۰۰ نفر حد اکثر مسافت تا بخشان ۱۲۶ کیلو متر
 ۱۴- زابلی ۱۹ قریہ ۳۰۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۹۰ کیلو متر
 ۱۵- ناییدیم ۱۴ قریہ - ۱۵۰۰ نفر ۱۰۲ کیلو متر

۱ - ایرانشهر ۱۲ قریہ با جمعیت کلی ۸۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱۲ کیلو متر.
 ۲- ابتر ۵ قریہ- دارای ۱۰۰۰ جمعیت حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۲۴ کیلو متر
 ۳ - دامن - ۹ قریہ - با جمعیت کلی ۳۰۰۰ حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۳۶ کیلو متر.
 ۴ - کوهسار ابتر - ۱۱۰ قریہ دارای ۳۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۴۸ کیلو متر.

۵- بملپور ۲۱ قریہ - ۴۰۰۰ نفر جمعیت - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۷۲ کیلو متر
 ۶- سرباز - ۵۲ قریہ - ۸۰۰۰ نفر حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱۳۲ کیلو متر
 ۷- گوهر پشت - ۱۵ قریہ - ۵۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۲۴ کیلو متر
 ۸- بزمان - ۱۶ قریہ - ۳۰۰۰ نفر - حد اکثر مسافت از ایرانشهر ۱۶۸ کیلو متر
 ۹- ادلکان ۲۴ قریہ - ۲۰۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱۴۴ کیلو متر
 ۱۰- چامپ - ۴۰ قریہ - ۵۰۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱۲۰ کیلو متر
 ۱۱- اهودان - ۱ قریہ - ۷۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۹۶ کیلو متر
 ۱۲- راسک - ۵ قریہ - ۱۰۰۰ نفر - مسافت تا ایرانشهر ۱۸۰ کیلو متر
 ۱۳- بیرم مچ - ۱۰ قریہ - ۱۵۰۰ نفر حد اکثر جمعیت تا ایرانشهر ۷۲ کیلو متر
 ۱۴- کاجه - ۲۳ قریہ ۲۰۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱۴۴ کیلو متر

مرکز ایرانشهر ۱۴ بلوک

۳۰۲۴۰

۳۵۵۰۰

ایرانشهر

۱- لاشار - ۲۸ قریہ - ۳۰۰۰ نفر جمعیت دور ترین مسافت ۷۲ کیلو متر تانیک شہر ۲- قصر قند ۱۱ قریہ - ۷۰۰۰ نفر دور ترین قراء تانیک شہر ۸۴ کیلو متر ۳- نیک شہر - ۱۵ قریہ ۳۰۰۰ نفر جمعیت دور ترین بخاف ۹۶ کیلو متر ۴- نیت ۵- نفوح ۶- مشکوتان ۴ قریہ - ۲۰۰۰ نفر ۷۸ کیلو متر ۷- کلات - ۶ قریہ ۱۵۰۰ نفر ۳۶ کیلو متر ۸- ایکہ - ۸ قریہ - ۲۰۰۰ نفر ۹۰ کیلو متر ۹- ایرندکان - ۲۶ قریہ - ۴۰۰۰ نفر ۶۰ کیلو متر ۱۰- باہو کلات - ۱۱ قریہ - ۵۰۰۰ نفر ۱۲۰ کیلو متر	۱۰ بلوک	۳۵۰۰۰	۶۳۳۶۰	نیک شہر
۱- کالک - ۱ قریہ - ۲۰۰ نفر تا چابہار ۱۰۸ کیلو متر ۲- پارک یک قریہ ۱۰۰ نفر ۹۶ کیلو متر ۳- چابہار - ۱۰۰۰ نفر ۴- کوثر - ۲۰۰ نفر ۲۴۰ کیلو متر ۵- پیشین - ۲۵۰۰ نفر تا چابہار ۱۵۰ کیلو متر ۶- سرحد پیشین ۱۵۰ نفر ۱۸۲ کیلو متر ۷- سرحد پنجکور ۱۵۰ نفر تا چابہار ۱۹۲ کیلو متر ۸- اشکنہ ۵۰۰ نفر ۲۱۶ کیلو متر ۹- کندورک ۱۰۰ نفر تا چابہار ۱۸۰ کیلو متر ۱۰- کوہ کبیر ۱۰۰ نفر ۱۸۰ کیلو متر ۱۱- تنک ۲۰۰ نفر تا چابہار ۱۹۲ کیلو متر ۱۲- کپولی ۱۵۰ نفر تا چابہار ۲۲۸ کیلو متر ۱۳- یکہ دار ۲۰۰ نفر ۱۸۰ کیلو متر ۱۴- تیس ۵۰ نفر ۱۲ کیلو متر	مرکز چابہار ۱۴ بندر	۱۰۰۰۰	۸۰۰۰	چابہار
	بلوک ۷۱ یا ۸۷۳ قریہ	۱۴۸۵۰۰	۱۴۷۵۰۰	جمع کل

فصل چهارم

وضعیت اقتصادی مکران

منطقه مکران با وجود وسعت زیاد خود بواسطه نداشتن سکنه مکفی و نبودن يك اصول آبیاری دارای منابع مهمی چه از لحاظ کشاورزی و چه از لحاظ حشم داری نبوده و حتی احتیاجات خود اهالی را هم در اکثر نقاط تأمین نموده ناکزیرند ارزاق و توشه لازم را از زابلستان و یامیناب وارد نمایند - برای آنکه وضعیت منابع محلی آنها بهتر در نظر مجسم شود معاش اهالی و محصول مکران را شرح میدهم ولی بطور کلی حوزه مرکزی مکران پراز کوهستان و آب کافی است ولی کمتر از آن استفاده میشود اگر دقتی به آبیاری محل مبذول شود تنها رود بمپور و سائل شرب منطقه وسیعی را فراهم خواهد کرد .

مرز برای آبادانی استعداد کاملی دارد جلگه مرتفع این ناحیه تا تفتان و سفید کوه ادامه داشته قنواتی که در محل حفر شده بسیار نافع بوده و آثاری از کشت و زرع قدیم در این ناحیه بنظر میرسد .

۱- معاش اهالی و محصول مکران ایران

مکران ایران - اهالی فقط برای معاش خودشان زراعت میکنند و غالباً اتفاق افتاده است که باندازه خودشان هم زراعت نموده و همه چیز را از خارج حمل مینمایند حتی علیق دواب مقدار کمی زراعت گندم و جو و برنج در بعضی قراء یافت می شود - فقط بمپور قابل اینست که مقدار زیادی غله روغن و خرما اضافه از احتیاجات محلی خود بخارج بدهد - سایر نواحی خیلی فقیر و زراعت آنها بقدر ما یحتاج اهالی نیست - مرز بکلی محروم از هر چیز است ولی خیلی قابل زراعت و بواسطه آب بهای زیادی که دارد فوق العاده

حاصلخیز است. طوائف چادر نشین با گله داری امرار معاش نموده و اهالی لادیز منتها قریب ۲۰۰۰۰ گوسفند دارند.

در مکران آب بیش از جنوب خراسان وجود دارد همچنین علوفه در تپه های مرتفع و در همسایگی نقاطی که آب است برای احشام وجود دارد و در بعضی دهات كوچك هم آب پیدا میشود.

برای هر قسمت سوار نظام بیش از يك بها در آن حمل علیق و آذوقه با خود از واجبات است مخصوصاً در حدود جنوبی مکران.

مکران جنوبی - در فصل گرما تر دزد در مکران جنوبی مخصوصاً در جاده های کرا، بواسطه کمی آب و آذوقه و علوفه خیلی سخت و برای بیش از ۵۰۰ نفر غیر ممکن خواهد بود. در فصول خوب و مساعد بعد از بارندگی ممکن است از طوائف محلی گوشت روغن و آذوقه برای يك اردوی ۱۵۰ نفر تهیه دید با استثناء حدود دشتیاری و باهوکلات که بواسطه کمی آب به زحمت برای صد نفر تهیه آب و آذوقه میشود.

در ارتفاعات و تپه های شمالی در فصل گرما آب را میتوان در چاله هایی که از آب باران جمع شده تحصیل نمود ولی در کرانه های جنوبی غیر ممکن است فقط در مسیل ها آب باران در گودال هایی یافت میشود یا از بر که ها (هشت بر که بین چاه بهار و گواتر موجود است) در حدود يك شهر آب بقدر کفایت موجود و زراعت آنجا قابل نگاهداری، يك اردوی ۱۵۰۰ نفر در تمام مدت سال میباشد - حاصل قصر قند کفاف اردوی هزار نفری را در تمام مدت سال میدهد - در چاه بهار هیچ چیز وجود ندارد معاش اهالی از داخله تأمین میشود - فقط قریب ۵۰۰ گوسفند متعلق به اهالی دیده میشود و خوراك معمولی اهالی ماهی است علوفه برای چرای شتر وجود دارد - ولی علیق و گاه نیست - رویهم رفته همه چیز نایاب و از داخله بایستی حمل شود - در نزدیکی جاسك محصولی که وجود دارد قدری زراعت جو است بقیه احتیاجات اهالی از میناب تأمین و حمل میشود - سایر لوازمات غیر

مقدور است - ماهی بقدر احتیاج صید میشود - علوفه برای شتر پیدا میشود ولی برای سایر دواب غیر مقدور است. بوته برای احتیاج اهالی از جاسک گهنه ۱۲ میلی حمل میشود - هیزم برای احتیاجات بایستی از کرانه خاور خیلی دور (چنانچه از چاه بهار هم) حمل میشود .

بمپور - در فهرج و بمپور گندم جو و زرت بقدر وفور کاشته میشود و ۲۵۰۰ نفر میتوانند آذوقه خود را بقدر مدت یکماه تأمین نمایند علوفه برای شتر بقدر کافی وجود دارد . دزک - آذوقه و غلیق برای يك اردوی چند صد نفر تهیه میشود و معمولاً محصول و زراعت دره دزک سیب و زابلی خوب و بیش از احتیاج اهالی است .

مرز - با اینکه ممکن است زراعت خوبی بعمل آورد معذالك اهالی عموماً غله و مایحتاج خود را از خارج حمل و غیر از گوشت هیچ چیز یافت نمیشود چه علوفه و سوخت هم محدود است .

غلات و احشامی که زائد بر احتیاج اهالی در مکران ممکن است تهیه شود

مناطق تابعه	شتر	الاغ	گوسفند	گندم	جو	کاه	زرت	وروغن
مکران	۳۰۰	کم	کم	۲۰ خروار	—	—	۲۸ خروار	۴۰ خ
بمپور	۵۰۰	کم	—	۲۰۰ خروار	—	—	—	—
دزک یا سراوان	—	۳۰۰	۲۰۰۰ رأس	۲۰۰ خروار	۱۰۰ خ	—	۴۰۰ خروار	—
مرز	—	—	۱۰۰۰۰	—	—	۵۰۰ خ	—	۱۳ خ

۲ - بازرگانی مکران

اهالی مکران بازرگانی عمده ندارند و بازرگانی آنها مختصر است بمقداری خرما و روغن و بشم که يك قسمت آن از جالق و کوهك و گله گان خارج شده و در مقابل آن از سرحد پنج گور و پیشین اجناس ممنوع ورود و لوازم احتیاجی اهالی را بطور قاچاق

وارد مینمایند قسمت دیگر از راه سرباز و بم پشت وزابلی بگوادر بلوچستان انگلیس حمل نموده و در مقابل آن ماهی وارد میکنند .

يك قسمت دیگر از راه بنادر جنوب و پیشین بمسقط حمل شده و در مقابل آن نیز اجناس ممنوع الورد وارد میشود بطور کلی باید دانست آنچه را که مال التجاره بشرح فوق از مکران خارج میگردد در مقابل آن، اجناس مایحتاج اهالی بطور قاجاق وارد میشود .

۳ - صنعت

اهالی مکران صنعت مهمی ندارند که قابل استفاده باشد فقط در بعضی از بلوکات آن مانند چامت . نکوچ و شکیم . ایرانشهر و سراوان مقداری ابریشم بعمل آورده و گل دوزی با دست مینمایند از قبیل کلاه عرقچین سرمه دان کیسه پول ، جلد دعا بازو بند ، پیش سینه و سردست لباس مردانه و زنانه با دست خیلی قشنگ و زیر دوزی مینمایند آهنگری و درودگری در مکران معمول است .

استفاده درودگری آنها از چوبهای جنگلی است بعضی از آنها زرگری و میناکاری را خوب میدانند کرباس بافی و گلیم بافی در این منطقه نیز معمول است .

۴ - حیوانات

حیوانات اهلی مکران عبارت است از گاو و بز و گوسفند شتر الاغ . در مکران گاوهای عظیم الجثه خیلی قوی یافت میشود که اغلب آنها میتوانند ۹۰ من تبریز بار حمل نمایند و نیز جمازهای خوب یافت میشود که در ساعتی ۱۲ تا ۱۸ کیلومتر راه پیمائی مینمایند و نیز ممکن است ۲۴ تا ۴۸ ساعت متواتر راه بروند و بدون اینکه خسته شوند .

حیوانات وحشی عبارتند از کفتار . پلنگ . خرس . شغال . روباه . گراز . پلنگ و خرس و کفتار بیشتر در اطراف کوهستان بزمان آهو موجود است شغال و روباه و گراز بیش از همه جا در جنگل بمپور و ایرانشهر موجود است همه قسم طیور در مکران موجودند مانند مرغ و خروس کبک آهو بره یا قرقره طیهو - دراج .

در مکران مار های قوی عقرب رتیل سوسمار های قوی که اغلب بزرگ شده و کوسفندان را میدوشند (این سلسله سوسمار موسومند به بز دوش) در مکران گرگ های قوی بسیار موجود آهو و بز کوهی زیاد یافت میشود .

راجع به جماز ها

برای پیمودن و طی صحرا های مکران که سراسر آن بواسطه نبودن آب و گرمای زیاد طاقت فرسا است اسب و قاطر و الاغ قابل استفاده نبوده یگانه وسیله مطمئن و سریع و یدانه وسیله قابل استفاده برای اهالی شترهای جماز است که هم از لحاظ حمل و نقل و هم از لحاظ مسافرت بهترین کمک و موافق ترین رفیق محسوب میگردد جماز های عادی در هر ساعت ۲۵ تا ۳۰ کیلو متر میتوانند راه پیمائی نمایند ولی راه پیمائی جماز ها عموماً در شب است چه در روز بواسطه گرما و بمناسبت وجود شن زارها قادر بحرکت نیستند جماز های خوب در ساعت قادر به طی ۳۶ و حتی ۴۰ کیلو متر هم میباشند اکثر اهالی دیده میشود که ۲ روزه از زاهدان به بم بواسطه جماز رفت و آمد مینمایند که در حدود ۴۰۰ کیلو متر است .

طبق اظهار اهالی اکثر دیده شده که جماز چهل روز متوالی راه پیمائی نموده است بواسطه همین قدرت و مقاومت در مقابل بی آبی و علوفه قلیل جماز بهترین رفیق و شریک زندگانی بلوچ ها بوده بلوچ ها نگاهداری جماز را از اهم کار های خود

شمرده بهیچوجه حاضر به ترك آن نیستند قیمت جواز عادی در سال ۱۳۱۹ در حدود ۵۰۰ ریال در اطراف بم بوده بهترین جواز ها از رود بار تهیه میشود
به اندازه ننی جواز در زندگانی بلوچ ها مداخله دارد که بجای شیربها و مهریه
در موقع تأهل هر کس مطابق قدرت خود تعدادی جواز میدهد

۵ - جنگل ها

جنگل عمده بلوچستان عبارتست از جنگل بمپور و ایرانشهر مکران قصر قند نیک
شهر خاش سیاه بنه کوه تفتان شور اب نباتات قسمت عمده این جنگل ها عبارت است
از کنار، کهور بند (پیش) که عبارتست از يك نباتی شبیه بدرخت خرما که از برگهای
آن حصیر و کفش بلوچی و زنبیل می بافند بادام کدو می در اطراف کوه تفتان
زیاد است .

۶- مراتع

در مکران مراتع زیاد و همه جا قابل استفاده می باشند عموم جلگه های این
منطقه اغلب در زمستان و تابستان بواسطه گرمی هوا سبز و دارای علف و مورد استفاده
چراگاه گوسفندان است .

منابع اقتصادی و کانه ها

منطقه مکران بواسطه وجود کوهستان ها زیادی دارای کانه ها و منابع زیر زمینی
است که چون کاملاً مدارك قطعی نسبت به این منابع تحصیل نشد، نمیتوان مطالبی

راجع به آنها درج کرد فقط در قسمت خاوری مکران آثار کانهای نفت دیده شده که
بنگاه امریکائی مدتی در مجاورت آبادی کله کان و جالق به پی جوئی اشتغال ورزید پس
از مدتی عملیات بنگاه منظور تعطیل گردید طبق بررسی های معموله در وجود نفت در
این منطقه بهیچوجه تردید نیست فقط راجع به مقدار و نوع آن شاید نکات قابل توجهی
وجود داشته باشد.

فصل پنجم

۱ - اخلاق و عادات طوایف بلوچ

- بلوچ ها کاملاً صحیح العمل و درستکارند اگر شیئی قیمتی و سندی در نزد آنها امانت گذارند ابداً بآن خیانت ننموده و در راه نگاهداری آن از جان و دل دریغ نمیکنند

- بلوچ ها از مرحله تمدن بسیار عقب و جاها ل بوده ولی در عین حال بسیار متکبرند

- شجاعت و رشادت طوایف بلوچ خیلی مشهور است بطوریکه فردوسی در کتاب خود ذکر و این طوایف را به قوچ تشبیه کرده که سرتاپا مسالاح بوده و هیچگاه پشت بچنگ نمی نمودند .

- بلوچ ها اکثر در مقابل اردو کشی ها مقاومت های سخت و شدید از خود بروز داده اند بطوریکه طبق مندرجات کتاب فردوسی ملاحظه میشود نوشیروان با جنگهای عدیده خود نتوانست آنها را مطیع اراده خود سازد .

- گرچه انوشیروان بواسطه تعرضات و تاخت و تازهای زیاد این طوایف را قتل عام نمود ولی مع هذا آنها دست از اعمال خود برنداشته و در رویه خود مسر بودند .

- بلوچ ها با زنان خود بطور تساوی رفتار نموده و بطور عادلانه با آنها سلوک مینمایند

- بلوچ ها گاه گاهی فوق العاده خون خوار و بی عاطفه بوده اند بطوریکه تا برده فروشی رواج داشت اسرای خود را بفروش میرساندند پس از منسوخ شدن برده فروشی اسرای خود را ناقص مینمودند که فرار نمایند .

۲ - صورت طوایف عمده بلوچ

اسم طوایف	تعداد خانوار	محل سکونت	توضیحات راجع به طوایف
کیچکی	۶۰۰	پنجگور کج	از اعقاب طایفه رچپوت
بلیدی	۴۰۰	بلیده	از مسقط آمده اند
ملك	۶۰۰	كلوه	از اعقاب صفاریانند
نوشیروانی	۱۰۰۰	خاران - پنجگور - كلوه - بلیده	این طایفه بوسیله شاه عباس از اصفهان کوچ داده شده
برنجو	۱۶۰۰	كلوه - كر - ارماره - بر	يك تیره از براهوئی
نهرویی	۱۰۰۰	وادی بمپور مرز	ایل مهم مکران ایران میباشند
هوت	۱۰۰۰	باهو - دشتیار - لاشار	تیره از رنده ها محسوب میشوند شبیه بااعراب
گاهی	۱۰۰۰	مند - پیشین - دشت	این طوایف مدعی میباشند که از حلب باین منطقه کوچ داده شده اند .
سه وزهی			
اسکائی	۱۲۰۰	دشتیاری	این طایفه خود را از بازماندگان شاهزادگان قنرهار میدانند
کوده			
جدکل	—	باهو دشتیاری	
شاهزاده	۸۰۰	باهو دشت	
لوطی	۱۲۰۰	باهو دشت	
درزاده	۱۰۰۰	پسنی وادی بمپور	
کورکج	۴۰۰	باهو - دشت - چاه بهار	
یری	۴۰۰	نقاط مختلف	

۳ - طوایف مکران ایران و نقاط سکونت آنها

برای آنکه بهتر به وضعیت طوایف مکران و تقسیمات کلی اخلاق و آداب سکنه این منطقه پی برده شود شرحی که راجع به وضعیت طوایف این منطقه قابل استفاده است درج مینمائیم.

سازمان طوائف مختلف مکران ایران

بیشتر اهالی و ساکنین مکران بلوچ هستند تمام طوائف مکران سابقاً بدست رؤسای طوائف اداره شده و هر طائفه با استقلال تحت نفوذ و اقتدار رئیس خود زندگانی مینموده اند - رؤسای طوائف بنام سردار یا میر نامیده میشده اند.

بیشتر اهالی تحت عنوان غلام یا کنیز خدمت سردار طایفه را مینموده اند - قریب هزار خانوار در حدود سیستان و قائن متفرق - و سه هزار خانه نیز در حدود خراسان زندگانی مینمایند - روابط آنها با برادران بلوچی دایر است - غالب آنها از نژاد عرب بوده عادات و رفتار آنها کمی بهتر از حالت وحشیهای سده های سابق است - عموماً، دروغگو و مغرور بوده منظور سیاسی آنها دو چیز بیش نیست اولاً بقاء استیلای کامل طائفگی خود بهر قیمتی که هست ثانیاً چپاول و غارتگری در ماوراء قطعه خود، دهات آنها عبارت است از چندین خانه های گلی و حصیری که در اطراف قلعه قرار داده اند که آن قلعه محل سکونی رئیس طایفه است زندگانی آنها در دهات برای محصول خرما و جزئی زراعتی است که دارند - زبانهای بلوچی مخصوص است مخلوط به لغات ناری - قوای فیزیکی و تناسب اندام آنها خیلی خوب میباشد.

مکران

غالب از طوایف بلوچ و نژاد عرب دارای ۱۴۰۰۰۰ نفوس است - طوائف عمده آنها به قرار زیر است :

الف - بلوچ از لاشار تا چاه بهار و کرانه که قوی ترین طوایف هستند اغلب آنها چادر نشین و جنگجو ترین طایفه مکرانی محسوب میشوند .

ب - شیرخان زائی تا روئی اصلا از رود بارو در اوائل سده اخیر بطرف بمپور هجوم آور گشته و پس از استیلای دولت ایران از بمپور خارج گشتند - بعد از استیلای دولت ایران در فانوج و نیک شهر مستقر گشتند در زمان سعید خان دست آنها به تمام مکران دراز گشت غیر از سرباز که جزء حکومت بمپور بود - بعد از مرگ اسلامخان وراث او حسین خان خواست آن قدرتی را که او داشت در مکران حفظ نماید باین واسطه رفته رفته نفوذ آنها کم و امر و حدود طائفه شیرخان زائی تا روئی منحصر به نیک شهر و بنت شد .

ج - طائفه بلدی قدیمی خانواده مکران که خیلی از اراضی خود را از دست داده و ضعیف شده بودند به این واسطه با سایر طوایف وصلت نموده خصوصاً با شیرخان زائیا نیک شهر مادر سعیدخان هم بلدی بوده - روسای طوائف بادیها فعلا در راسک قصر قند و فانوج سکنی دارند .

بمپور

از زمان فوت بهرامخان یار انزائی (۱۲۹۹) تمام بمپور همچنین دزک و سرباز از توابع مکران در تحت نفوذ خانواده یار انزائی که اصلا از دزک آمده بودند قرار گرفته بود - اهالی بمپور غالباً بلوچ و از تیره های مختلف و تعیین تعداد نفوس آنها مشکل است اهالی شهر بمپور از نژاد مختلفه هستند که خون آنها مخلوط با خون سیاه و خیلی پست تر از سایر طوائف بلوچ میباشند خیلی وحشی و خشن زبان آنها بلوچ مکرانی است . طوائف عمده بمپور بقرار زیر است :

الف - یار انزائی اصلا افغانی ابتدا در حدود جالق و دره دزک سکنی داشتند

بعد رفته رفته طائفه بزرگزاده ها را از بین برده و بحدود بمپور استیلا پیدا نمودند .
ب - طائفه لاشار که کم معروف هستند در جنوب جلگه بمپور بین پیپ و کوه اهوران سکنی دارند - خیلی شبیه به طائفه بلوچ و متمدنتر و راستگو تر و خوش سیما تر هستند - اگرچه چادر نشین هستند ولی در فصل خرما در دهات زندگانی میکنند .
دزک - دزک که در تحت نفوذ بزرگزاده ها بوده امروز تحت تسلط و اقتدار یارانزائی قرار گرفته است ؛ طوائف آنها مثل سایر طوائف مکران باوچ و بعد از تسلط یارانزائی ها که اغلب در جالق دزک و ایر افشان سکنی دارند بقرار زیر است :
الف - بزرگزاده که اصلاً کرد بوده و از بخارا آمده اند - مدت چندین سال آنها با اسم حکیم جالق و دزک و سیب حکومت کرده و اولین طائفه قدیم آن قلعه بودند که پس از استیلای یارانزائیها نفوذ آنها کم شده و امروز فقط در حدود سیب و جالق سکنی دارند .

ب - طائفه کرد که سابقاً در مرز زندگانی میکردند عده کمی از آنها امروز در قلعه زابی اقامت داشته و بعداً از آنجا هم رانده شدند ولی هر دو قسمت این طائفه چه در مرز و چه در قلعه زابی دشمن یارانزائیها بوده و برای قیام بر علیه آنها با کمک غیر همیشه حاضر بوده اند .

طائفه نو شیروانی يك قسمت کوچکی از (ریندس) اصلاً متعلق به بلوچستان انگلیس از مرز خارج شده و در کوهك زندگانی می کنند .
مرز - طوائف عمده مرز بقرار زیر است :

الف - طائفه ریگی که محل سکونت آنها مرتفع ترین نشیبه های کوه تفتان تا هلمند است - این طائفه سه قسمت تقسیم شده است که عمده آنها تاترزائی در مرز می باشند این قسمت به تعداد ۵۶۰۰ خانوار طائفه ریگی از کار کردن و زراعت نفرت داشته و عموماً گله دار هستند و بهتر ترجیح میدهند که غله خود را از سیستان خریده حمل نمایند - محل رئیس طائفه در لادیز است و حدود ریگی از باختر خط زاهدان

و شوراب و جنوب خط شوراب به کوه تفتان و ریگ ملک در شمال خاوری خط مرزی بلوچستان انگلیس است - طائفه ریگی مردمان خوب و فهمیدنی میباشند .

ب - طائفه اسماعیل زائی در طرف باختر ریگی سکنی داشته .

محل آنها ذو عارضه بوده و واقع در جنوب خط دهنه باغی - کوه ملک سیاه تا جنوب کوه مرغک ادامه دارد این طائفه چادر نشین و زراعت چندانی ندارند - محل سکنی معینی نداشته و تمایل آنها بیشتر به چپاول و غارتگری است و مغرورتر و وحشی تر از طائفه ریگی بوده با مقایسه به طائفه همسایه خود در آداب مذهبی متعصب تراند - خیلی سخت و نا راضی میباشند اگر غیر در اراضی آنها داخل بشود تعداد خانوار آنها ۴۰۰ خانه است که تشکیل یافته از طوائف کوچک - فقیر زائی ۵۰ خانوار - هادی زائی ۲۰ خانوار - دارو زائی ۵۰ خانوار - اله بخش زائی ۱۰ خانوار - بلور زائی ۱۰ خانوار رادو زائی ۳۰ - جمشید زائی ۱۵ - و کرم زائی اسماعیل زائی ۶۰ خانوار و به تعداد آنها بایستی طوائفی که اسماعیل زائی حقیقی نیستند افزود که در میان آنها زندگانی مینمایند توتو زائی ۲۰ خانوار گرگیچ ۲۰ - شاهو زائی ۲۰ - حسن زائی ۳۰ - محمد زائی ۱۲ و کرم زائی ۵۰ خانوار - طائفه اسماعیل زائی با هیچ يك از طوائف روابط خصوصی ندارند با طایفه سردار خداداد خان تاروتی سیستانی دارای دشمن قدیمی میباشند .

ج - دامنی - طائفه دامنی به دو طائفه تقسیم شده اند اول یار محمد زائی و دوم گمشاد زائی محل طائفه یار محمد زائی در حدود خاش و بمپور و محل گمشاد زائی ها در سمت خاور و جنوب گشت و جالق می باشد - اراضی سفید کوه و دره ناگدار را جهت علوفه احشام خود اشغال نموده اند .

یار محمد زائی عموماً چادر نشین و بواسطه زندگانی سخت و کوهستانی که دارند طبیعتاً وحشی سفاک و دزد هستند مذهب صحیحی ندارند و غالباً قسم میخورند و بر خلاف قسم رفتار مینمایند - آنها نسبت به زنهای خود بی قید و موضوع طلاق بین آنها رواج زیادی دارد - قوی البنیة و خوش اندام هستند - تعداد خانوار آنها قریب ۳۵۰

خانه است طبق تقسیمات زیر : سهراب زائی - شیر زائی - روشن زائی - میرگل زائی -
و محمد گل زائی - و باضافه طوائف کوچکی که اهمیتی نداشته و جزء یار محمد زائی محسوب
نیستند و فقط خود را بدانها نزدیک نموده و در میان آنها زندگانی مینمایند - محمد زائی -
رحم ارزائی - جمشید زائی - و برهان زائی - طایفه یار محمد زائی همیشه با یاران زائی
های بمپور دشمن بوده یکی از اختصاصات این طایفه این است که زنهارا جهت
بازرسی معلوم می کنند .

طائفه گمشاد زائی به تعداد ۳۰۰ الی ۳۵۰ خانوار بقرار زیر هستند :
دادخدا زائی ۷۰ خانوار - مراد زائی ۵۰ - مزارز سیب ۶۰ محمد زائی در گشت
۴۰ کرم زائی در گشت ۲۰ عرضه زائی گشت ۴۰ - و جهانگیر زائی ۳۰ - گیزاد زائی
تقریباً ۳۰ خانوار که در جالق سکنی دارند در تحت تسلط گمشاد زائی - این طایفه خیلی
گرم و خوب - این طایفه به یار محمد زائی از حیث اخلاق و رفتار و قدرت برتری و رجحان
دارند و روابط شان با این طایفه چندان خوب نیست این طایفه مثل یار محمد زائی ها با
یاران زائی های بمپور خوب نیستند :

د - کرد - طایفه کرد به تعداد کمی از موقعی که رؤسای عمده آنها را حکومت
بمپور در سنه ۱۸۸۹ بقتل رسانید متفرق شده اند در حدود خلر و قائن و امروز بکلی
در تحت نفوذ دامنی ها هستند .

ه - میر بلوزائی - طائفه زارع و ملاکی هستند که اصلاً کرد میباشند در نقاط
اراضی زراعتی مرز این طایفه در هر نقطه از مرز که زندگانی مینمایند در تحت رئیس
مقتدر آن محل چه از طایفه ریگی و چه از طائفه دامنی زندگانی می کنند عموماً صلح
طلب و زارع میباشند .

و - هاشم زائی - طایفه زارع و گله دار هستند اصولاً از بلوچ های سیستان و
در بین طائفه ریگی زندگانی می نمایند تعداد خانوار آنها ۴۵ خانه است .

ز - تامیدانی - اصلاً از نژاد پارسى در مرتفع ترین نشیب های کوه تفتان

زندگانی می کنند - مردمانی زحمت کش و قوی البینه کوهستانی هستند - تعداد آنها ۶۰ خانوار و چندان موقعیت سیاسی را حائز نیستند .

ح - براهوئی - به تعداد تقریب ۳۰ خانوار در حدود و جن زندگانی نموده و جزء متعلقات رؤسای وقت طایفه ریگی هستند مردمان قوی البینه بر جسته هستند که همیشه تولید انقلاب و نزاع بین طوایف مینمایند .

ط - خاش - به تعداد ۱۳۰ خانوار اصلاً از راهواری ها که خود را از جنوب سیب و بمپور میدانند این طایفه براهوئی ها خودشان را ارباب مینامند - آنها با بلوچ ازدواج نمینمایند - مگر يك دفعه که یار محمد زائی ها جبراً از آنها چندین زن گرفته اند قد کوتاه و مردمان زارع و چیز فهم تر هستند - در حدود دزک بمپور و مرز این فامیل متفرق میباشند (اربابی و دهواری) و اصلاً مردم این خاک - این طائفه بهترین زارع و زحمت کشان حدود بوده ولی بلوچ ها آنها را متفرق و بچشم پستی و حقارت نگاه می کنند - خیلی قوی خوش بنیه و پر جرف - عموماً خانه نشین بوده و چادر نشین نیستند .

فصل ششم

شرح نقاط مهم و مناطق غیر مشهور مکران

با آنکه وضعیت نقاط مکران بطور کلی تشریح شده و راجع به هر يك توضیحاتی داده شده است معیناً برای آنکه اطلاعات جامعتری داده شود وضعیت نقاط مختلف مکران را تشریح و بخصوص راجع به نقاطیکه کاملاً غیر معروف و اطلاعات جامعی راجع به آنها منتشر شده شرحی درج مینمائیم از قبیل منطقه با هوکلات - منطقه سرباز و غیره .

۱ - مکران ایران و نقاط مهم آن

مکران ایران عبارت است از یکخاک وسیع کم جمعیتی واقع در جنوب خاوری ایران و همسایگی خاک بلوچستان انگلیس - طول آن از بندر گواتر در جنوب تا کوه ملك سیاه به شمال ۵۵۰ میل و عرضش از کوهك در خاور تا نزدیک (کلانترانو) به باختر تقریباً ۴۲۵ میل است حدود جنوبی آن در کرانه ها دریای عمان از نقطه کوه مبارك تا يك نقطه در خلیج گوانر است (خاوری ۶۱ درجه ۱۹ دقیقه خاوری) و حدود خاوری آن بطرف شمال از يك سلسله تپه هائی عبور کرده به کوهك و بعد منحرف گشته بطرف باختر از سلسله ارتفاعات سیاهان عبور از بین جالق و (لاد گشت) - عبور نموده به رود خانه طالاب متصل واز آنجا رود طالاب حدود مرزی است الی میرجاوه واز آنجا منشعب گشته قله کوههای کاچا کوه حدود مرزی است الی کوه ملك سیاه حدود باختری آن از همان نقطه کوه مبارك مستقیماً کشیده شده از خاور کوه شیرمان ووسط

چیل نادری عبور نموده از بین را مشك در خاور اسپاند در باختر و بشاگرد و بیابان گذشنه بخلیج فارس منتهی میشود .

تقسیمات بخش

این منطقه به چهار بخش تقسیم و حدود هر يك بطور تقریب تعیین گردیده است .

الف) مكران جنوبی که اراضی كم ارتفاع جنوبی محسوب شده از کرانه دریا الی آخرین ارتفاعات کوههای لاشار

ب) بمپور - شمال کوههای لاشار باحدود کرمان در باختر

ج) دزك یاسراوان در خاور بمپور و مماس با خاك بلوچستان انگلیس

د) مرز . بطرف شمال دزك با بلوچستان انگلیس در طرف خاور آن .

۱ - قسمت جنوبی مكران - از کرانه دریا بطرف شمال تا ارتفاعات تپه های شمالی

به يك مسافت ۶۰ میل از شمال به جنوب باستثناء حدود آن که تپه های بشاگرد بمپور نزدیک شده کرانه جاسك را بطرف شمال بطول ۲۰ میل جدا میسازد باختر این مساحت ۲۰ میل از کرانه باختری دریا يك ریگستان نرمی است که دارای چندین رودخانه و غالباً از شن مسدود میگردد - ماوراء این دشت يك سلسله تپه هایی که ارتفاع آنها متفاوت است از ۱۰۰۰ الی ۲۵۰۰ پا امتداد این تپه ها در بعضی نقاط متفاوت و مثلاً در نيك شهر خیلی نزدیک به کرانه شده و کوهستانهای تشکیل رودخانه داده و کوههای آن غالباً خاکی به رنگ های مختلف و غالب قله ها از سنگ های سست یاسنك ریزه است .

در ماوراء مكران جنوبی ارتفاعات کوههای لاشار و کوه بمپشت است که آب

ریز آنها از طرف جنوب در مكران جریان یافته و باتشکیل رود خانهای موسوم به نهنگ سرباز کاجو رود نيك شهر و رانش داخل دریا میگردند .

غالب از رودخانهها بغیر از مواقع بارندگی در ابتداء جریان روی خاك جاری

هستند سپس از زیر جریان خود را ادامه داده تابدریا و بهمین جهت كمتر تبخیر و تفریط

میگردد - خاك خیلی خوب و آب خیلی صاف و کافی است بهمین جهت چمن زار و علوفه

های خوب موجود میباشد .

قراء ودهات عمده مکران جنوبی بشرح زیر هستند :

۲ - بمپور - محدود است از شمال به نرماشیر و از باختر به رود بار و جنوباً به بشاگرد و مکران و از خاور به پشتکوه و قلعه زابلی از توابع

دزك - از طرف شمال خط الرأس جبال باریز و از طرف جنوب تپه های بشاگرد و کوه لاشار که اب ریز آنها جنوباً در مکران به طرف دریا جاری است بین این حدود جلگه وسیع بمپور قرار گرفته با ارتفاع ۱۹۰۰ پايك قسمت این جلگه ریگستان نرم و تپه ماهور از شن نرم است

در طرف باختر بمپور وسط جلگه دریاچه (موریان هامون) ملاحظه میشود که آبهای هلیل رود از باختر و رودخانه بمپور از خاور بعلاوه جوی های کوچکی که از کوه های شمالی و جنوبی جاری هستند در آن داخل میگردد - در کرانه رودخانه بمپور يك قسمت بیشه با جنگلهای کم درخت وجود دارد که از سایر اراضی متمایز است.

۳- دزك یا سراوان واقع بین بمپور و خط مرز انگلیس بلوچستان و مرز در شمال و مکران در جنوب سراوان يك منطقه مرتفع کوهستانی است که مرتفع ترین نقطه آن کوه های بمپشت در جنوب خاوری آن واقع است از مرکز سراوان رودخانه ما شکل از باختر و خاور عبور میکنند - قسمت اعظم این نقطه حاصلخیز تر از تمام نقاط بلوچستان ایران است

۴ - مرز

محدود است شمالاً به سیستان و مرز جنوبی افغانستان که کشیده شده از يك خطی از دهنه باغی تا کوه ملك سیاه حدود باختری آن به ناحیه کرمان از يك خطی از شمال به جنوب عبور میکنند از نصرت آباد سیبی به گرگ و شوراب - از شوراب منحرف به خاور شده خطوط شمالی بمپور و منتهی به شمال جالق و خط مرز بلوچستان انگلیس میگردد.

مرز عبارت است از يك خاك وسيع كوهستانی بارتفاع ۴۰۰۰ الی ۵۰۰۰ پا.
از سطح دریا و بمرور بطرف جنوبی اراضی آن پست ترو كم ارتفاع تر است آب های
زیر زمین فوق العاده زیاد است و در صورت اقدام خیلی قابل ترقی و حاصلخیز است.
بزرگترین منظره ایكه وجود دارد كوه تفتان است در مركز مرز و بدون این كوه
میتوان گفت خاك مرز عبارت از يك مشت خاك و بیابان لوتی میباشد - آب های كوه تفتان
شمالاً به رود میر جاوه ملحق شده و در عمق دره لادیز جریان پیدا نموده برای زراعت
حاضر است - اراضی لادیز بارتفاع ۳۵۰۰ الی ۴۰۰۰ پا با هوای معتدلی برای هر گونه
زراعت قابل و مستعد است ولی سكینه آن متفرق هستند - و آبهای جنوبی كوه تفتان
بطرف دره خاش در ۳۰ مایلی جنوب كوه تفتان جاری میگردد - سابقاً این دره خیلی آباد
بوده است ولی تاخت و تازهای دامنی ها بكلی خراب و ویرانه نموده است .
سكینه مرز بطور كلی چادر نشین و صحرا گرد هستند كه باقتضای فصول برای علوفه
رمة واحشام خود نقل و مكان مینمایند كلیه غله آنها از سیستان تا نرماشیر حمل میشود .

شهر ها و قصبات مهم مكران بشرح زیر است:

۱ - شهر خاش

- خاش تا زمان اقتدار نادر شاه افشار آبادی نداشته و در نتیجه وجود
قنوت زیاد در این جملگه و خوبی آب و هوا محل كوچ نشین بلوچ بوده و تا آن موقع
چون حكومت مر كزی قادر بسر كویی اشرار داخلی نبود در اثر تاخت و تاز اشرار
دانی (كه طوایف رئیسی و یار احمد زائی فعلی از آن طائفه میباشد) این محل بكلی
خراب و طوایف بنقاط دیگر كوچ نموده فقط بعضی از آنها در این محل باقی و با وضعیت

چادر نشینی سابق خود امرار معاش مینمودند تا این که زمان نادرشاه پس از سر کوبی متمردين و اشرار دانسی میر بائی خان کرد را از طوایف خود جهت وصول مالیات و سر پرستی طوایف باین محل فرستاده (که طایفه حین بر فعلی که قسمتی از آنها در جالق شکونت دارند از نسل میر بائی خان باقی مانده است) میر بائی خان بمنظور حفظ و راحتی خود قلعه فعلی که در وسط شهر قرار گرفته ساخته و از آن تاریخ بنام خاش نامیده شده و طوایف در اطراف آن در جلگه خاش باحال چادر نشینی خود زندگانی مینمودند .

این وضعیت تا سنه ۱۸۷۹ مسیحی که انگلیسها باین منطقه آمده اند باقی و سردار ایدو خان رئیس طایفه ریگی که تحت نفوذ آنها بود برای اداره نمودن طوایف نامبرده بخاش فرستادند سردار مزبور سه قلعه دیگر حیدر آباد - کمال آباد - ناصری را نزدیک سه رشته قنات موجوده در نقاط نامبرده دایر نموده این اوضاع تا ظهور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و تشکیل تیپ سابق زابل ادامه داشت .

از نقطه نظر جغرافیائی

جلگه خاش چون از سطح دریا در حدود ۱۱۳۳ متر مرتفع میباشد و از طرفی ارتفاعات ایرآوه (که معروف بکوه پنج انگشت است) و کوه دهنه در باختر و خاور شهر واقع شده نسبت بسایر نقاط مکران دارای آب و هوای خوب و با موقعیت جغرافیائی مهمی که دارد مستعد عمران و آبادی کامل بوده و با توجه اولیای امور انتظار میرود در آتیة نزدیکی آباد و از شهرهای دیگر مکران از هر حیث بهتر شود .

جمعیت این شهر با وضعیت طبیعی و استعداد زراعتی خوبی که دارد فعلا قابل توجه نبوده در حدود ۲۰۰۰ نفر میباشد از لحاظ اقتصادی منابع محلی آن ناچیز محصول آن گندم - جو - پنبه از گندم و جو مازاد نداشته بعلاوه برای تأمین نان اهالی دارای کسری است که از زابل تهیه میشود

در خاش رودخانه وجود ندارد لیکن آب آن از قنوات تامین و طوری مستعد مییابد که اگر بخواهند چندین رشته قنات دیگر دایر نمایند ممکن است زیرا در قدیم دارای تعداد زیادی قنات بوده و اغلب با سنك و آهك ساخته شده بودند که بعضی از آثار آنها موجود است و فعلا دارای ۱۰ رشته قنات مییابد

از نقطه نظر نظامی شهر خاش علاوه بر مرکزیت خود نسبت بمنطقه مکران يك کره مواصلاتی مهم مییابد روی محور های شوسه زاهدان - خاش - میرجاوه - خاش - ایرانشهر - خاش - سراوان - خاش - نرماشیر - خاش و راههای فرعی دز - کوه سفید - تلخ آب - ناس کیل - خازان و سیب و سوزان - قلعه زابلی - سرباز که هر سه این راهها تا مرز کشور شاهنشاهی امتداد داشته پس از عبور از مرز داخل خاك بلوچستان انگلیس میشوند و باین شهر منتهی میگردد و با توجه کامل بخطوط مواصلاتی کشور خاوری در منطقه میرجاوه که اهمیت بویژه کوه تفتان از لحاظ مسدود نمودن محوری که از میرجاوه کرمان را تهدید مینماید اهمیت نظامی کامل داشته و بهمین مناسبت هم شهر نامبرده را مرکز پادگان مهم مکران نموده اند.

۳ - بمپور

در قدیم موسوم به بن بوده و بمرو زمان به بمپور موسوم گردیده ناحیه حوضه بمپور از حاصلخیز ترین نقاط مکران است اگر اصول آبیاری آن مرتب شود قادر به نگاهداری ده برابر جمعیت کنونی مییابد ولی موضوع جنگ های داخلی و اغتشاشات پی در پی لطمه بزرگی به این ناحیه وارد ساخته طوایف این ناحیه به اسامی زیر معرفی میشوند.

- بهروی - هوت - زین الدین - باری - سابی - عبدالهلی - دغلی

واقع در ارتفاع ۴۷۰ متر از سطح دریا دارای يك قلعه بزرگی که فعلا مخروبه است
تأین شهر از لحاظ اقتصادی و نظامی قابل توجه است.

۲ - ایران شهر یا (فهرج) - که بلوچ ها بهره نامند در ۹ کیلومتری رودخانه بمپور



از بالای قلمه بمپور منظره جلگه و جنگل های خاوری آن
واقع و آب نهري که از وسط شهر میگذرد دارای مواد گوگردی است - هوای این
شهر معتدل ترو سالم تر از بمپور است.
در ایران شهر طوایف زیر مسکون میباشند :

برهان زهی - کلکی - بیجازهی - عدوزهی - محمودزهی - دیکئی زهی - رئیس -
بامری - صاحبکی - مهرولی تعداد سکنه این شهر در حدود ۳ هزار نفر است
در این شهر آثاری از یونانیان و اردو کشی اسکندر باقی است .
۴ - نیک شهر

مهمترین شهرهای مکران دارای نخلستانهای زیبا و دلفریب واقع در بین دو نهر
(کنک - کیشی) است در اطراف نیک شهر مزارع برنج کاری زیاد ملاحظه میشود -
در اواخر اکتبر حرارت به صد درجه میرسد
از نیک شهر بطرف فانوج بایستی از رودخانه های کنک و سرچه بطرف قریه خشک
عبور نمود این رودخانه ها بعرض ۲۰۰ و بعمق یک الی دو متر است

اولین نقطه مصفا و آبادی است که پس از ترك کرانه عمان ملاحظه میشود ارتفاع آن از سطح دریا در حدود ۴۰۰ متر است

۵ - بنت

يك قریه بزرگی است با ارتفاع ۱/۴۰۰ پا واقع در نزدیکی رود فانوج قریب ۴۵ میل باختر نيك شهر - این ناحیه در تپه ماهور واقع گشته و دارای جویهای متعدد حاصلخیز است - قریه بنت احاطه شده از نخلستانهای خرما و دارای يك قلعه مربعی است که در روی تپه های مرتفعی میباشد در اطراف قلعه قریب ۷۰ خانه محکم وجود دارد نفوس آن غالباً بلوچ و غلام هستند و تعداد آن قریب ۲۰۰۰ نفر است - معاش آنها از خرما است و دارای شتر میباشد شتر های این قریه عظیم الجثه و کم طاقت هستند - در آداب مذهبی خیلی متعصب میباشد مثلاً در ظاهر اهل تسنن با آداب اهل تسنن رفتار میکنند ولی در باطن صوفی محسوب میشوند .

۶ - قصر قند

با ارتفاع ۱/۷۷۰ پا يك قریه بزرگی است دارای يك قلعه و ۱۹۰۰ نفوس اغلب بلوچ - زراعت آنجا خوب و معاش اهالی از خرما است - آب و علوفه فراوان راههای متعددی به اطراف دائر است - حا کم نشین قصبه ایست موسوم بهمین اسم .

۷ - باهو کلات

حا کم نشین قصبه ای است بهمین اسم دارای ۱۰۰۰ نفوس بمسافت ۳۸ میل تا بندر گواتر .

۸ - داور پناه

که تمام آن حدود باین اسم نامیده میشود و محکم ترین قلاع سراوان است - سراوان واقع در دره ایست بطول ۵۰ میل در عرض ۱۰ میل و مشروب میشود از دشعبات

رود ما شکیل و دارای ارتفاع ۴۰۰ پا - این دره با دره سیب و زابلی يك معروفیت زیادی از حیث محصول و زراعت حاصل نموده است .

۹ - سیب

بارتفاع ۳۶۵۰ پا شهری است دارای ۱۵۰۰ خانوار و واقع در ساحل رود روهنتك یکی از منشعبات رودخانه ماشکیل که دارای آب دائمی است - محصول خرما و زراعت آنجا فوق العاده خوب و در هر موقع فراوان است عرض دره قریب ۸ میل است و دارای يك قلعه خاکی محکمی است که بوسیله ثلث سکنه آن حفظ میشود قلعه آن بارتفاع ۶۰ پا بنا شده و دارای يك چاه آب در خود قلعه است - این قلعه نیز معروفیتی از حیث استحکام و مواقع ارمی دارد که یکی از محکم ترین قلاع مکران است .

۱۰ - گشت

بارتفاع ۴۸۰۰ پا واقع در ۶۰ میلی جنوب مرز خاش - دارای يك قلعه خاکی خیلی محکمی که از نقطه نظر سوق الجیشی بر علیه طائفه دامنیها فوق العاده دارای اهمیت است زیرا بواسطه کوهستان شمالی گشت که دامنیها در آنجا اقامت دارند دهنه دره که در آن طائفه حفظ شده و بدست داشتن قلعه گشت راه عبور و مرور آن طائفه را مسدود مینماید .

۱۱ - بزمان - واقع است در دامنه کوه بزمان دارای قلعه خراب و يك نخلستان - قهوس این ده از ۱۵ نفر تجاوز نمی نماید .

سکنه این منطقه از طوایف کرم زهی - سامی میباشند .

بطنیکر سیاح معروف که از این منطقه عبور نموده چنین مینویسد :

(چاهی است در این محل که دهانه آن ۱۲ یارد و عمق دو سه پا است در وسط

چاه يك لوله استوانه شکل از آجر ساخته اند که ۸ اینچ قطر دارد از این چاه آب بشدت

هرچه تمام تر غلیان دارد کسی جرئت نمیکند دست خود را بان نزدیک کند چه گوگرد زیاد در آن است درجه حرارت آن ۹۸ و آب آن متعفن است)

۱۲ - طیس -

در ۱۱۸۸ میلادی از بنادر معروف ایران بوده است چه پس از نا امنی جاده هرمز قوافل به این طرف متوجه شده از خط سیر قافله های مذکور از عراق به کرمان و از آنجا به بمپور و قصر قند به طیس میامدند از طرفی طیس مرکز خرید و فروش شکر ایالت مکران بوده است .

۱۳ - ابتر

مرکز ایل حامی و زرد کوهی بهترین دهات مکران است

۱۴ - جالق

واحه های جالق در حدود ۴ میل مربع وسعت دارد و در این قسمت نخلستان های قابل توجهی قرار گرفته که ضمناً در آن اراضی گندم و جو و حبوبات نیز کشت میشود در باغات آن انجیر و انار و مو فراوان یافت میشود سکنه جالق اکثر از طوایف ترکی - اربابی - شیعه - عمری - سپاهی - رئیسی تشکیل شده .

۱۵ - قلعه زابلی

دارای آب و هوای معتدل و در ۴۰۰۰ پا ارتفاع واقع شده سکنه این قصبه در حدود ۲۰۰۰ خانوار و ایلات مهم آن

- ناخدا زهی

- چهار زهی

- عبدل زهی

- سر باز در جنوب این منطقه واقع شده

۱۶ - قریه پشتکوه

محل سکونت طوایف مزار زهی - غمشاد زهی - شاهداد زهی است
سکنه این منطقه اکثر سیاه پوست میباشد.

۱۷ - مرز

تنها چیزیکه نظر انسان را جلب مینماید رشته‌های مختلف جبال خشک و عور است
مرز ناحیه مرتفعی است که بین بلوچستان انگلیس و داخله کشور واقع شده‌ه‌وای
آن خنک و معتدل است

قنات زیاد در این منطقه دیده میشود

طوایف مهم این منطقه - یار احمد زهی ۸۰۰

- اسمعیل زهی ۴۰۰

قسمتهای باختری مرز تقریباً غیر مسکون میباشد در صورتیکه آب به قدر کفاف دارد.

۲ - منطقه سرباز

چون منطقه سرباز یکی از دهلیزهای مهم مکران را تشکیل میدهد لذا برای داشتن
اطلاعات کاملتری جغرافیای مخصوص این منطقه برای اطلاع درج میشود:

سرباز بمجموعه آبادیهائی اطلاق میشود که در امتداد رودخانه سرباز واقع شده
این ناحیه در ۳۶-۲۶ عرض شمالی و ۱۲-۶۱ طول خاوری واقع شده و ۱۵۰۰۰ کیلومتر
مربع زمینهای را که اغلب آن کوهستانی و لم یزرع و قسمت کوچکی زراعتی میباشد
در بر دارد.

دارای قلعه است که بوسیله خوانین محلی ساخته شده و فعلاً در دست نیروی
نظامی است.

این قلعه در دو راهی ایرانشهر و زابلی با مسافت ۱۱۴ کیلومتر تا قلعه ایرانشهر
و ۷۰ کیلومتر تا قلعه زابلی واقع شده.

۱ - جغرافیای طبیعی سر باز

آب و هوا : هوا گرم و سوزان است و در موقع بارندگی مرطوف و درجه حرارت بطور متوسط در تابستان :

روز ۴۷ درجه سانتیگراد

شب ۳۸ ° °

در زمستان

روز ۲۵ ° °

شب ۱۶ ° °

چون رود خانه سر باز دارای آب دائمی میباشد محل تولید پشه مالاریا بوده و در تمام مسیر رودخانه بیماری مالاریا شایع میباشد
زمین :

در حومه سر باز اراضی بطور کلی کوهستانی بوده این ارتفاعات بطوری پیچیده میباشد که میتوان این ناحیه را بکوه سنگی تشبیه نمود.

علاوه بر سختی اقلیم نبودن خطوط مواصلات اساسی راه پیمائی ما را محدود با استفاده از شتر و الاغ در اغلب نقاط براه پیمائی پیاده نموده است

کوهستانات سر باز بطور عموم از سنگهای شکسته تشکیل یافته و بالا رفتن از این ارتفاعات بعلت لغزندگی و خرد شدن سنگها فوق العاده مشکل و خسته کننده میباشد

یگانه راه اتومبیل رو سر باز جاده نوساز ایرانشهر بسرباز است که پس از عبور از نقاط کوهستانی قلعه ایرانشهر را بقلعه سر باز وصل مینماید طول این جاده ۱۱۴ کیلومتر و دارای عرض ۴ متر میباشد .

در تمام نقاط آب به مقدار کم موجود بوده و در بین راه ایرانشهر بسرباز نقاطی که از نظر استراحت عابرین و استقرا ر عده های نظامی مورد استفاده میباشد عبارتند از :

- آب سواران : دارای گردنه است آب کمی دارد و غابرین موقتاً استراحت و سپس طی طریق مینمایند .

- آب دزدان : نقطه مقابل آب سواران دارای آب کمی میباشد .

- کیهری و آب ابهرک : که دارای آب نهر کوچکی است .

کلیه این نقاط نقاطی هستند که آبادی نداشته و بعثت داشتن آب و احتیاج مورد استفاده از نقطه نظر استراحت گردیده اند .

کوههای سرباز : کوهستانات در ناحیه سرباز ییشمار و معروف ترین آن ها عبارتند از :

کوه کوشک جهان - کوه سیاه وند و دامنه کوههای آپدران - کوه وان - کوه جوان مردان - و کوه سیاهان (در بخش مرزی)

علاوه بر کوهستانهای نامبرده رشته ارتفاعات نسبتاً کم اهمیتی نیز موجود است که اسامی مخصوصی ندارند - رودخانه های سرباز:
۱ - رودخانه سرباز :

رودخانه سرباز از ارتفاعات شمالی سرباز سرچشمه گرفته این رودخانه وسط کوهستانها و در دره های عمیقی بطول ۲۱۰ کیلومتر جریان دارد دارای آب دائمی کم میباشد که بمصرف شرب اهالی و کشاورزی میرسد .

این رودخانه در مواقع عادی کاملاً قابل عبور و در موقع بارندگی پر آب و طغیان نموده و مانع عبور و مرور میگردد بستر این رودخانه شنی بطوری که آب در نقطه فرو رفته و در نقطه دیگری بشکل چشمه بیرون آمده و جریان می یابد .

مسیر این رودخانه دارای عرض متوسط ۷ متر میباشد .

دارای هیچگونه پلی نیست که در مواقع طغیان مورد استفاده قرار گیرد .

۲ - رودخانه دز :

که از کوههای این فشان و ارتفاعات خاوری سرباز سر چشمه گرفته و پس از عبور از دره نیک شهر در مسیر راه سرباز بزایی است در ۲ کیلو متری قلعه سرباز داخل بستر رودخانه سرباز میگردد.

بستر این رودخانه نیز شنی و دارای آب کمی است که بمصرف شرب اهالی و کشاورزی میرسد.

علاوه براین دورودخانه انشعاب زیادی از کوهستانات اطراف رودخانه سرباز میگردد که مهمترین آنها اسم رود (سورین) که از ارتفاعات پا کوه سر چشمه می گیرد و دیگری هم رودلاشار که از کوههای آمدران و کوه سگار سر چشمه میگردد.

۲ - جغرافیای سیاسی سرباز

بخش سرباز از نقطه نظر وقوع آبادی ها به ۸ بخش تقسیم میگردد.

الف - سرکور

بخش سرکور دارای دو آبادی کوچک و کم اهمیت است.

۱ - پنام آبادی کوچکی است که دارای ۱۵ خانوار و اولین آبادی بخش سرباز می باشد.

۲ - پندک - آبادی کوچکی است که دارای ۲۰ خانوار میباشد

اهالی این آبادیها اغلب در کوهستانهای اطراف بوده و چون دارای خانه و زندگی صحیحی نبوده و علاقه ندارند مساکن آنها اغلب خالی از سکنه میباشد.

ب - قویمرگ

بخش قویمرگ دارای ۵ آبادی نسبتاً پر جمعیت و این آبادیها در امتداد راه سرباز بزایی واقع شده اند.

- ١ - دز - سکنه دز به ٧٠ خانوار بالغ میگردد .
- ٢ - بوغان - سکنه این آبادی به ٥٠ خانوار بالغ است .
- ٣ - گرگین - سکنه این آبادی به ٥٠ خانوار بالغ میگردد .
- ٤ - مینان دارای ٤٠٠ خانوار بوده و آبادی نسبتاً بزرگی میباشد .
- ٥ - اسکند - دارای ٣٠٠ خانوار و دارای موقعیت نسبتاً مستحکمی میباشد و سرداری بنام قاسمخان نسکندی باین آبادی و نواحی نزدیک آن حکمرانی مینماید .
- ج - ناحیه رودخانه :
- دارای ٨ آبادی بوده فواصل و مسافات این آبادیها نسبت بهم دیگر خیلی کم میباشد .

١ - کژدر - سکنه کژدر به ٥٠ خانوار بالغ میگردد

٢ - میانچ - ٢٠ خانوار

٣ - منخ - ٥٠

٤ - آرامکان - ١٥

٥ - اینک - ١٥

٦ - پرکان - ١٥

٧ - کان - ٣٠

د - ناحیه کشیکور - دارای ٦ آبادی مهم و بزرگ میباشد :

١ - که میتک - دارای ١٥٠ خانوار (بازرگانی و خرید و فروش کالای خارجی

در این آبادی فوق العاده شیوع دارد)

٢ - آنزا - ٣٠ خانوار

٣ - نبدان - ٢٠

٤ - شارژدر - ٢٠

٥ - گرو - ٣٠

٦ - پیردان - ٢٥

هـ - ناحیه دیکور دارای ۸ آبادی میباشد .

۱ - دیکور - آبادی بزرگ و مهمی است که دارای ۱۵۰ خانوار سکنه میباشد .

۲ - واسلگان - ۴۰ خانوار

۳ - دزبوغان ۴۰

۴ - جمیدر ۳۰

۵ - پیاتان ۲۵

۶ - پوتان ۳۰

۷ - لها باد ۲۵

۸ - رودبان ۳۰

و - بخش پارود - دارای ۳ آبادی بزرگ و مهم میباشد :

۱ - پارود دارای ۳۵۰ خانوار و از نقطه نظر اینکه در سه راهی پیشین و قصر قند و سرباز واقع گردیده مهم میباشد (بازرگانی و خرید و فروش خارجی در این آبادی شایع است)

۲ - هیت دارای ۱۰۰ خانوار میباشد.

۳ - زیار جان - ۱۵۰ خانوار.

ز - بخش کوهستانی مسکن طوایف دینار زائی و دارای ۱۵۰ خانوار سکنه می باشد (دینار زائی تیره از طوایف لاشار میباشد) و از دو آبادی تشکیل یافته :

۱ - پیشامک

۲ - بریز - که مرکز طایفه کمال خان بوده و دارای ۵۰ خانوار سکنه میباشد.

ح - بخش مرزی دارای ۴ آبادی مهم میباشد.

۱ - راسک - دارای ۶۰ خانوار .

۲ - فیروز آباد - دارای ۸۰ خانوار .

۳ - بافتان - دارای ۵۰ خانوار .

۴ - پیشین - دارای ۴۰ خانوار . و در روی خط مرزی واقع گردیده است .

طوایف سر باز

۱ - طوایف کوهوند - که بشکل تیره های پراکنده بوده بالغ بر ۱۵۰ خانوار و در کوهستانات باختری سر باز مسکن دارند .

۲ - طوایف رئیسی - که در تحت ریاست مولوی عبدالله و در جنوب باختری سر باز مسکن دارند بالغ بر ۱۰۰ خانوار .

۳ - طوایف سیه تکان - که در کوه سگار و در ناحیه گوار دشت متوطن بوده و دارای آداب و رسوم مخصوص میباشند و تقریباً زندگی آنها شبیه بمرتاضین هندوستان میباشد .

۴ - طوایف دیگری با سامی مختلف در کوهستانهای خاوری و شمالی سر باز مسکن دارند که مهم نبوده و میتوان گفت ساکنین آبادی ها و دهات سر باز میباشند که برای کله چرانی مدتی از سال را در کوهستانها می گذرانند .

این طوایف دارای محل ثابتی نبوده و بر حسب وضعیت و سبزی خشک بودن مراتع کوهستانی مساکن خود را تغییر داده ولی از نقاط اصلی خود زیاد دور نمی شوند و در موقع تابستان که موقع محصول خرما میباشد در آبادی ها جمع و بعد از جمع آوری خرما بمحلهای خود مراجعت مینمایند .

۳ - جغرافیای اقتصادی

۱ - کشاورزی - اهالی فقط در زمینهای محدودی که کنار رودخانه سر باز واقع گردیده بزراعت گندم - ذرت - باقالا مبادرت ولی مقداری که بدست می آید تکافو

تغذیه اهالی را ننموده و مجبور بوارد کردن از خارج میباشند علاوه بر این درخت نخل در کلیه آبادی های سر باز بحد و فور موجود و قسمت عمده تغذیه اهالی را تأمین مینماید .

کوهستانی بودن منطقه توأم با عدم آشنائی اهالی بامور کشاورزی موجب این گردیده که اهالی از آب رود خانه سر باز استفاده کامل نمینمایند .

بعلت نبودن چراگاههای مناسب شتر داری و تربیت حیوانات اهلی در این منطقه محدود و فقط برای ایاب و ذهاب بین آبادی ها از الاغ استفاده میشود گله داری و تربیت اغنام و احشام نیز بعلت سختی اقلیم پیشرفت شایانی نکرده و اهمیتی باین موضوع نمی دهند .

برای رفع حوائج اغلب اهالی به مکران انگلیس و هندوستان مسافرت و در موقع رفع محصول و جمع آوری خرما مراجعت مینمایند .

۲ - عادات و اخلاق .

سختی اقلیم اهالی بخش را مثل سایر نقاط مکران مردمانی پر طاقت و صبور بار آورده علاوه بر این فوق العاده قانع میباشند بطوری که با آذوقه کمی مسافت بعیده را می پیمایند .

اساساً خشن و پابند مقررات و آداب اجتماعی نبوده و حتی بد بینی در وجود آنان مخمر میباشد نسبت برؤساء خود مطیع بطوری که در مقابل جزئی اشاره آنان از خونریزی هم خود داری نمی نمایند .

۳ - مذهب .

مذهب اهالی سر باز تسنن بوده و فوق العاده در انظار متعصب ولی باطناً در

اجتماعات بلوچی معتقد به هیچ گونه مقررات عشیره نمی باشند .

از نقطه نظر نظامی میتوان بشرح زیر در این قسمت بحث نمود :

۱ - بررسی زمین از نقطه نظر راه پیمائی - نقاط واقعه بین پادگان ایرانشهر و سرباز تا مسافت ۱۸ کیلومتری بی عارضه بوده و سهل العبور میباشد .

جاده داخل کوهستان ها گردیده و از نقطه نظر نظامی موجبات کندی حرکت ستون رافراهم مینماید برای اینکه نمیتوان تأمین ستون را بنحو احسن فراهم نمود. ارتفاعات بطوری متعدد و پشت سر هم واقع شده که از لحاظ تأمین مستلزم تهیه های مقدماتی و پیش بینی میباشد راه فرعی دیگری وجود ندارد فقط جاده بایستی مورد استفاده قرار گیرد .

۲ - بررسی زمین از نقطه نظر استقرار و منازل واقعه بین راه .

نقاط واقعه بین ایرانشهر و سرباز فاقد منابع محلی از نقطه نظر تأمین آذوقه افراد و علوفه دواب بوده و بایستی کلیه احتیاجات بوسیله ستونهای اعزامی حمل شود .
نقاطی که بمنظور راحت باش عده ها در نظر گرفته شده نقاطی است که آب فوق العاده کمی دارد

۳ - بررسی زمین از نقطه نظر مواد خوارباری که در محل پیدامیشود .

زمین های کشاورزی محدود و بمنظور تأمین احتیاجات بمنابع محلی نمیتوان امید وار بود .

محصول بدست آمده جنبه صادراتی نداشته و بایستی برای تأمین خواربار و علیق پیش بینی نمود .

۴ - بررسی زمین از نقطه نظر عملیات نظامی :

بطور کلی وضعیت اراضی در منطقه سرباز بطوری است که اجرای هیچگونه مانوری بمنظور پیشدستی - یا حرکت دورانی و تعرضی عملی نبوده و فقط می توان باشغال نقاط

مناسب دفاعی از حرکت تجاوزی دشمن احتمالی با حداقل نیرو و وسائل جلوگیری و از لحاظ عملیات تأخیری نیز منطقه سرباز جهت عده کافی نقاط مناسبی را شامل است :

۵ - بررسی زمین از نقطه نظر خطوط مواصلات فرعی :

الف - جاده ایرانشهر - در نظر است که بعداً از پارود بمحل قصرقند ادامه یافته و بجاده سرتاسری ایرانشهر بچاه بهار وصل گردد .

ب - راه شتررو سرباز بقصرقند - که ازدوراهی پارود جدا شده و پس از عبور از اراضی کوهستانی نسبتاً مسطحی از قسمت خاوری وارد قصرقند میشود طول این راه تقریباً ۶۰ کیلومتر میباشد .

ج - راه شتررو سرباز بمرز کشور - که از بارود جدا شده و از آبادی های شوشگان و فیروزآباد و راسک و بافتان عبور نموده و سپس به پیشین و ناحیه مرزی منتهی میگردد این راه تا آبادی بافتان (۳۰) کیلومتر در بستر رودخانه صاف و سپس از بافتان تا پیشین (۳۰) کیلومتر در اراضی نسبتاً پست و بلندی واقع گردیده است .

د - راه شتررو سرباز بزایی - این راه تا آبادی نسکند (۳۰ کیلومتر) در بستر رودخانه پیش رفته و سپس در داخل اراضی نسبتاً پست و بلندی تا قلعه زایی پیش میرود . علاوه بر راههای همگانی که در بالا ذکر گردید راههای بیشمار در این بخش وجود دارد که بواسطه نزدیک بودن مورد استفاده خود اهالی محل میباشد از این راهها فقط میتوان راه کوهستانی کشیکور به چامپف و قصرقند را نام برد

وسایل ارتباط و مخبرات

وسایل مخبراتی وجود نداشته ارسال اخبار بوسیله پیک و امر بران سواره عملی میگردد . - حومه سرباز دارای هیچ يك از مؤسسات دولتی نیست

نقاط قابل توجه در سرباز

ازمرز بداخل کشور شاهنشاهی :

۲ - خط حاشیه خاوری پیشین با اتکاء بدامنه کوه سیاهان (دارای معابر اجباری مناسب)

۲ - خط حاشیه جنوب خاوری راسک و فیروز آباد - با اتکاء بار تفاعلات اطراف (دارای معابر اجباری و دهلیزهای متعدد)

۳ - خط نبدان (دارای معبر اجباری سخت ورود خانه در این نقطه فوق العاده تنگ و بوسیله ارتفاعات محصور گردیده است)

۴ - با اتکاء بقلعه سرباز (قلعه سرباز از نقطه نظر استقرار مناسب میباشد)

۵ - در سرباز کور بادر دست داشتن آبادیها بینام و بیدک

۶ - درگیری (وضعیت کوهستانها در این نقطه فوق العاده سخت میباشد)

۷ - در آب سواران (دارای نقاط و کمین گاههای مناسب کوهستانی .)

۸ - در آب دزدان (کوهستان پیچیده و مشکل)

چون زمین کوهستانی و اقلیم سست میباشد با تربیت عده هائی که عادت بکوه

توری داشته و در راه پیمائی کوهستانی ورزیده شده باشند ممکن است مهاجم را

باجملات مؤثری در داخل این کوهستانات باصرف عده و وسایل کمی از پا در آورده و

معدوم نمود .

۳ - راجع به باهوکللات و دشتیاری

نظر باینکه در این منطقه کمتر مسافرت‌هایی شده و اطلاعات مفیدی تحصیل گردیده

است لذا توضیحاتی برای معرفی این منطقه درج میشود

وضعیت خاوری چابهار بطور کلی : اگر بقسمت خاوری منطقه چابهار (که از شمال محدود به پیشین وراسک و گزانی و کلی داعی در جنوب نیک شهر و از باختر جاده نیک شهر و چابهار و از جنوب دریای عمان و از خاور خط مرزی) توجه گردد ملاحظه میشود که باستثناء قسمت شمالی که پوشیده از یک رشته ارتفاعاتی که در هر جا بنامی موصوف و سه رشته انشعاباتی که از شمال بجنوب تا کرانه تمتد که مسافت آنان از چابهار اولی ۵ کیلو متری بنام ارتفاعات طیس کوپان و دومی ۳۰ کیلو متری بنام ارتفاعات ماجورا و نیل و سومی ۹۰ کیلو متری که بنام ارتفاعات باهو کللات موسوم است کلیه اراضی مسطح و مرکب از یک قسمت نمک زار و خاک رس بدون آب میباشد جلگه بین ارتفاعات طیس کوپان و ماجورا واقع است بنام طیس کوپان و وشنام و کمبل و جلگه بین ماجورا و باهو کللات واقع است قسمت باختری دشتیاری و قسمت خاوری باهو کللات موسوم است. بهیچوجه در این منطقه خط شوسه وجود نداشته و ابدآ دارای وسایل ارتباطی و تلگرافی نیست باستثنای یک رشته سیم که در محاذات کرانه متعلق به کمپانی هند و اروپا که پس از خاتمه کسرات در نزدیکی مرز (قریه سامان) قطع گردیده و فعلا قابل استفاده نیست

این منطقه دارای هوای سوزان و غیر سالم (اغلب مالاریائی و بعلت خوردن از آبهای را کد مرض پیوک نیز عمومیت دارد)

در این منطقه فقط دو رودخانه سیلابی موجود است که یکی بنام رودخانه باهوکللات که از سرباز و شمال آن و دیگری رودخانه دشتیاری که از قصر قد و شمال آن سرچشمه گرفته و هر دو به شن زار فرو میروند (رودخانه باهوکللات از نقطه نظراهمیت

در زمان سابق دارای سدی بوده در شمال باهوکللات بمسافت ۵ کیلومتری باهوکللات و جنوب آنرا مشروب مینموده فعلاً خراب است و آب رودخانه باهوکللات در محل بافتان در جنوب راسک به شن فرو میرود)

جمعیت این منطقه خیلی کم عموماً بطریق کوچ نشینی در زیر کپر زندگی میکنند. قسمت اعظم اهالی نژاداً ایرانی و قسمتی از نژاد هندی (سند) که در ازمنه قدیم باین منطقه کوچ داده شده اند بین خود بنام جدگال معروفست زبان آنان اصلاً ایرانی (پهلوی) ولی با بلوچ های شمالی اختلاف کلی دارد زبان بلوچی جدگالی از هر دو متمایز است عموماً سنی و بی اندازه متعصبند

اهالی آب مشروب خود و دواب و حشم خود را از آبهای باران که در گودالهایی (بزبان بلوچی حوتک) مجتمع میشود و چندین ماه باقیست استفاده میکنند بدینطریق که مواقع بارندگی حوتک ها مملو شده و دور هر حوتکی چندین خانوار کپر زده خود و دواب و حشم خود از همان آب را کد استفاده کرده تا موقعی که آب مبدل بلجن شده خشک گردد سپس دور حوتک دیگر جمع میشوند فقط در سه نقطه میتوان با حفر چاه از آب شیرین استفاده نمود اولی در طیس کوپان بعمق ۱۰ متر برای دواب جمعی هم کافی است و دومی در دشتیاری و سومی در باهوکللات برای دواب بطور انفرادی نیز کافی است و در اراضی مسطح منطقه روشنم اساساً حفر چاه عملی نیست در دشتیاری و باهوکللات با حفر چاه بعمق ۳۰ متر میتوان استفاده جهت مصرف اهالی گردد گرچه قدری شور و در روز نیز بیش از چند دلو آب نمیدهد

بعلت نبودن آب و کمی نفوس و تنبلی افراد بلوچ با وجود اینکه اراضی استعداد نمو کلیه زراعت های گرمسیری و حبوبات را دارد زراعت در این منطقه خیلی بسختی پیشرفت کرده و فقط منحصر به پنبه آنهم دارای آفت گندم و جو و ذرت و ماش بقدر

احتیاج بطوریکه به تحقیق رسیده بنحوی اراضی مستعد است که با بذریک دفعه تخم پنبه میتوان چندین سال محصول برداشت بطوری که پنبه مبدل به درخت میگردد و حبوبات دیگر از قبیل ذرت و ماش و غیره يك تخم متجاوز از دویست و پنجاه تخم محصول میدهد .

دشتیاری و باهوکلات در درجه یکم و کمبل و طیس کویان در درجه دوم دارای مراتع خوب و قابل توجه است و نقاط مزبور جنگل زار و درختهای جنگلی عبارتند از کهور و بنه و گز اهالی اغلب دارای شتر (برای حمل و نقل محمولات و سواری) و الاغهای تیز رو (سواری) و تعداد زیادی گوسفند و بز و گاو میباشند که بطور انفرادی نگهداری می شود تشکیل رمه نمیدهند اسب و قاطر در این منطقه نایاب است .

با وجود تحولات و ترقیات روزافزون گیتی در این منطقه هیچ تأثیر و تغییری نداشته اهالی بحال زندگانی سابق خود باقی هستند علت اصلی عدم آمیزش آنان با اهالی داخلی است میتوان گفت باستانی افراد نظامی و امنیه از مأموین کشوری کسی قدیمی بآن صفحات نگذاشته که در نتیجه آمیزش و تبلیغات تغییری بحال بدویت آنان داده شود اثبات مدعا طرز احترام گذاردن آنان است که تصور میکنند احترامات متداوله همان دست بلند کردن بسبک سر بازی است .

عموم این منطقه بیسواد ابداً دبستانی وجود نداشته و رتق و تقق امور فضائی بدست مشتی آخوند بنام قاضی فیصل داده میشود آنها هم فقط قرائت قرآن و خیلی جزئی فارسی بلد میباشند .

اهالی مایحتاج خوراکی خود را که منحصر به ذرت و ماش است خود تهیه و جهت پوشاک از فروش پنبه از خارجه بطور قاچاق فراهم مینمایند پولی که بین آنان رواج است روپیه میباشد که بکله دار موسوم است

اهالی بوئی از مین پرستی و کشور دوستی به شامشان نرسیده و حتی اشخاص غیر بلوچ را خارجی دانسته بنام قجر نامیده از هر گونه اذیت و آزار در باره آنان فروگذار نمیکند روی همین بیعلاقگی و پاگیری که در نتیجه جزئی فشار حق یا ناحق یکی از مأمورین فوراً بخارجیه کوچ میکنند و باندازه از فهم و شعور عاریند که نیکویی بهیچوجه بخارجشان نمیرود.

این رویه و ترتیب در نتیجه تزیقات تبلیغات سرداران و متفندین محلی سابق است که کماکان ادامه دارد با اقداماتی که شروع گردیده امید است که در آتیه اوضاع این منطقه رو به بهبودی رفته و اعمال آنان متروک و در جاده تمدن سیر نمایند از طرفی بی اندازه با انضباط و قانع ولی آنطوریکه باید رشید نمیباشند

بطور کلی وضعیت فعلی منطقه با هوکلات و دشتیاری را میتوان در این ۱۶ ماده خلاصه نمود.

۱ - کشاورزی - بعلت عدم آب در کلیه منطقه زراعت اهالی منحصر بجزئی پنبه - گندم - جو - ذرت - ماش و سایر حبوبات کمی در بعضی نقاط تنها کوفقط در حدود دشتیاری و جنگل باهو کلات صیفی (هندوانه - خربزه) میباشد که بطرز مخصوصی با استفاده از آب باران عمل میشود و در سابق که سدهای رودخانه باهو کلات و دشتیاری برقرار بوده کلیه اراضی آباد و زراعت میشده و هرگاه حال هم سد های مزبور ساخته شود کلیه اراضی آباد و کلیه اهالی که در نتیجه عدم آب و زراعت به بلوچستان انگلیس متواری شده اند مراجعت خواهند نمود حاصل زراعت اهالی بمصرف آذوقه اهالی میرسد و کمی از مازاد آن در بلوچستان انگلیس فروخته شده و در عوض قند شکر چای و پارچه و سایر مایحتاج اهالی آورده میشود.

۲ - بازرگانی - در کلیه مناطق پناهور و تجار جزئی پنبه - پشم - پوست - حبوبات - تنها کوفقط حاصل زراعت را به بلوچستان انگلیس برده و در مقابل احتیاجات اهالی را از

قبیل پارچه قند چای و شکر و غیره آورده و در منازل یا دکانهای کوچک و غیر رسمی خود به مصرف فروش می‌رسانند و چون تا کنون مقررات گمرکی و مأمورین مربوطه در این منطقه نبوده و از طرف دیگر برای رفع احتیاجات اهالی بداخله کشور دسترسی نداشته اند با کمال سادگی و معمولی بچنین تجارت غیر مجازی عمل نموده و مینمایند که هرگاه از طرف دولت شرکتها و مؤسسات قماش و سایر مایحتاج در نقاط مهم منطقه تأسیس و ما بحتاج اهالی در دسترس آنها گذارده شده و نیز مقررات گمرکی بآنها فهمانده شود کین رویه اهالی ترك خواهد شد.

۳ - اهالی مسلمان (سنی) متعصب مخلوط با خرافات جهالت

۴ - چون از زمان پیشین مأمورین انگلیس در این منطقه نفوذ کلی داشته اند و خصوصاً اهالی از اشنائی بمقررات این کشور و ارتباط بداخله کشور دور بوده اند لذا به کشور اصلی خود اشنائی ندارند.

۵ - بعلم عدم مأمورین انتظامی و سایر مأمورین لشگری و کشوری از دیر زمان در این منطقه و از طرف دیگر تسلط و نفوذ سرداران و متنفذین در اهالی باعث شده که کلیه اهالی تا کنون جز سرداران کسی راندیده و نشناخته

۶ - بعلم عدم مقررات مرزی از سابق در نظر اهالی خط مرزی وجود نداشته و با سادگی به بلوچستان انگلیس و ایران رفت و آمد نموده فامیلا منسوب و در فلاح و تجارت و کلیه امور تشریک مساعی داشته و حتی در جشنها و سوگواریهای یکدیگر حضور یافته و در فامیل یکدیگر وصلت مینمایند.

۷ - سکه و پولهای رواج در کشور را کاملاً نشناخته و بیشتر رویه در این منطقه رواج همگانی دارد

۸ - علت رفت و آمد بیشتر اهالی بلوچستان انگلیس و ایران عدم اب برای فلاح

و عدم نظم در منطقه و تعدی سرداران بلوچ میباشد که دائماً بمقتضای محل و موقعیت در مواقع مختلف سال ببلوچستان انگلیس رفته و مراجعت میکنند .

۹ - در مواقعیکه اهالی به بلوچستان انگلیس مهاجرت میکنند در آن منطقه آزاد و حتی مورد تشویق مامورین آن کشور واقع هستند .

۱۰ - اغلب از بیماریهای ساریه در سایر نقاط کشور در این منطقه وجود داشته ولی بعلت عدم پرشك مرك بنحو ساده از تكثیر جمعیت جلو گیری و بععلل عدم وسائل و بدی آب و هوا و غیره تولد تناسل در مرحله صفر است .

۱۱ - بعلت نبودن آموزشگاهها علاوه بر اینکه کلیه اهالی بی سواد هستند در جهات مخلوط با خرافات محض می باشند .

۱۲ - هیچ نوع صنعتی در این منطقه وجود ندارد

۱۳ - اهالی بطور عموم تن پرور و جبون و كمظرف و نادان هستند

۱۴ - اهالی عموماً بطوری روحاً تحت نفوذ سرداران بلوچ هستند که هیچگاه از رأی آنها سرپیچی ندارند .

۱۵ - قاچاقچیان بدون دانستن مقررات گمرکی آزادانه به بلوچستان انگلیس رفته و ما بحتاح اهالی را میاورند .

۱۶ - دستجات متعدد اشرار هستند که تحت نفوذ و تحرك سرداران گاه گاهی بشرارت مبادرت میکنند .

اطلاعات راجع به منطقه باهو کلات و دشتیاری

رودخانه ها عموماً سیلابی است در تابستان خشك میشود رودخانه باهو کلات تا قسمت بافتان غیر سیلابی و دائمی است ولی از آنجا فرو میرود .

زراعت - زراعت آبی است ولی با آب دادن خیلی محدود ۲ یل ۳ مرتبه زراعت

پنبه - ماش - گندم - جو - زرت - بعضی نقاط تنباکو بعضی نقاط نخلستان نیز دارند ولی خرماى آن معروف نیست

زراعت باندازه احتیاج اهالی است و خیلی کم از آن صادر میشود

در صورت تهیه سد ها اراضی استعداد زراعت های خیلی زیادی را دارا میباشد چه اهالی باهو کلات در ایام قدیم که درای سد بوده . سکنه زیادی داشته است سکنه فعلی باهو کلات ۲۰۰ خانوار بیشتر نیست در بعضی مواقع تا حدود ۱۰۰۰ خانوار جمع میشوند .

کلیه سکنه دشت یاری و باهو کلات در حدود ۱۵ هزار نفر بیشتر نیست حشم داری هم در بین اهالی معمول است که رمه های کوچک گاو - کوسفند - شتر گاهی هم بخارج میبرند .

مرز - زمین بین دو کشور بکلی باز است بطوریکه هم باهم وصلت کرده و هم لاینقطع در عبور و مرور و مراوده میباشند حتی از طرف انگلیسها تشویق مینمایند چه اهالی اگر شرارت مینمایند آزادی تام دارند .

جاده چاه بهار و گواتر زمین نسبتاً صاف و بعضی ارتفاعات کوچک کم اهمیت است ولی ۱۲ حور موجود است که بایستی روی آن پل ساخته شود .

راه کواتر تا باهو کلات کاملاً خوب و دشت و قابل اتومبیل رانی است از باهو کلات تا پشین جلگه و صاف از تذك تا قصر قند کوهستانی است .

آثار قدیمه - فقط در نزدیک پلان چاهی است که با آجر ساخته شده و به کورس و زمان زردشت نسبت میدهند و چاهی دیگر در مسیر کوپان بهمین قسم موجود است .

منطقه بم پشت

دارای ۶۵ قریه سکنه کلیه این آبادیها در حدود ۳۰۰۰ نفر است که آبادی بزرگ آنها کشتگان است که دارای ۱۵۰ خانوار و کلیه در مسیر رود خانه ها واقع شده

اند این رودخانه ها دائمی و در تمام مدت تابستان ها دارای آب میباشند تمام قراء دارای نخلستان ها و موستان ها میباشند حتی در بعضی قراء گل سرخ هم دیده میشود درخت انار - توت در کلیه آبادیهای این منطقه یافت میشود زراعت گندم و جو زراعت عمومیت دار و گندم اکثر دیمی است .

زراعت آن برای احتیاجات خود اهالی کافی نیست و اکثر گله دار میباشند - قسمت عمده گله این نواحی گوسفند است گاو برای زراعت نگاهداری مینمایند .

سکنه این منطقه کوتاه قد و قوی البنیه و فوق العاده پر طاقت میباشند اشجار در کوهستان یافت نمیشود این قسمت سر دسیر محسوب و دارای هوای خنک و فوق العاده مطلوبی است زراعت گندم این منطقه در خر داد ماه بدست می آید در صورتی که در شستان در اول اردیبهشت درو میشود خرما ی این منطقه ۲۰ روز پس از شستان بدست می آید در هوای سرد زده میشود در صورتی که در قسمت شستان یخ نمیزند

در کوهستان بزم پشت يك نوع علفهایی یافت میشود موسوم به تور تیری و بعضی دانه های دیگر که برای فروش ببلوچستان انگلیس میبرند .

مورتان

کلیه ۷ قریه است که روی هم رفته ۱۵۰ خانوار میباشد .

زراعت گندم - جو - برنج - خرما - ذرت یافت میشود در تابستان آب دارند و دارای حشم نیز میباشند .

معمولا از مورتان به پیشین صبح تا عصر سواره میروند .

هنگ هم شامل ۳۰ قریه است سکنه کلیه این نقاط ۱۵۰ خانوار - نخلستان و زراعت هم دارند و دارای حشم و کلیه چادر نشین هم میباشند . هوای این منطقه گرم است و از شستان گرم تر میباشد .

برای زراعت دارای قنات و چشمه میباشند تابستانهم این آبها دایر است از هنگ تا مورتان راه بکلی صاف است .

فصل هفتم

وضعیت کرانه‌های مکران

کرانه‌های مکران با وصف آنکه خیلی مطول و در حدود ۷۰۰ کیلو متر است ولی نقاط حساس آن کم و نقطه مهم و قابل توجه آن زیاد نیست - کلیه کرانه‌های مکران بواسطه کمی عمق و داشتن بریدگیهای زیاد برای نزدیک شدن کشتی‌ها مساعد نبوده بلکه کشتیهای با ۴ متر آب گیر بایستی دو کیلو متر از کرانه دور متوقف گردند سکنه و نقاط مسکون در کرانه مکران خیلی نادر و جز يك مشت مردمان بی‌چاره که زندگانی آنها از صید ناچیز کرانه میگذرد کسی وجود نداشته و شاید مجموعه این سکنه را میتوان از خاور به باختر در حدود ۵ هزار محسوب داشت که ۲ هزار آن فقط در چاه بهار است بعضی نقاط بکلی خالی و غیر مسکون است از جمله بندر گواتر که بندرگاه و نقطه مهمی روی نقشه جات بنظر میرسد برای آن که نظر کاملاً دقیق تری به کرانه حاصل شود وضعیت کلی کرانه‌های عمان را شرح داده و راجع به نقاط مهم آن توضیحات بیشتری داده میشود.

بندر چاه بهار بمناسبت وضعیت و موقعیتی که بطرف دریای عمان داراست و یگانه مخرج آزاد کشور محسوب میشود خیلی مهم و قابل توجه است

۱ - وضعیت کلی کرانه‌های مکران بین جاسک و گواتر

چاه بهار - چاه بهار اطلاق بخلیج کوچکی میشود که در کرانه مکران واقع شده و نیز اسم بندری است که در دماغه خاوری این خلیج میباشد که ایفاد آن از نصف النهار گروینچ ۳۸ - ۶۵ و از شمال خط استوا ۱۸ - ۲۵ است

بندر چاه بهار قصبه است که در حدود ۱۲۰۰ خانوار سکنه دارد و از طریق صید ماهی و قایق رانی زندگانی مینمایند کشاورزی و زراعت بواسطه قلت آب هنوز در آن رونقی حاصل نساخته و مایحتاج اهالی از خارج تأمین میشود ولی اراضی اطراف برای پرورش اشجار گرمسیری بسیار مستعد میباشد و باغ فلاحتی که اخیراً دایر گشته کمک مهمی به ترغیب اهالی در غرس اشجار مینماید.

اشجاری که بالاخص بعمل میاید و ابوهوا برای نشو و نمای انها مساعدت تامه دارد عبارتند از: انجیل فرنگی - سه پستان - کلیر - شیرپش - خرما - مرکبات - انبه و غیره و اقسام میوجات.

مهمترین بنای آن بنای سنگی سه طبقه است که در حدود ۹۰ سال قبل توسط انگلیسها ساخته شده و محل پست و تلگراف بوده است ترقی این بندر از موقعی شروع خواهد گردید که اسکله بندری در آن ساخته شده و مجهز بوسایل لازمه بندری گردد (در وضعیت فعلی کشتیها مجبور اند در دو کیلو متری توقف نموده و بوسیله قایق بارگیری و بار اندازی نمایند) از طرفی هم مستلزم اینست که وضعیت تجارتی از حالت بحران آمیز فعلی خارج گردد - اکنون کشتیها ماهی دو مرتبه باین بندر رفت و آمد مینمایند و کالاهائیکه تشریفات قانونی آنها بعمل آمده حمل و نقل میشود و بعضی مواد ضروری برای زندگانی اهالی حمل مینمایند (از قبیل گندم جو - برنج - خرما - پارچه و غیره)

برای انجام امور تجارتی یک نفر نماینده انگلیسی و چند نماینده از پارسیان هندوستان در آن اقامت دارند اغلب بنگاههای دولتی از قبیل پست و تلگراف - معارف - امنیه - شهربانی در این بندر ایجاد گردیده و در شرف توسعه میباشد سکنه بندر چاه بهار بیشتر از بلوچها و مهاجرین هندوستانی و بلوچستان انگلیس تشکیل یافته.

از چاه بهار تا خاش و جاسک خط تلگراف یافت میشود پست در این بندر و بنادر جاسک و راتر موجود است و گمرک در اغلب بنادر یافت میشود.

چاه بهار تاجاسك در حدود ۲۰۰ و تا گواتر در حدود ۷۰ ميل انگلیسی مسافت دارد این فواصل از راه خشکی محسوب گردیده و از راه دریا مسافت کمتر میباشد - این راه ها بسهولت قابل تعمیر برای سیر خود رو میباشد نقاط مهمی که در راه چاه بهار به گواتر واقعند بشرح زیر است :

گینج ده - دارای ۱۰ خانوار جمعیت است که از ماهی ارتزاق مینمایند .
کچو - دارای ۱۵ سکنه

بریس - در حدود ۴ خانوار جمعیت دارد که از صید ماهی معیشت مینمایند
(در جوب این آبادی دماغه بهمین اسم واقع گردیده)
پسا بندر (مانند بریس است)
گواتر - آخرین بندر ایران در کرانه عمان میباشد که سکنه ندارد مرکز سیم دریائی است .

نقاط مهمی که در راه چاه بهار به جاسك واقع اند .
دیس یا دیز - دارای ۴ خانوار سکنه است که از صید ماهی معیشت مینمایند .
پاره - دارای ۸ خانوار سکنه میباشد که نیز از صید ماهی معیشت می کنند
سرکان - دارای یکصد خانوار جمعیت است که از طریق زراعت امرار معاش می نمایند .

کهی - نیز در حدود يك صد خانوار جمعیت دارد که از طریق زراعت پنبه - گندم - زرت - ارزن و غیره ارتزاق می کنند .

بیر - در حدود ۵۰ خانوار جمعیت دارد و محصول عمده آنها خرما میباشد .
رابت - در مصب رود خانه سیلی موسوم به کاله واقع شده - در این مصب صید ماهی ساردنی شیوع دارد که بخارج هم حمل میگردد - استعداد طبیعی این مصب برای ورود و خروج کشتیها نسبتاً زیاد است

سورق - دارای ۳۰ خانوار جمعیت دارد که از محصول خرما معیشت می کنند.
سدیج - در حدود ۵۰ خانوار سکنه دارد که نیز از محصول خرما امرار معاش می کنند.

کابری - در حدود ۵۰ خانوار سکنه دارد و مانند اهالی سدیج محصول عده آنها خرما است.

جگین - در منسوب رودخانه بهمین اسم واقع شده و جمعیتش از ۲۰ خانوار تجاوز نمی کند ولی زراعتش نسبت بسایر نقاط کرانه بهتر است و مخصوصاً پنبه و ذرت زیاد زراعت میشود اشجار خرما نیز دارد.

یکه دار دارای نخلستان وسیع و مزارع جو و گندم میباشد.

جاسک - اهمیت آن باندازه چاه بهار میباشد و جمعیتش با سکنه دهات اطراف به ۲۲۰۰ بالغ میباشد محصول عمده اش عبارت است از خرما - گندم ماهی ساردنی که بمقدار زیاد صید گردیده و بخارج کشور نیز فرستاده میشود.

موقعیت جاسک برای احداث بندر نیز مساعد است و کشتیها توانسته اند تا ۲ میلی بکرانه نزدیک شوند.

جاسک فرودگاه هواپیماها است که از کشورهای اروپا بسمت مستعمرات مربوطه پرواز مینمایند.

وضعیت طبیعی کرانه های عمان

از چاه بهار تا جاسک

از چاه بهار تا طول کرانه دارای بریدگی است و سطح آن چندین متر از زمین کرانه پست تر واقع شده (مخصوصاً در طول دو کیلومتر شمال خاوری که کوهستانی است .)

از طول تا کناره کوه زمین صاف و هموار ولی شن زار است و عبور و مرور دچار اشکال میگردد پس از مصب رودخانه سرگان صاف میباشد که قایقها مخصوصاً در موقع طغیان آب میتوانند در آن داخل گردند.

از مصب رودخانه مزبور تادماغه موسوم به راشدی کرانه همه جا هموار و مسطح است ولی سپس تا جاسک کرانه دارای بریدگی است که از طرف باختر متصل به شن زار می گردد.

از چاه بهار تا بندر کواتر:

از چاه بهار تا بریده نقاط کرانه دارای پست و بلندیهایی مختصری است (باستانی کنج ده که در آنجا ارتفاعات بکلی نسبتاً بلندی کرانه را اشغال کنند).
از بریس تا کواتر بطور کلی اراضی کرانه نسبت به سطح دریا بلند تر واقع گردیده ولی اراضی مزبور مسطح و هموار اند.

دوری و نزدیکی ارتفاعات بکرانه

از چاه بهار تا جاسک

از چاه بهار تا کنارک ارتفاعات خیلی دور از کرانه واقع میشود در حدود ۱۵ میل انگلیسی از کنارک تا تنک یک رشته تپه های کمی بفاصله نیم یا یک میل دریائی از کرانه واقع گردیده - از تنک تا کوه کلات سلسله جبال مرتفعی بفاصله یک میلی از دریا واقع شده - از کوه کلات کوه ها به تفاوت از ۲ الی ۳ میل تا کرانه فاصله دارند از کالک به رایج ارتفاعات در حدود ۱۰ میل از کرانه دور میشوند - از رایج تا محل موسوم به گچ ارتفاعات به تفاوت از نیم تا یک میل از کرانه فاصله دارند از گچ تا ساویج یک رشته تپه مهور های کمی مشاهده میگردد - و ارتفاعات بلند در حدود ۱۰ الی ۱۲ میل از کرانه فاصله دارند از ساویج تا هو جدان کوه ها بسیار دور از کرانه واقع اند (متجاوز از ۱۲ میل) - بالاخره از هو جدان تا جاسک که اراضی

شنزار و سنگلاخ است و کوه‌ها مانند منطقه قبل دور از کرانه قرار گرفته‌اند.

از چاه بهار تا گواتر

در این قسمت کوه‌ها عموماً بسیار به کرانه نزدیک می‌شوند بطوریکه دورترین آنها کمتر از ۲ میل با کرانه فاصله ندارند.

راه‌هایی که نقاط کرانه را بداخله مکران اتصال می‌دهند

از چاه بهار تا جاسک از پارك يك راه قابل سير خودرو به نيك شهر و راه‌های دیگر به بنت به چاهان و فانوج می‌رود - از سرکان و سیر نیز راه‌هایی به نقاط فوق‌الذکر متوجه می‌گردد.

از رابت و سورتق راه‌های پیاده‌رو به سرباز - فانوج - بشاگرد و نیک شهر و غیره می‌روند.

جاسک به بشاگرد و سرباز و رود بار و کرمان بوسیله راه‌های پیاده‌رو متصل می‌باشد.

از چاه بهار تا گواتر

از چاه بهار قابل سیر اتومبیل به نیک شهر و از آنجا بشمال است و يك راه حال‌رو به دشتیاری می‌رود.

از گینج يك راه پیاده‌رو به رودی می‌رود.

از بریس يك راه پیاده‌رو به باهو کلات و دشتیاری متوجه می‌گردد.

از پسابندريك راه پیاده‌رو بدشتیاری و راه دیگر برست می‌رود

از کواتر يك راه پیاده‌رو در امتداد دره رودخانه دشتیاری به دشتیاری و

یاهو کلات می‌رود.

نقاطیکه برای نزدیک شدن کشتی‌ها به کرانه مساعدند

(بین جاسک و گواتر)

بطور کلی در این قسمت از مرز ایران آب‌های کرانه دارای عمق نسبتاً زیاد بوده

و کشتیها میتوانند در بعضی نقاط تا يك ميلی نزدیک شوند در کینج ده کشتیها تا نیم میل کرانه جلو میایند - در پا کی کشتیها تا يك ميلی کرانه نزدیک میگردند .
در بریس کشتیها تا ۱/۵ میل به کرانه نزدیک میشوند در پسابندر کشتیها میتوانند در يك ميلی کرانه برسند در گواتر کشتیهای بزرگ تا نیم میل کرانه نزدیک میشوند .
مقدار قایقهای باری و ماهی گیری که در بنادر این قسمت از کرانه یافت میشود

ملاحظات	ماهی گیری	باری	
	۲۵	۵	در چاه بهار
قایقهای ماهی گیری به تفاوت از ۱	۴۰/۳۰	—	د بریس
الی ۱۰ تن گنجایش دارند - قایقهای	۱۰	—	د پسابندر
باری میتوانند تا ۳۵ گونی حمل نمایند	۳۰-۲۰	۵-۴	د کنارک
	۵-۴	۵-۴	د تنگک
	۳-۲	۵-۴	د گاله
	۴-۳	۵-۴	د گچ
	۵-۴	۵	د سدیچ
	۵	—	د گابری
	۵	—	د چکی
	۴۰-۳۰	—	د جاسک

رودهاییکه قایقهای میتوانند مخصوصاً در موقع طغیان آب در مصب آنها داخل گردند
کهیار - تیس - پاره - سرگان - کهیر - بیر - کوه کلات - گاله - رایج - سورق -
سدیچ - گابری - جگی - هزدان

وضعیت طبیعی آب و هوای این قسمت از کرانه

بارندگی این کرانه عموماً در زمستان است و در این فصل اگرچه هوای ملایم می باشد ولی برای سکنه آن حدود زمستان محسوب میشود طوفانهای شدید همچنین بادهای سخت میوزد - شلی یا شلجی (هوای گرم مرطوب) که مصادف با وزش باد های همگانی است در اواخر فصل بهار بظهور میرسد و در این فصل آب دریا به حدی منقلب است که حرکت کشتیها و نزدیک شدن آنها به کرانه فوق العاده دشوار و خطرناک میگردد .

بطور کلی رطوبت هوا در زمستان کمتر و در تابستان (مخصوصاً در مواقعی که باد از طرف دریا می وزد) زیادتر است .

جاسک

مقدمه - این بندرگاه قدیمی ترین و اولین نقطه کرانه است که در سده های قدیمه برای بسط بازرگانی بانگلیسها و گذار گردین این بندرگاه بواسطه پیشرفتگی مشهودی که در دریا دارد از هر لحاظ جلب نظر را مینماید بطوری که امروز هم موقعیت و وضعیت مخصوص آن برای طیارات هلندی و فرانسوی فرودگاه بسیار مستعد و حاضری بوده و بمناسبت پیشرفتگی خود یکی از فرودگاه های خوب محسوب می گردد .

وضعیت طبیعی - بنابر جاسک واقع در شبه جزیره است که بطول ۳۵۰۰ متر و باریک ترین نقاط عرض آن ۹۰۰ متر است این شبه جزیره از طرف باختر بوسیله يك خوری که دارای زبانه های متعدد است از کرانه مقابل بریده شده و در مواقع طغیان آب این خور ها گاه گاهی ارتباط شبه جزیره را با اراضی عقب قطع و جاسک بشکل جزیره در می آید سواحل باختری این شبه جزیره باشیب خیلی ملایم بطرف دریا پیشرفته خاتمه می یابد در صورتی که کرانه خاور آن دارای ارتفاع ۱۰ متری از سطح دریا می باشد و این قسمت ارتفاع و برجستگی فقط در محل گمرک ملاحظه میگردد .

ارتفاعات در شبه جزیره جاسك يك رشته ارتفاعانی در سمت کرانه واقع گردیده این رشته تپه ها با ارتفاع ۴ تا ۶ متر از سطح جلگه بیش نیست ولی با وضعیت کمی ارتفاع دارای میدان دید و تیر خوبی بطرف دریا میباشد قسمت اراضی که فعلاً با سم میدان طیاره خوانده میشود از سطح شبه جزیره بلندتر میباشد بطوری که میتوان ارتفاع این قسمت را در حدود ۶ متر به طور کلی از سایر نقاط اراضی شبه جزیره در نظر گرفت.

زمین بطرف اراضی عقب و بطرف شمال تدریجاً پست شده و يك دره کوچکی بین این شبه جزیره و اراضی عقب تشکیل میگردد که در موقع طغیان آب زیر گرفته خواهد شد.

ارتفاعات بشاگرد و بیابان که همان رشته ارتفاعات کرانه باشد ۳ الی ۴ کیلو متر در عقب این شبه جزیره واقع و بریدگی های متعددی را ارائه میدهد این ارتفاعات فوق العاده زیاد و برجسته ولی بریدگیهای محسوس و مشخصی را در اطراف ارائه میدهد این ارتفاعات عموماً خاکی و بکلی خشک بنظر میرسد در دامنه این ارتفاعات بطرف خور چندین نخلستانهای واقع گردیده است.

وضعیت آبها - در داخله جاسك آب از چاههای متعددی که در اطراف است برداشته میشود آب آن نسبتاً خوب و قابل شرب است.

سکنة - سکنة این بندرگاه در حدود ۱۵۰۰ نفر است که از چندی باین طرف تدریجاً رو باز دیاد نهاده است فعلاً شاید در حدود ۲۰۰۰ نفر میباشد سکنة کلیه سیاه رنگ و در اثر آفتاب سوخته بنظر میرسند اگر سیاه محسوب نگردند سکنة این منطقه سبزه خیلی سیر محسوب میگردد.

مردمان این منطقه فوق العاده قانع و بزرنگانی و وضعیت خیلی کمی میسازند به طوری که در ایام کنونی که در تمام نقاط کشور عده کارگر خیلی گران و حتی نایاب است در این بندرگاه اخیراً که مزد را زیاد نموده در حدود يك چهارم دست مزد سایر نقاط کشور است

سکنه این بندرگاه يك علاقہ زیادی به زندگانی در داخله بندر را داشته که به اطراف نمیروند و حتی اگر هم بروند خیلی بزودی مراجعت مینمایند ضرب المثل های در بین اهالی این بندر است ، کسی که ماهی جاسک را خورد قادر به ترك این بندر نخواهد بود .

در این بندر زراعتی وجود نداشته و فقط قسمتی نخلستانهایی در خود بندرگاه و در مجاورت بندر مخ ملك موجود است که حاصل آنها باندازه احتیاجات خود اهالی هم نیست اهالی قسمت عمده برای معیشت و زندگانی بصید ماهی اشغال دارند در این بندرگاه ماهیهای ساردین شادلیف دولك - شیر زیاد صید میشود فعلا در سال تا حدود ۶۰۰۰ کونی ماهی برای کرانه عمانات و اطراف خارج میشود هر کونی بقیمت ۳ روپیه است خوراك اهالی نیز قسمت عمده ماهی است بطوری که در موقع صید ماهی هارا گرفته بلع مینمایند گذشته از ماهی بقیه احتیاج اهالی بایستی از طرف خارج یا داخل حمل گردد چون حمل آن از طرف داخل قدری مشکل و پر زحمت است لذا از کرانه در مقابل صید ماهی احتیاجات خود را اهالی تهیه و وارد مینمایند .

آب و هوا - گرمای جاسک پیاپی سایر بنادر در خلیج نبوده بلکه کمتر است . بطوری که در آخر اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ ساعت ۱۰ در سایه در حرارت ۲۷ و درجه بخار در حدود ۷۷ درجه بوده با این مقایسه ملاحظه میکنیم چه از گرما و چه از لحاظ بخار خیلی معتدل و بهتر از آب و هوای سایر بنادر میباشد .

ابنیه و ساختمانهای بندر :

در بندر جاسک اهالی ساختمانهای مهم و قابل توجهی دارا نمی باشند و فقط ساختمانهای موجوده عبارت است از بعضی ساختمانهای خیلی پست كوچك گلی که هر يك شامل دو اتاق است در این بندرگاه يك دوقلعه از طرف اهالی ساخته شده که نسبتاً خوب بزرگ و از لحاظ سکونت برای يك گروهان دارای محل مکفی است .

- چون خط هوائی هلندی و فرانسوی از بندر عبور میکنند لذا ساختمانهای برای مسافریں از طرف بنگاه منظور در این بندرگاه جهت مهمانخانه آسایشگاه تهیه گردیده است که در ایام ورود طیارات باز میگردد.

- گذشته از ابنیه مندرجه بالا يك سری ساختمانهای خیلی زیادی از ۸۰ سال قبل انگلیسها از لحاظ نظامی بشرح زیر تاسیس نموده اند.

- سربازخانه ها که برای اسپارد و قسمت نظامی تهیه شده و قسمتی از آن در شرف خراب شدن میباشد و شاید در مدت قلیلی محو خواهد شد.

- ساختمانهای مربوطه به تلگراف خانه چون کابل انگلیسها سابقا از چاه بهار به جاسک آمده و از این محل بطرف مسقط میرفت لذا در این محل ساختمانهای تهیه نموده اند که در آن وسائل لازمه از لحاظ بکار انداختن خط و وسائل راحتی کارکنان تلگرافخانه تهیه گردیده و حتی یکسری کمولاتور و التاژه ۳۰ ولت برای مصرف و تهیه برق وجود داشته است.

کابل را انگلیسها در این بندر قطع نموده ولی تصور نمیرود کابل را جمع آوری نموده باشند و شاید بوسیله اشخاص مطلع و با سابقه میتوان مجدداً در صورت لزوم متصل و ارتباط مستقیم بین جاسک و مسقط را برقرار کرد.

علاوه بر این ساختمانها که اکثر قدیمی و از آثار انگلیسها است ابنیه جدید دیگری ملاحظه نمیشود.

ارتباط موجوده - فعلاً در این بندرگاه یکدستگاه بیسیم مخصوص برای مخابرات هوائی و یکدستگاه برای مخابره با بیسیم پهلوی دائر است.

- خطوط مواصلات - فعلاً بهیچوجه جاده ارتباطی بین این بندرگاه و نقاط مجاور داخله وجود ندارد - ولی طبق تحقیقاتی که در محل بعمل آمده و کسب اطلاع از اشخاص با سابقه که کراراً عبور نموده اند اراضی کرانه بین جاسک - چاه بهار

از طرف خاور و جاسک و بندر عباس از طرف باختر بکلی صاف و فقط بعضی بریدگی ها در بین راه است که میتوان با مخارج مختصری تسطیح نموده و فقط احتیاج به يك تعدادی پل روی رودخانه ها و بریدگیهای بین راه است.

راه بطرف داخله بایستی از اراضی نسبتاً بلند و مرتفعی گذشته و بطرف دشتیاری برود این راه فعلاً برای پیاده قابل استفاده است
وضعیت بندرگاه از لحاظ نظامی

چون بندر جاسک در روی محوری واقع نشده و خط ارتباطی از آن بطرف داخله کشور ممتد نمیشود لذا دارای ارزش فوق العاده ای از لحاظ کشور محسوب نشده و خود بندرگاه نیز دارای اهمیت اقتصادی نیست فقط سکنه کم و تعدادی ابنیه در آن یافت میشود ولی چون ممکن است ستونهای کوچکی برای رسوخ بطرف دشت یاری این محل را مورد استفاده خود قرار دهند لذا بررسی دفاع این منطقه قابل توجه و شاید بی فایده نمیباشد.

برای بررسی دفاع بندرگاه آرایشی را که انگلیسها در موقع استقرار دارا بوده و آثارش باقی است قابل توجه میباشد.

انگلیسها در موقع استقرار در این بندرگاه چون خطرات وارده را از تمام جهات برای خود قائل بودند چه از طرف دریا و چه از طرف خشکی لذا در دوران جزیره سنگرهایی که بعضی يك رشته بوده است تهیه کرده و بدین قسم محلهائی برای سلاح های خودکار خود بطرف دریا تهیه نموده اند.

از طرف داخل که بطرف خور منتهی میشود و بمسافت ۸۰۰ متر بیش نیست سنگر هائی برای چند دسته تهیه و یک رشته سیم خاردار روی پایه های آهنی تهیه و جلوی آن نصب گردیده.

در روی رشته تپه های باختری که دارای دید و تیر ممتدی بطرف دریا است

چند محل و پایه سمتی تهیه و در روی این پایه های سمتی صفحه های آهنی بطول سه متر و عرض يك متر که دارای قطر کافی است قرار داده شد.

طبیعی است این آرایش مربوط به نظریه و فکر آروز انگلیسها بوده است که با يك گردان و تعدادی مسلسل آرایشی برای دفاع بندرگاه در نظر گرفته اند امروزه برای دفاع جاسک بایستی نکات زیر را در نظر داشت

۱ - تمام کرانه شبه جزیره جاسک برای پیاده شدن قوای مستعد و حاضر بوده و هر قوای بسهوات میتواند بکرانه دست یابد کشتیهای ۲ تا ۳ هزار تنی ناچاراً بایستی در ۳ کیلو متر الی ۱۵۰۰ متری کرانه لنگر اندارد.

۲ - دفاع جاسک بایستی مثل دفاعی که انگلیسها نموده اند بمناسبت موقعیت و وضعیت خود جزیره دفاع کامل از تمام اطراف بندر باشد یعنی خود شبه جزیره تا حد خور زیرا پیاده کردن و دست یابی از هر طرف باین بندر مقدور است.

ارزش نظامی جاسک - این بندرگاه از لحاظ مراقبت دهانه خلیج و عمل در مقابل مسقط و کرانه های عمان جای بسیار مناسبی بوده و برای زیر دریائیه و طیارات مرکز بسیار خوبی محسوب میشود

گواتر

این محل آخرین نقطه و منطقه کشور شاهنشاهی است - این محل در داخله يك خلیجی واقع گردیده که باسم خلیج گواتر معروف است عرض این خلیج در حدود ۱۶ و عمق آن در حدود ۷ میل دریائی است در دهانه خلیج بطرف باختر ۲ تخته سنگی در دریا ملاحظه میگردد که ریشه آن کم عمق و مزاحم حرکت کشتیها میباشد.

در داخله این خلیج در طرف باختر و قدری در داخل گواتر ایران واقع گردیده در طرف خاور خلیج بندر جنوری است که جدیداً شروع به ساختمان و تهیه آن گردیده. در وسط این دو قسمت و از جناح خاوری گواتر ایران یکرشته جنگلهای گز که

بارتفاع ۲ الی ۴ متر است شروع میگردد که تمام کرانه را بطرف جنوری فرا گرفته و حتی بطرف داخل هم امتداد دارد.

در وسط این خلیج قدری هم منحرف بطرف خاور رودخانه دشتیاری که از دشتیاری و ارتفاعات داخلی سر چشمه گرفته است جریان دارد این رودخانه در مصب خود پرآب و دارای عمق کافی نیز میباشد در سمت باختر این رودخانه خور گواتر واقع است که عمق آن نسبتاً زیاد و عرض آن در موقع مجزا شدن از خلیج در حدود ۲۰۰ متر است.

در طرف گواتر ایران و بطرف کرانه يك رشته ارتفاعات کوتاهی که با شیب خیلی ملایم ادامه و در مجاورت کرانه است بنظر میرسد که هر قدر بطرف گواتر برویم این ارتفاعات کمتر خواهد شد ولی بعد از این ارتفاعات بالا رفته و در عقب جنوری و دماغه خاوری خلیج مرتفع شده و از ارتفاعات جنوبی خلیج مرتفع تر بنظر میرسد.

گواتر - گواتر ایران فعلاً بهیچوجه دارای سکنه نیست و جز پاسگاه امنیه که در آن محل است دیگر کسی ملاحظه نمیگردد ولی قبرستان بزرگ این محل مهمترین علامت جهت ارائه سکنه قبلی این منطقه میباشد که بواسطه وقایع جریانات سابق مجبور به ترك این منطقه شده اند.

چند ساختمان سفید رنگ از دور ملاحظه میگردد که یکی مسجد .. یکی بنای گمرک و یکی پاسگاه امنیه است غیر از این چند بنا ساختمان دیگری وجود ندارد و سکنه این محل زیر کپر زندگانی مینمودند که پس از هجرت خراب و بکلی از بین رفته است.

کرانه این خلیج آنچه بطرف خور و رودخانه است بکلی خانگی ولی قسمتی که بطرف باختر است سنگی است خود منطقه در نزدیکی کرانه قدری مرتفع است بطوریکه مسجد و قبرستان گواتر در روی مرتفع ترین نقاط آن واقع گردیده است ولی از این محل بطرف شمال هر قدر پیش میرود پائین رفته و با شیب ملایمی بطرف زندانی و

دشتیاری امتداد مییابد و در اطراف گواتر در ۱۲ کیلومتری پسا بندر واقع شده که در کرانه و دارای ۶۰ خانوار زندگانی اهالی آن از صید ماهی میگذرد.

در ۴۰ کیلومتری شمال باختری این محل آبادی زندان که دارای ۲۰۰ خانوار است واقع شده که از آنجا معاברי بطرف دشتیاری - باهور کلات - امتداد مییابد این مناطق بخصوص راه بطرف دشتیاری پوشیده از جنگل های گز نخلستانهای زیاد است. فعلا این بندرگاه با هیچیک از نقاط دارای ارتباطی نیست چه بهیچوجه کشتی یا قایقی از این محل عبور نمینماید.

تلفن و تلگرافی در این محل وجود ندارد - و پستگاه این محل حتی برای احتیاجات خود ناچار است به پسا بندر یا زندان مراجعه نمایند بهمین مناسبت وضعیت کنونی این منطقه قابل توجه نبوده و تا وقتی خالی از سکنه است نمیتوان اهمیتی برای آن چه از لحاظ نظامی و چه اقتصادی قائل شد و فقط از لحاظ بودن در کنار مرز و مجاورت بندر جنوری مورد دقت است

چاه بهار

بندر چاه بهاریکی از بهترین بنادر کرانه جنوب کشور شاهنشاهی محسوب شده و از هر لحاظ موقعیت مناسب و خوبی را برای ترقی و توسعه خود دارا مییاشد و بطور اختصار میتوان بدلائل زیر اهمیت این بندرگاه را در نظر مجسم ساخت.

۱ - در کرانه جنوبی ایران بنادر داخلی خلیج با آنکه نزدیک تر بداخله فلات و کشور بوده و مسافت آنها در حدود ثلث مسافت این بندرگاه تاطهران و نقاط حساس داخلی است معینا ملاحظه میکنیم در داخل یک دریای بسته واقع شده اند که در صورت ممانعت دخول در خلیج بیکى از جهات عدیده ملاحظه خواهد شد که آزادی تامی برای

ارتباط با کشور های جهان در دست نخواهد ماند خاصه آنکه از چندی قبل باین طرف در رأس موز اندام ساختمانهای شده و باتیه این مبداء جدید دریائی منجر خلیج را باز تاحدی تحت نظر و اختیار قرار داده اند و با این مبداء جدید مدخل خلیج همیشه ممکن است تحت کنترل و بازرسی قرار گیرد پس این آزادی و ان استقلال واقعی که از يك بندرگاه انتظار میرود این بنادر دارا نخواهد بود در صورتیکه چاه بهار رو بطرف اقیانوس هند و در يك منطقه کاملاً بازی واقع شده که بهیچوجه مسدود کردن یا تهدید ارتباط آن مثل بنادر داخله خلیج فارس مقدور نخواهد بود و از همین رو از لحاظ آزادی عمل میتوان این بندرگاه و بندر جاسک را ازاد ترین بنادر کشور شاهنشاهی در نظر گرفت .

۲ - بندر چاه بهار در داخله خلیجی واقع شده است که عرض آن در حدود ۶۰ میل و طول آن در ۴۰ میل عمق آب در نقاط مختلف کاملاً مکفی و در حقیقت يك بندر حاضر برای تهیه و ترقی میباشد بطوریکه فعلاً در این کرانه کشتیهای بزرگ میتوانند تا يك کیلومتر و نیمی کرانه نزدیکتر گردند بدیهی است با عمق کنی و شن برداری خیلی بخوبی ممکن است بندر خوب و آزادی که دارای ارزش کاملی باشد تهیه کرد .

۳ - این خلیج بواسطه وسعت زیاد خود يك محل تمرکز خوبی برای ناو های نظامی و مخازن خواهد بود .

۴ - از لحاظ ترانزیت و ورود اجناس به کشور شاهنشاهی بهترین نقاط محسوب شده مخصوص برای عبور مال التجاره کشوری مثل افغانستان که فاقد کوچکترین ارتباط دریائی است و مجبوراً مال التجاره این کشور بطریق ترانزیت بایستی عبور کنند بهترین وسیله مطمئن و بی اندازه قابل استفاده خواهد بود و ممکن است تمام هزینه که برای تهیه و مرتب کردن این بندر صرف شود در اولین سال افتتاح خود تامین کرده و بدهد .

۵ - با اقدامات اخیر انگلیسها در تهیه بندر جنوری که در کرانه مکران از چندی ماه قبل شروع شده تهیه و ساختمان بندر چاه بهار خیلی مهم و قابل توجه خواهد بود چه

این بندر از لحاظ نظامی يك مبنای خوبی برای سوق قوا باشد این بندر بوسیله راه شوسه موازی بامرز باراه آهن کویته به نوکندی متصل میباشد .

باضافه ممکن است از لحاظ عبور کالای افغانستان با اسم ترانزیت استفاده شده بکار رود در هر حال باتوجهی که فعلا به ساختمان این بندرگاه شده با آنکه دارای تمام مزایای بندر چاه بهار نیست چه از لحاظ دارا بودن يك بندرگاه نظامی مستعد و چه از لحاظ تهیه يك بندرگاه برای مقابله و مبادله بندر چاه بهار از هر لحاظ خوب خواهد بود ایجاد این بندر مارا از تجارت ترانزیت از راه هندوستان و بنادر مربوطه بی نیاز میسازد محصرص برای قسمت خاوری ایران .

۶ - گذشته از جنبه نظامی این بندرگاه بواسطه وجود ماهی های مرغوب و خوب خود که يك قسم ماهی ساردین معروف است دارای يك بازار خوبی برای تهیه و توسعه شیلات بوده و میتوان باتوجه مختصری شیلات نا مرتب فعلی این بندرگاه را به يك شیلات مهم و قابل توجهی برای صادرات ماهیهای معروف تبدیل کرد .

بطور کلی خلیج چاه بهار سالم ترین نقاط خلیج فارس و بیشتر از سایر بنادر کشتی به کرانه نزدیک میشود - اراضی عمان و رأس کوه واقع در جنوب باختری از وزش باد های موسمی بطرف چاه بهار جلر گیری بعمل میاورد در جنوب خاوری چاه بهار يك موج شکن طبیعی بشکل يك تخته سنگ وجود دارد .

موقعیت نظامی بندرگاه

- بطوریکه ضمن بررسی زمین ملاحظه میشود خود بندر چاه بهار از لحاظ دفاع دارای موقعیت خوبی نخواهد بود .

در کرانه چاه بهار چیزی صکه بنظر میرسد آثار خرابه های قدیمی است که در محل به اسم قلعه نادری خوانده شده ولی از بقایای ساختمان معلوم شد از بناهای ساختمانهای پرتغالی ها است که گذشته از تهیه قلعه در تیس محلی در داخله قلعه در

روی يك تپه و دو منار بلند تهیه نموده اند که معلوم میشود برای دیدبانی و مراقبت بوده است طبق این آثار تاریخی و سایر شواهدی که در دست است ملاحظه میگردد در سوابق ایام بندر تیس بیشتر از چاه بهار بواسطه محفوظ بودن اهمیت داشته و مورد دقت بوده است امروزه هم بطوریکه ضمن بررسی ملاحظه میشود اگر تیس دارای عمق مدفی برای نزدیک شدن کشتیها باشد از چاه بهار خیلی محفوظ تر و برای بندرگاه شاید مرغوب و با ارزش تر باشد چه چاه بهار درست سر دماغه واقع و از دو جناح همیشه مورد تهدید واقع خواهد شد و باضافه خط ارتفاعات که اولین مواضع را بطرف کرانه تهیه کرده است ۴ کیلو متر دور تر واقع شده است و در خود چاه بهار در مجاورت کرانه جز يك دو رشته تپه که بیش از يك تا دو متر ارتفاع ندارد وجود ندارد.

پس بطور کلی از لحاظ بندرگاه بندر تیس شاید محفوظ تر از چاه بهار باشد ولی دفاع داخل خلیج بواسطه چاه بهار بایستی تأمین گردد که بواسطه مساعد نبودن کرانه احتیاج به يك آرایش زمینی و يك استحکامات محلی دارا خواهد بود.

اقدامات لازمه برای ترقی و عمران چاه بهار

۱ - در درجه یکم تهیه يك راه خوب قابل استفاده برای چاه بهار، چه راه فعلی چاه بهار بر عکس راه های مکران مرزی و سراوان جز يك قسمت مختصر آن که در بیابان و نقاط خطرناک (شن روان) واقع شده همیشه از نزدیک و مجاورت آبادیها گذشته و در همه جا میتوان آب بدست آورد.

ولی این راه از داخله تنگه ها و مسیر رودخانه هائی عبور کرده که اکثر درز مستان و مواقع بهار بواسطه طغیان بکلی مسدود شده و عبور و مرور مقدور نیست پس در اولین درجه اهمیت تهیه يك راه اساسی پر عرض برای این منطقه لازم خواهد بود چه در جاده فعلی حرکت بسرعت مقدور نبوده و بواسطه عبور از بستر رودخانه ها و تنگه ها نیز اکثر مسدود خواهد بود.

۳ - گذشته از راه اصلی که بطرف ایران شهر ممتد میشود تهیه راه گواتر و جاسک که راههای کرانه است جهت در نظر گرفتن دفاع کرانه خیلی مهم و قابل توجه است و طبق تحقیقاتی که در محل شده تهیه و ساختمان این جاده ها بواسطه مسطح بودن کرانه عدم وجود موانع مهمی آنقدر ها مصادف با اشکالات نخواهد شد.

- تهیه بندرگاه و اسکله مخصوصی برای پذیرفتن کشتیها که فعلا وسیله نیست .

- بالاخره آماده کردن دفاع کرانه.

بعضی توضیحات راجع به چاه بهار

جمعیت - ۲ هزار نفر مذهب سنی حنفی و همه بلوچ و در حدود یکصد نفر از سیاه های زنگباری وجود دارد اهالی خیلی تنبل عموما بی سواد و شغل آن ها ماهی گیری است.

کار خانجات ندارد .

صنایع محلی - حصیر بافی

محصول در خود چاه بهار وجود ندارد و در دشتیاری که از ۲۴ کیلومتری شروع میشود زرت ماش عدس جو کمی گندم هندوانه خربوزه پنبه .

اغنام و احشام - در حدود دویست گاو و پانصد گوسفند و بز ولی بواسطه نبودن علف لاغر و شیر مکفی نداشته و اغلب صاحبان آنها به حیوانات پنبه دانه و خرما میدهند.

وسائط نقلیه - وسائط نقلیه منحصر فقط بشتر میباشد.

راههای مهم عمده - راه اتومبیل رو فقط منحصر بجاده نیک شهر و ایران شهر میباشد راه دشتیاری که فعلا پیاده روستا اگر گردنه نیل جزئی مرمت شود تا مرکز دشتیاری اتومبیل رو میباشد - راه پیاده رو کرانه بطرف جاسک که فقط در عرض راه تا جاسک به چندین تپه شنی و مختصر ارتفاعات و مسیل هائی که اغلب دارای درخت میباشد برمیخورد اگر مرمت بشود قابل اتومبیل رانی است راه کرانه از سریس

تا گواتر این راه هم با جزئی تعمیر اتومیل رو میباشد.

فرودگاه طیارات انگلیسهای سابق در چاه بهار بوده فعلا متروك ولی فرودگاه جاسك كه دارای موقعیت بسیار مناسبی است فرودگاه طیارات فرانسوی و هلندی و اغلب طیارات میباشد.

كشتیهائی كه وارد این بندر میشوند - دو دسته هستند يك دسته از كراچی به چاه بهار بعداً به مسقط و بندر عباس و سایر بنادر دسته دیگر از كراچی به مسقط و جاسك و بندر عباس و سایر بنادر كه هر پانزده روز يكمرتبه وارد می شود و در مقابل صادرات ماهی برنج اجناس خرازی آلات و سایر چیزها نیز وارد میكنند كشتیهای سه هزارتنی تا يك كیلو متر و نیم بكرانه نزدیک میشوند.

يك ساختمان تلگرافخانه انگلیسیها میباشد كه ۸۰ سال قبل ساخته شده و در محل دیده میشوند

خازن مهمه - فقط انبار شركت نفت میباشد.

كارهای لازم برای آبادی محل - ایجاد قنات - احداث راههای اتومیل رو دشتیاری تا مرز تا با هوكلات و خط کرانه تا گواتر و جاسك -

آب و هوا و رودخانه های مهمه - آب و هوا مرطوب بهار و تابستان و ماه اول پائیز گرم و فوق العاده مرطوب و بقیه سال هوا معتدل رودخانه ها آب دائمی ندارند و در مواقع بارندگی مسیلهای دارای آب میباشد رودخانه های مهم عبارتند از رود باهوكلات كه از كوههای سرباز سرچشمه میگیرد رود كاجود دشتیاری كه از كوههای قصر قند سرچشمه میگیرد رودهای كالك و رایج كه از كوههای بنت سرچشمه میگیرد باران دردی و بهمن و اسفند بطور رگبارهای شدید و برف وجود ندارد.

۱ - کرانه های مكران از گواتر تا جاسك بهیچ وجه بریده نبوده و در اغلب نقاط کرانه میتوان از ناوهای جنگی و غیر جنگی عده پیاده نمود.

- ۲ - تلگراف زیر دریائی هند و اروپ که از هند و ... نقطه متصل بود در چهار سال قبل بوسیله انگلیسها جمع آوری شده است .
- ۳ - در چاه بهار کشتیها که دارای ۶ متر آب میباشند تا دو کیلو متر میتوانند نزدیک ساحل بشوند - خلیج سمت چپ چاه بهار ۶۰ کیلو متر میباشد .
- ۴ - تعداد قایق شراع دار از ده تجاوز نمیکند و گنجایش بیش از ۶۰ نفر را ندارند .
- ۵ - قایق متوسط گنجایش بیست نفر زیاد تر ندارد .
- ۶ - سکنه متجاوز از دوهزار نمیباشد ابدأ دارای باغات و نخلستان نبوده فقط معدودی درختهای جنگلی از قبیل تمر هندی - کنار - لور - انجیر هندی - نخل و چند عدد درخت نار کیل و چند عدد درخت انبه در خانه ها وجود دارد .
- صادرات فقط پنبه بداخله کشور - گاهی بخارجه میباشد .

وضعیت نظامی بندرگاه

بطوریکه ملاحظه شد برای دفاع خلیج چاه بهار در دست داشتن دو پیشرفتگی خاک در دماغه های طرفین چاه بهار که در یکی از آنها ارتفاعات کنارک دیده میشود خیلی مهم و قابل توجه است

چون رشته ارتفاعات، عقب چاه بهار پس از يك دائره بزرگی در ۲۰ کیلو متری چاه بهار بدریا خاتمه مییابد لذا امکان دور زدن چاه بهار از طریق خاور ممکن است رخ دهد .

بدون در دست داشتن ارتفاعات کنارک دفاع چاه بهار و در دست داشتن چاه بهار عملی مشکل و بدون نتیجه خواهد بود .

اطلاعات کاملتری راجع به ارزش بنادر مکران

برای آن که راجع به بنادر مکران اطلاعات کاملتری که از لحاظ نظامی مورد استفاده باشد داده شود شرحی راجع به وضعیت خلیج ها و وضعیت آب مشروب داخلی این

نقاط درج میشود.

بنادر عمده مکران جاسک چاه بهار تیس گواتر و کلاک هستند.

جاسک - دارای دو لنگرگاه است خاوری و باختری که در مقابل هر دو بناء تلگرافخانه ظاهر است کشتیهای بزرگ معمولاً در خلیج باختری يك ميل و نیمی لنگر میافکنند - و قایق ها در مواقع طوفان در خلیج خاوری توقف مینمایند زیرا طوفان از طرف باختر جاسک بلند میشود و در نیم میلی کرانه میایستند که در موقع خطرات به کرانه برده شوند.

کرانه - جاسک دارای پست و بلندی و اراضی آن شزار است يك قسمت مرداب یا لجن زار در اراضی پست خود جاسک وجود دارد يك چراغ کوچکی برای روشنائی که تا هفت ميل در دریا دیده میشود در ۱۹۲۰ ساخته شده و عقب آن بنای تلگرافخانه واقع است جز رو مد دریا فوق العاده بالا میآید که با کشتی میتوان بکرانه پیاده شد بار تفاع ۶ پا جز رومد داشته و جریانهای ممتد خطرناکی ندارد.

قوای نظامی در هوای خوب میتوانند در هر نقطه کرانه در خلیج پیاده شوند ولی برای قسمت حمل و نقل و بار باید در يك یا دومیلی تلگرافخانه بکرانه آورده شود پیاده نمودن در خلیج باختری بواسطه بادهای شدید که از شمال باختری به جنوب باختری وزیده میشود و امواج شدید دریا قابل احتیاط است بعد از ظهرها این باد شدت دارد ولی معمولاً از ماه مهر تا ماه اسفند ادامه دارد شغل عمده اهالی قایق رانی و چند قایق بزرگ شراع دار است این قایق ها ۶ رقم است که از ۱۸ الی ۲۸ تن باگیری داشته و متعلق به بندر است.

احشام شتر و اسب از کشتی بکرانه یا از کرانه به کشتی از آب میروند و وسایل و لوازمات ساختن يك لنگرگاه کوچکی برای ایستگاه قایقها نیز وجود ندارد - يك قلعه کهنه که دارای ۲۴ اطاق است وجود دارد قلعه واقع شده است در ۵۰

متری خلیج عمارت تلگرافخانه دارای ۱۸ اطاق بزرگ است بطول ۳۲ پا در ۱۶ پا و ۶ اطاق کوچکتر بطول ۳۲ پا در ۸ پا در ۳۰۵ متری و ۴۰۰ متری خلیج - يك مكان مسطحی در نزدیکی خاور تلگرافخانه برای بار انداز تهیه شده خاك آنجا سفت است غیر از مواقع بارندگی - علوفه در آن حدود تا مسافت های زیادی وجود ندارد. تلگرافخانه هند و اروپا موقعیت مهمی سابقاً دارا بوده چه مربوط بود با مسقط - در نزدیکی جنوب خاوری تلگرافخانه به کابل دریا اتصال پیدا مینمود - بهمین مناسبت در آنجا يك لنگرگاه مخصوصی است که در روی لوحه ای نوشته شده است - کشتیها در آن مكان نباید لنگر انداخته یا عبور نمایند .

آب مشروب از چاه کشیده میشود در نزدیکی بناء تلگرافخانه سه بر که بزرگ موجود است که در مواقع بارندگی آب جمع میشود .

يك چاه متعلق به تلگرافخانه در ۳/۴ میل فاصله حفر شده در همان نزدیکی يك چاه دیگر احداث شده است که ارتباط با آن چاه دارد سه بر که بزرگ که در آنجا موجود است بایستی از آب باران سال قبل انبار شده باشد .

آب گوارای خوب جهت ۲۰۰ سرباز برای يك هفته در يك چاهی که واقع در ۱ میلی خلیج است پیدا میباشد .

ده جاسك عبارت است از ۲۸ خانهای كوچك سنگی و ۷۵ خانه چوبی حصیری در فصل زمستان مرض مالاریا زیاد است طوفان های ریگی فوق العاده زیاد است - در حرارت گرما در سه ماه تیر - مرداد - شهریور ۹۶ درجه است میزان بارندگی در سال ۱۴۰۴ انج است قریه جاسك قدیم قریب ده میل فاصله در شمال جاسك جدید است - این قریه دارای ۶۰ خانه سنگی و گلی است اهالی این جا به تعداد ۵۰۰ نفر باوچ و سیاه هستند که شغل آنها زراعت و ماهی گیری است جاسك قدیم راه عبور به داخله است .

چاه بهار

لنگر انداختن کشتیها در چاه بهار در موقع تلاطم و وزیدن بادهای جنوبی دریا خطرناک است - کشتیهائی که دارای ۲۰ پا عمق آب دریا هستند میتوانند در هوای آرام در دو میل فاصله از کرانه خلیج لنگر بیندازند مسافت دور خلیج تا چاه بهار ۷۲ میل است در موقع وزیدن بادهای تلاطم آب دریا کشتیهای بزرگ باید بیش از یک میل مسافت لنگر افکندند - برای دخول به خلیج چاه بهار سدی نیست که از باد محفوظ بدارد - کرانه جنوبی که چاه بهار واقع است سنگی و بریدگی هائی از سنگ دیده میشود بارتفاع ۱۰ الی ۵۰ پا کرانه شمالی شزار و طول آن متفاوت از ۱۰ تا ۵۰ پا ارتفاع دارد - آبهای شمالی خلیج کم عمق هستند با استثناء یک مسافت ۸۰۰ متری طرف مخالف چاه بهار نقطه ای که در آنجا کشتیهائی که ۶ پا بیشتر عمق ندارند میتوانند تا بیست ذرعی کنار کرانه نزدیک شوند در موقع جزر دریا (کمی آب) امواج در موقع تلاطم دریا در کنار خلیج خطرناک نیستند و قایق یا کشتیهای کوچک میتوانند بدون زحمت پیاده کنند حمل و نقل بارگیری از کشتیهای تجارتی در مواقع وزش بادهای غیر ممکن است جریان آب تندی وجود ندارد - ارتفاع جزر و مد دریا قریب ۹ پا میشود یک چراغ تأمین بارتفاع ده پا از بالای پشت بام دفتر تلگرافخانه روشن و تا مسافت ۵ میل در دریا مشاهده میشود -

- برای پیاده شدن سهل ترین نقاط ۸۰۰ متری مسافت قسمت لنگرگاه خط مخالف قریه است آنجا وسائل لازمه موجود نیست ولی بوسیله لنگر ممکن است در ۸۰۰ متری باختر عمارت تلگرافخانه محلی برای فرود آمدن تهیه نمود

چاه بهار مهمترین بندر تجارتی کرانه مکران محسوب میشود بواسطه مرکزیت داشتن محل ورودی اجناس خارجه برای داخله همچنین که برای بنادر کوچکی که بین جاسک

و گواتر واقع شده اند - منظره چاه بهار مربع است اطراف آن تا مسافت ۵۰۰ متر خانه های سنگی و گلی ساخته شده است طرف جنوب باختری شهر بنا ها تا مسافت ۱۰ الی ۲۰ متر موازی با کرانه است - بنای تلگرافخانه از سنگ مخصوص ساخته شده و بقاصله ۳/۴ میل بطرف جنوب شهر و ۱/۴ میل دور از فرودگاه کرانه واقع است زمین مسطح خوبی برای بار انداز اردوگاه در قسمت شمالی عمارت تلگرافخانه تهیه شده است - هوا همیشه خوب و معتدل است غیر از دو ماه خرداد - تیر که در آن موقع طوفان جنوب باختری هوا را فوق العاده گرم و غیر قابل تحمل مینماید در اینصورت گرما بدتر از جاسک و خود خلیج خواهد بود - امراض عمده مالاریا و اسهال خونی است - بارانهای خیلی شدیدی از آذر تا ماه بهمن نازل میشوند - میزان بارندگی در سال تقریباً ۴۰۰ است - سه چاه آب وجود دارد یکی در خود شهر و دو چاه دیگر در نیم میلی شهر در یک باغی واقع است یک چاه تعلق به تلگرافخانه دارد که بوسیله تلمبه در یک برکه عملی شده و از آنجا بوسیله لوله به تلگرافخانه جاریست - یک چاه دیگر پیادگان شهر داده شده است که آب آنرا بوسیله قاطر حمل نموده و در سه (تانک) که هر یک گنجایش ۵۰۰ لیتر را دارد انبار و مصرف مینماید - هر سه چاه زود آب تولید و فرو میرود - و مقدارش برای مصرف یک گردان تکافو مینماید - چاههای دیگر هستند که آبش شور و برای مصرف اهالی شهر کفایت نمینماید .

۱-۱ میل در داخل خاک و واقع در دره ای بطرف تپه های کنار کرانه - بقاصله کمی در شمال خاوری قلعه یک مقبره سفیدی است که گلدسته آن از دور علامت قشنگی است در دریا - صادرات عمده روغن و پنبه و جو خیلی اعلا است که آنهم بواسطه خشک سالی های اخیر کم شده است و ارداتش پارچه - ابریشم - و خوراکی است .

کشتی کمپانی که بین بمبئی و بصره کار میکنند در پانزده روز یکمرتبه برای دریافت پست بآنجا وارد میشود .

تیس

يك دهكده كوچكى است داراى پانزده الی بیست خانه حصیری كه محل سكونت ماهی گیرى ها است - تیز واقع است در دهنه دریائی در شمال جلگه كه تپه هاى زیادى بین آن و چاه بهار بمسافت $\frac{۱}{۴}$ ۳۱ میل واقع شده است در مواقع ضرورى و احتیاج يك مبنا عملیاتی خوبى خواهد بود در مواقع آرایش دریا كشتى ها میتوانند به تعداد زیادى در دو میلی کرانه آن لنگر بيفكنند کرانه بین چاه بهار و نقطه بندر تیس بواسطه خانمه یافتن جلگه در نقطه تیس این جلگه كه در تمام کرانه به ارتفاعات قریب ۱۵۰ پا مشاهده میشود در نقطه تپه و تیس داراى نشیب كمى است تا آب دریا و کرانه آنجا شنزار و از همان نقطه تشكيل درهئى میدهد به داخل خاك كه در شمال بندر تیس واقع میگردد بندر تیس فقط برای ورود آذوقه مناسب است داراى $\frac{۳}{۴}$ میل طول و ۱۰۰ ذرع عرض است كه بهرور سرازیر شده تا آب دریا ساحلش شنزار و سهل است برای فرود آمدن - كشتى ها نيكه داراى پنج پا عمق در آب هستند میتوانند تا بیست مترى ساحل نزديك شوند - وسائل راحت پیاده و سوار شدن فراهم نیست ولی ممكن است بواسطه سنك زیادى كه در نزديكى است محلى تهیه شود - آب شیرین از سه چاهى كه در عمق رودخانه حفر شده است بدست میآید چاههای دیگرى میتوان حفر نمود .

گوانر

قریه و دهنه رودخانه دشتیاری چیل در خاك ایران است ولی بندر مخصوص ندارد خطوط عبور و مرور كم عمق و نا مناسب برای كشتیهای بزرگ است در دو میلی کرانه چهار محل برای لنگر گاه كشتیها تعیین شده است - ساكنین متعلق به طائفه مائید بوده اند

گلدك

ده كوچكى است داراى پانزده خانوار ماهی گیر در خانهای حصیری واقع در

خاور شعبه خاوری مصب رودخانه رایج بمسافت ۷۰۰ متر از دهنه رودخانه - لنگرگاه در سه میلی از کرانه ده تعیین شده است پنج کشتی بادی ۲۰ تنی برای تجارت با مسقط قشم و سایر نقاط موجود - يك زمين خوبى برای پیاده شدن در سمت خاور دهنه رودخانه تهیه شده است اشخاص میتوانند بدون اینکه به آب بزنند پیاده شوند کشتیهای شراع دار بادی میتوانند در موقع اواسط بالا آمدن آب دریا (مد) داخل شوند .

در موقع امواج زیاد دریا بهترین محل فرود آمدن در $1\frac{1}{4}$ میل خاور دهنه است و در موقع تلاطم زیاد دریا پیاده شدن مشکل است .

آب انبار های کم عمق که از آب باران تولید و حفر میشود خوب است ولی در اکثر کم بوده است يك نخلستان کوچکی در نزدیکی ده است ولی اهالی بایستی از ماهی گذران نمایند و چیز دیگری غیر از چند عدد احشام وجود ندارد .

در اطراف چندین خلیج با دهنه های كوچك دیگری هستند که فقط راه عبور و تردد ماهی گیر ها و قاچاقچیان است

فصل هشتم

جاده‌ها و خطوط مواصلات مکران

يك منطقه وسیع و بزرگی مثل مکران با وضعیت خشك نداشتن منابع محلی در اولین درجه احتیاج به معابر و خطوط مواصلات خواهد داشت تا در يك عملیات احتمالی بتواند احتیاجات ارتش را مرتفع ساخته و رسانیدن احتیاجات و لوازمات ارتش را تأمین سازد - جاده‌های این منطقه در اکثر نقاط در قسمتهای صاف و جلگه گذشته و بدیهی است باین طریق تهیه آن دچار اشکالات نشده است در اکثر نقاط بمحض برخوردن به ارتفاعاتی جاده‌ها را متوجه مسیر رودخانه‌ها نموده و در مسافت زیادی از وسط رودخانه‌ها عبور داده اند اکثر این مسیر ها که از داخله رودخانه‌ها میگذرد شاید ۱۰ تا ۲۰ کیلو متر وحتى در بعضی نقاط خیلی بیشتر خواهد بود - جز در محل دخول و خروج از این مسیرها درین راه به چوچه معابر و نقاطی برای خروج از رودخانه‌ها بواسطه بلندی دیوارهای طرفین نیست و ناچاراً از بدو ورود تا خروج خود در يك دالان تنگی بایستی راهپیمائی کند که در بعضی نقاط خیلی خطرناك و در بعضی نقاط دیگر حتی راه برای رد شدن خودرو نیست خطر دیگری که باز ممکن است در موقع خود خیلی مهم و قابل توجه واقع گردد موضوع سیل است که اگر غفلتاً باران شدیدی جاری سبلی شروع شود هر گونه وسائلی در داخله این معابر باشد قطعاً و بدون هیچ تردیدی طعمه سیل شده و بدون کوچکترین اقدامی بایستی از دست داده شود .

از لحاظ بمباران و خطرهای هوائی نیز این دالان‌ها بدترین دام محسوب خواهد شد . حال اگر این وضعیت در بعضی مناطق از قبیل جالق یا کوهك که هنوز جاده‌های مهم و مرتبی ساخته نشده قابل توجه و مورد نظر نباشد ولی در راه چاه‌بهار که معبر

مهمی است و در خط زاهدان بطرف حرمك خیلی قابل توجه و مورد دقت بایستی قرار گیرد چه خطوط موصلات بزرگترین احتیاجات این منطقه محسوب شده فقط بوسیله تحرك قسمتهاست که میتوان ضمن اجرای مانور عملیاتی در مقابل اقدامات طرف معمول داشت .

باضافه بعضی معابر و خطوط است که از لحاظ تکمیل احتیاجات مکران خیلی لازم بنظر میرسد در خاتمه نظر به اهمیت مخصوصیکه برای چاه بهار بنظر میرسد تهیه جاده شوسه چاه بهار که دارای بهترین نتیجه بهره برداری باشد خیلی بسوقع و از احتیاجات اولیه منطقه محسوب میشود چه اتصال این بندرگاه هر قدر از حال به مرکز کشور و نقاط داخلی تأمین شود بهمان اندازه از این بندرگاه بیشتر میتوان استفاده کرده و انتظار داشت برای آنکه فکر کلی نسبت بسرعت اتومبیلرانی در جاده های مکران داده شود تا بلونی که حاوی مدت لازم برای طی ساعت بین نقاط مکران است پیوست میشود .

سرعت طی مسافت با خود رو سواری متوسط در جاده های مکران

در اردیبهشت ماه ۱۳۱۸

ملاحظات	مدت لازم برای عبور	مبدأ و مقصد
شوره گز قسمت خیلی حساس و سخت این منطقه است که در مدت ۳ ساعت میتوان عبور کرد	۹ ساعت	بم به زاهدان
راه نسبتاً خوب دارای گردنه مهم و قابل توجه نیست	۴	زاهدان به خاش راه شوره گز
گردنه کاواندر قسمت حساس جاده است	۵	خاش - ایرانشهر
قسمت حساس شنزار مجاور اسپکه است	$۸\frac{۱}{۲}$	ایرانشهر - نیکشهر
گردنه های مهمی نیست	۶	نیک شهر - چاه بهار
	۱۱	از چاه بهار به جاسک از راه دریا
	۱۷	جاسک - گوانر
	$۴\frac{۱}{۲}$	گوانر - چاه بهار
	۳	نیک شهر - قصرقند
	۴	خاش - سراوان
	$۳\frac{۱}{۲}$	سراوان - جالق
	۵	جالق - کوهک
	$۳\frac{۱}{۲}$	کوهک - سراوان
	۳	خاش - میرجاوه
	$۲\frac{۱}{۲}$	میرجاوه - زاهدان
	۵	زاهدان - زابل

جاده های مکران

جاده های اتومبیل روی مکران رامیتوان بشرح زیر ذکر نمود :

جاده شوسف زاهدان

جاده های زاهدان خاش

جاده های - نفوذی - خاش ایرانشهر چاه بهار

- جاده نيك شهر قصر قند

كوهك }
جالتق } - جاده خاش سراوان

- جاده های عرضی - بین مکران و کرمان - از رابم خاش
راه بم زاهدان

اینك يكايك جاده های نامبرده را تشریح مینمائیم

جاده عرضی از شوسف تا زاهدان

جاده از نقطه نظر جغرافیائی

شوسف - شوسف يك آبادی در ۲۹۷ کیلو متری زاهدان است که دارای پست و تلگراف و پست امنیه و راه میباشد . سکنه در حدود ۳۰ خانوار محصول جو و گندم که برای رفع - احتیاج سالیانه اهالی میباشد . طبق اظهار ساکنین تعداد حشم موجوده را در حدود چهارصد عدد میتوان تخمین زد .

جاده هائیکه از شوسف میگذرد بشرح پائین تعیین میگردد :

۱ - جاده همگانی بیرجند به زاهدان .

۲ - جاده مال رو که از ارتفاعات سفید خوله بسمت خاور عبور کرده و به آبادی ذغال نصرالدین میرود.

۳ - جاده مال رو که از بین ارتفاعات باختری خوری به حنیص میرود.

۴ - جاده مال رو که از دامنه جنوبی ارتفاعات خور بطرف نه بندان میرود . در شوسف انبار های خرابه و عمارت سابق انگلیسها دیده میشود . جاده پس از عبور از آبادی شوسف و طی دو کیلومتر مسافت از دیان تپه های خاکی وارد جلگه مسطح بی آب و علف کاملی میگردد که با شیب ملایم بطرف جنوب کشیده شده هر دو طرف جاده دارای ارتفاعات میباشد . ارتفاعات سمت راست (باختری) عبارت از ارتفاعات خوری که با مسافت ۵ الی ۶ کیلومتری جاده خط سیر خود را تعقیب میکنند دیگر ارتفاعات سمت چپ که با دارا بودن مسافت بین ۱۰ الی ۱۵ کیلومتری به خط سیر خود ادامه میدهد.

در دامنه های ارتفاعات باختری آبادی های زیرین از دور دیده میشود.

۱ - همد

۲ - خونیک بالا

۳ - قویات

۴ - ابراهیم آباد

۵ - اردیا

پس از آن جاده به آبادی قائم آباد پس از طی ۱۰ کیلومتری میرسد.

قائم آباد در ۲۸۷ کیلومتری زاهدان واقع دارای ۱۵ خانوار محصول مختصری از جو و گندم که احتیاجات اهالی را تامین مینماید.

جاده پس از خروج از قائم آباد امتداد خود را بطور مستقیم رو بخوب در يك جلگه مسطح (صحرای کویر) - تعقیب نموده ارتفاعات خوری (سمت راست) رفته

دورتر میشود . ارتفاعات سمت چپ (خاور) تشكيل يك قوسی داده که باسم کوه شاه دزدان نزدیک بجاده میشود که در دامنه آن آبادی خوشاره واقع است که (خانه شرف) نیز نامیده میشود .

خوشاره یا خانه شرف در ۲۶۸ کیلو متری زاهدان و ۱۹ کیلو متری قائم آباد واقع، دارای ۸۰ خانوار سکنه و زراعت گندم و جو در حدود ۲۰۰ خروار، حشم در حدود ۳۰۰ عدد و از نقطه نظر بهره برداری چیزی ندارد . این آبادی دارای انبار هائی است که بوسیله انگلیسها بنا گردیده و ضمناً آثار قلعه خرابه قدیمی روی ارتفاعات شاه دزدان دیده میشود .

جاده پس از عبور از خوشاره رو بجنوب خط سیر خود را تعقیب لکن در این مرتبه ارتفاعات سمت چپ بمرور دور شده و ارتفاعات سمت راست بطور قوسی نزدیک میشود که پس از طی ۹ کیلومتر به قریه خونیک میرسد .

خونیک - خونیک در ۲۵۷ کیلو متری زاهدان واقع که میتوان حد فاصله بین استان هشت و نه محسوب داشت دارای ۵۰ خانوار سکنه زراعتشان گندم و جو میباشد . ارتفاعات خاوری در این محل باسم کوه باران نامیده میشود آثار ساختمان های انگلیس نیز وجود دارد

جاده پس از خروج از خونیک از بین يك رشته تپه ماهورهای (با کم و بیش ارتفاع) که بعمق ۴ کیلو متر گذشته و با عبور از يك گردنه نسبتاً كوچك دفعه‌تاً وارد کویر شده و خط سیر خود را بطرف جنوب ادامه میدهد (گردنه مزبور از نقطه نظر عملیات تاخیری حائز اهمیت میباشد) در سه کیلو متری این گردنه بریدگی از خاور به باختر بعرض ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر بعمق دو متر میباشد .

جاده در اینجا از هر دو طرف محصور بدورشته کوهستان کم ارتفاع میشود

که در راست جاده بمسافت بین ۵ الی ۸ کیلو متر و در چپ جاده بمسافت از ۳ الی ۵ کیلو متر که بموازات یکدیگر امتداد داشته و بهنسبتی که جاده پیش میرود ارتفاعات از هم دور میشوند. ضمناً بعضی ارتفاعات منفرد مشاهده میشود که گاهی جاده از وسط آنها عبور مینماید.

جاده پس از طی ۴۷ کیلومتری از خونیک به پاسگاه امنیه ماده کاریز میرسد که از زاهدان بفاصله ۲۱۰ کیلومتر قرار دارد.

جاده پس از آن بخط سیر خود ادامه داده و ارتفاعات خاوری بکلی ناپدید و کویر تا افق ادامه پیدا میکند در سمت راست جاده (باختر) ارتفاعات به مسیر خود ادامه داده تا به سفیدابه رسیده و پس از آن در يك جلگه به جنوب باختری پیش میرود ولی باز خط سیر خود را در سمت اولیه تعقیب تا متصل میشود به رشته کوههای ملك سیاه کوه و شمیدر.

سفیدابه -- جاده پس از طی ۳۵ کیلومتر از ماده کاریز به سفیدابه میرسد که در ۱۷۵ کیلومتری زاهدان واقع میباشد.

سفیدابه تشکیل میشود از يك پاسگاه امنیه و اداره راه و يك قهوه خانه و ۳ خانوار آب سفیدابه بوسیله يك لوله آب تامین میشود کلیه ساختمان فعلی متعلق به پادگانهای سابق انگلیسیها بوده است که وظائف امنیه را اجرا مینمودند.

جاده پس از طی ۴۷ کیلو متر از سفیدابه به دوراهی ملك سرخ که عبارت از پاسگاه امنیه و دارای مختصر آبی میباشد رسیده و در آنجا از رشته ارتفاعات تا اندازه زیادتر فاصله گرفته و پس از طی ۴۵ کیلو متر بدوراهی زابل میرسد از زاهدان ۸۳ کیلو متر و از زابل ۱۳۵ کیلو متر فاصله دارد.

جاده در دوراهی بسمت زابل در يك خط مستقیم سیر نموده تا بدره
شيله میرسد .

شيله - شيله عبارت از بریدگی یا مسیلى است از سیستان بسمت افغانستان کشیده
شده است بطوریکه هر موقع آب دریاچه اضافه شود بوسیله همین مسیل دوباره بخاك
افغانستان جاری میگردد .

عرض این بریدگی بطور متوسط ۷۰ متر و عمق آن تا ده متر بالغ میگردد .



حرمك و معبرى كه بطرف شوسف و زابلستان می‌رود

جاده از دوراهی زابل خط سیر خود را بسمت زاهدان تعقیب تا اینکه پس از
طی ۲۵ کیلو متر وارد منطقه کوستانی که تازاهدان ممتد است میشود .
جاده پس از طی دو کیلو متر بآبادی حرمك میرسد .

حرمك - حرمك در ۲۶ کیلو متری دوراهی زابل و ۶۵ کیلو متری زاهدان
واقع دارای ۶ خانوار و مختصر محصول گندم و جو دارای پاسگاه امنیه و تلفون میباشد
حرمك اولین مدخل کوستانی محسوب و نزد یکترین آبادیها بمرز میباشد .
این منطقه حاکیب چندین معبر را دارد .

۱ - راه زاهدان

۲ - راه کرمان

۳ - راه رباط.

که از داخل این منطقه عبور می نمایند . جاده بطور کلی از داخل يك خط الفقر
سیر نموده و از طرفین بوسیله ارتفاعات نسبتاً بلندی محصور میشود که دارای بریدگی
های با شیب زیاد و غیر قابل عبور است و فقط در دره های آن واحد های کوچکی را
میتوان حرکت داد.

حرمك سابقاً محل پادگان انگلیسها بود که برای تامین عبور و مرور و تقریباً
وظیفه امنیه را اجرا مینموده و هنوز ساختمانهای اصطبل و غیره آنها در این محل باقی
می باشد.



منظره ارتفاعات خاوری حرمك

حرمك

در اولین لحظه ورود به این منطقه ساختمانهای بسیاری که در روی ارتفاعات

است جلب نظر هریبنده را خواهد نمود بدیهی است فکر خواهد شد بچه مناسب در این نقطه تا این حد ساختمان شده پس از جزئی تحقیق پرسش راجع به سابقه تاریخی آن پی به اهمیت آن برده میشود.

حرمک - بطوریکه در نقشه منطقه ملاحظه میشود در ۵۶ کیلو متری زاهدان و ۱۱۹ کیلو متری سفیدابه واقع شده و در حقیقت نزدیکترین نقاط کشور ایران به خط مرز میباشد چه از حرمک تا مرز بیش از ۱۰ کیلو متر مسافت نیست.

این منطقه حاکیست چندین دره را در دست دارد چه راه زاهدان و راه کرمان از داخل این دره عبور خواهد کرد ارتفاعات بسیار از هر طرف این منطقه را احاطه کرده است و ارتفاعات با بریدگی های خیلی تند و غیر قابل عبور در هر طرف خاتمه یافته بطوریکه عبور از دره ها فقط مقدور بوده و سایر نقاط آن مثل آنستکه در قفسی واقع گردیده است.

انگلیسها در ۱۹۱۷ موقع تصمیم به تهیه و ساختمان جاده زاهدان تربت حیدری در اولین لحظه این منطقه را اشغال نموده و یک هنگ کامل در این نقطه گماردند که با بودن این قوا عملیات و حرکات آنها در جنوب مشهد و کرمان در آن واحد پوشیده شده و در ضمن با در دست داشتن این منطقه دوجاده را در دست داشته باشند بلوچها که تاحدی مخالف این تصمیم بودند در شب بطور غفلت حمله کرده در حدود ۱۰۰ نفر به ارتش انگلیس تلفات وارد ساخته باقی مجبور به عقب نشینی شدند بعداً باز باین نقطه آمده سربازخانه و اماکنی در اطراف آن تهیه کرده سنگرهای ساخته شد و بطور دفاعی استقرار یافتند در حله دوم کلیه قسمت پداده در سربازخانه فعلی متمرکز شده قسمتهای مهاربست رانیز در دره که بطرف زاهدان میرود در ساختمانهاییکه خرابهای آن باقی میباشد تمرکز داده بودند.

در ضمن برای آنکه از جناح چپ مطمئن بوده و بهتر خود را حفظ نمایند قوایی نیز در دهانه باغی قرار داده تلگرافخانه برای ارتباطات و مخابرات در این منطقه برقرار

شد - بطور کلی حرمك بواسطه نزدیکی بخط مزررو بواسطه وضعیت خود نسبت به جاده‌ها دارای اهمیت کامل بوده و حفظ و نگاهداری آن برای مواقع عملیات و حتی در موقع صلح از نکات لازم و واجب است .

پس از حرمك جاده در خط القعر خط سیر خود را ادامه داده و پس از ۸ کیلو متر بآبادی چاه ایوان که در ۴۹ کیلو متری زاهدان است میرسد این محل مرکز يك پست گمرک بوده و دارای باغات مختصری است .

سپس جاده داخل رشته جبال ملك سیاه کوه گردیده که در ۴ کیلو متری زاهدان واقع میباشد و پس از آن جاده از پاسگاه امنیه شمیدر ۳۳ کیلو متری زاهدان و گردنه شمیدر و گردنه گدار کبود و پاسگاه امنیه چهل بازار عبور کرده به پست گمرک چشمه ملا حسین که در ۲ کیلو متری زاهدان واقع محل انشعاب جاده نصرت آباد و کرمان میباشد عبور نموده وارد زاهدان میشود .

بطور خلاصه عمق این کوهستان که جاده در داخل آن سیر مینماید از دو کیلو متری حرمك تا چشمه ملا حسین تقریباً ۷۵ کیلو متر میباشد .

از نقطه نظر منابع محل

چنانچه در بالا وضعیت چند فقره آبادیهای مختصر این منطقه شرح داده شد ملاحظه میشود که این منطقه فاقد منابع محلی بوده در حال صلح خوار بار و گندم و جو مصرفی این بخش چه از نقطه نظر مایحتاج لشکر و چه از نقطه نظر مایحتاج اهالی از خارج تهیه بطوری که خوار و بار از مشهد و گندم و جو از سیستان تهیه میشود . موضوع مهمتر اینکه نه تنها این منطقه فاقد منابع خوار و بار میباشد فقدان آب نیز در این منطقه مزید بر سایر علل میباشد .

از نقطه نظر نظامی

با در نظر گرفتن مشکلات این منطقه از نقطه نظر نظامی و فقدان آب و گرمسیری

و وضعیت زمین آن که تشکیل یافته از صحرای بی‌آب و علف و کوه‌های عریان که بکلی عاری از هر گونه منابع محلی است اجرای عملیات نظامی فوق‌العاده مشکل و مستلزم تهیه‌های قبلی می‌باشد که بایستی قبلاً تهیه و در دسترس عده‌ها گذارده شود. مخلهائی که از نقطه نظر عملیات نظامی بنظر میرسد یکی ارتفاعاتی است که پس از خروج از خونیک تشدید يك گردنه کوچکی را میدهد که مسلط بدشت می‌باشد و برای عملیات تا خیری مناسب دارای دید خوب امکان دور زدن نیز موجود لکن فاقد منابع محلی می‌باشد.

مواضع دیگر در مناطق کوهستانی واقع خواهد بود که از حرمك شروع و در زاهدان خاتمه می‌یابد که از نقطه نظر وضعیت تدافعی مناسب و امکان دور زدن کاملاً مشکل بنظر میرسد. این موضع در مرحله اول روی گردنه‌گذار کبود واقع که دارای میدان دید بسمت زاهدان داشته و وحله دوم در گردنه شمیدر است که در داخل کوهستان می‌باشد.

(۲) جاده زاهدان به خاش

دو مرکز مهم مکران مرزی یعنی خاش و زاهدان بوسیله جاده‌های چندی متصل شده‌اند که هر يك دارای ارزش خاصی است و اینك شرح هر يك درج میشود. جاده زاهدان میر جاوه خاش - این جاده توسط انگلیس‌ها در ۷۰ سال قبل ساخته شده و دارای ارزش ارتباطی و اقتصادی می‌باشد ولی از لحاظ مجاورت فوق‌العاده ایله با خط مرز دارد دارای ارزش نظامی نخواهد بود این جاده بشرح زیر از نقاط مختلف عبور مینماید.

	تالارد	۱۵ کیلومتر
	از لار تا کچه رود	۱۷
	از کچه رود تا خانمحمد	۱۵
	از خانمحمد تا میر جاوه	۳۷
	از میر جاوه تا استخر	۵
	از استخر تا لادیز	۱۷
	از لادیز تا چشمه رضوان	۷
کیله مسافت ۲۰۷ کیلومتر	از چشمه رضوان تا سیاه جنگل	۱۲
	از سیاه جنگل تا پل سرشك	۱۳
	از پل سرشك تا سنكان	۱۷
	از سنكان تا لك	۱۴
	از لك تا چاه سكينه	۱۸
	از چاه سكينه تا دوراهی گوشه خاش	۷
	از دوراهی تا خاش	۱۲

این جاده در جلگه ساخته شده که گاهی ارتفاعات و سمت داخلی جلگه را زیاد و گاهی بواسطه نزدیک شدن بکلی آن را محدود ساخته در خانمحمد جلگه نسبتاً وسیع است چه ارتفاعات سمت راست بمسافت ۳ و ارتفاعات سمت چپ بمسافت ۸ کیلومتر واقع شده و خط آهنی که تا میر جاوه میاید جاده را متابعت مینماید در اینجا در جلوی ارتفاعات سمت چپ واقع شده است در میر جاوه جلگه وسیع میشود و از جاده تا ارتفاعات سمت راست ۱ و تا ارتفاعات سمت چپ ۳ کیلومتر است در این سمت باد زیاد و اکثر شنها را باهم مخلوط و حمل و نقل کرده جاده را بکلی مستور میسازد.

خط آهن تازه امدان باقی و در خاک شاهنشاهی تا میر جاوه مسیر آن ملاحظه میشود

پس از مداخله رسمی ایران در مکران کار راه آهن در ایران تعطیل و فقط تا نوکندی



مسیر راه آهن و امتداد ارتفاعات کجا کوه که خط مرز است

مربطاً کار مینماید در هر هفته روزهای سه شنبه راه آهن وارد شده و روزهای چهارشنبه مراجعت مینماید ۲۴ ساعته راه آهن تا کویته میر و داز کویته تا کراچی را معمولاً راه آهن در ۲ روز طی می کند عرض راه آهن $۱/۴۵$ متر میباشد چون در میر جاوه آب برای استفاده راه آهن و سایر احتیاجات وجود ندارد لذا در ۵ کیلو متری میر جاوه استخری بعرض ۳۰ و بطول ۴۰ و عمق ۴ متر ساخته شده که دو لوله بزرگ بقطر ۴۰ سانتیمتر از ۱۰ کیلومتری آب را وارد این استخر مینماید استخر با بتن و مواد کاملاً محکم ساخته شده که بطوریکه حالیه کاملاً خوب و بی عیب باقی مانده است از لحاظ تهیه آب بی اندازه قابل توجه است جاده پس از عبور از استخر تامدتی در مسیر خشک یک رودخانه ادامه یافته سپس در جناح چپ رودخانه میر جاوه امتداد میابد این رودخانه عمیق و دارای بریدگی های زیاد است در حدود ۲۰ الی ۳۰ متر و همیشه دارای آب

میباشد وضعیت منطقه در این قسمت دارای شکل خاصی است چه از پای ارتفاعات تا جاده رشته تپه های کم و بیش مرتفعی ملاحظه می شود که هر قدر بطرف ارتفاعات می رود مرتفعتر میگردد - کوه ها تمام سنگی است آب رود خانه شور میباشد - بعداً جاده به قلعه لادیز خواهد رسید این قلعه فعلاً خراب و دارای تعدادی خانوار است چند کیلو متری اطراف این قلعه تمام پوشیده از گیاه میباشد .

آب رضوان جویاری است شیرین که تا حدود ۳ الی ۴ سنک است و این آب بطرف لادیز می رود جویار در ته دره جریان دارد و در محل جویار ساختمان نیست . قبل از رسیدن به سیاه جنگل جاده از داخل دره ایکه میاندازه تنک و از طرفین بواسطه دورشته ارتفاعات سنگی مرتفع محدود شده میگردد و پس از سیاه جنگل جاده وارد جلگه نسبتاً بزرگی خواهد شد سپس جاده تا پل سرشک که پل چوبی و در روی بریدگی ساخته شده میگردد این پل در دره ساخته شده بعداً این جاده در يك جلگه نسبتاً صافی که دارای پست و بلندی و پیچ و خمهای زیاد است ادامه یافته و تا خاش پیش می رود .

بطوریکه در نقشه ملاحظه میشود این جاده بواسطه مجاورت باخط مرز دارای اهمیت نظامی زیادی نبوده و در هر لحظه ممکن است مورد تهدید قرار گیرد ولی از لحاظ اقتصادی و مجاورت باخط آهن و بواسطه مجاری آبها و چشمه هائی که در بین راه میباشد برای عبور و مرور جرکت خود روها خوب است گرچه جاده آنقدر ها مرتب نبوده خود روها به زحمت از آن عبور خواهند نمود .

از چندی باین طرف وزارت راه در مجاورت همین جاده يك جاده شوسه دیگری برای اتصال زاهدان به خاش تهیه نموده باسم گوهر کوه این جاده جدید از نقاط

زیر میگذرد.

۱۹۳ کیلو متر	۱۳ کیلو متر	دو راهی زاهدان
	۳۲	چین
	۳۱	عسگر آباد
	۵	ده بابید
	۲۴	میر آباد
	۴۸	قطار خنچیک
	۵۰	زاهدان

این جاده از دو جاده دیگر خیلی مسطح تر و بهتر است چه به چوچه تصادف با ارتفاعاتی ننموده و بلکه بطور صاف از نقاط مختلف عبور خواهد کرد.

براسطه واقع شدن در داخله کشور و دور بودن از مرز يك خط ارتباطی كاملاً خوبی است که دارای ارزش نظامی است چه گذشته از بودن در داخله کشور - و مسطح بودن يك جاده نسبتاً کوتاه تر است و ضمناً این جاده از پهلوی آبادیهائی عبور میکنند

محور زاهدان - خاش

از طریق گوهر کوه

زاهدان - این شهر در مبداء محور قرار گرفته در يك جلگه واقع شده است که از چهار سمت با ارتفاعات محدود میباشد نام سابق آن دزداب بوده پس از بین رفتن بساط ملوک الطوائفی زاهدان نامیده شده دارای ۳۰۰۰ نفر جمعیت و ۱۵۰۰ نفر آن از طایفه سیک ها و هندو میباشد و قبل از ایجاد اصول مرکزیت این شهر از لحاظ تجارت دارای اهمیت بسیاری بوده ولی امروزه از اهمیت آن بطور محسوس کاسته شده است.

زاهدان دارای اهمیت نظامی بسیاری است - زاهدان از طرف خاور درمخرج يك دهلیزی واقع شده است

این دهلیز به میر جاوه بالا خره بمرز رسیده مسافت زاهدان تا مرز بطور خط سیر مستقیم ۱۳ کیلومتر ولی از طریق میر جاوه ۷۰ کیلو متر است .
زاهدان در مرکز تلاقی چهارراهی بشرح زیر واقع شده :
زاهدان - خاش - (از طریق گوهر کوه)

زاهدان - نصرت آباد

زاهدان - مشهد

زاهدان در يك نقطه گره موصلات واقع شده است

در صورتیکه از طرف خاور بزاهدان دست یابند کلیه منطقه مکران بخطر می افتد .

در جنگ بین المللی انگلیسها در این نقطه تمرکز قوا نموده در تحت فرماندهی ژنرال دایر قوایی را در این زاهدان بیرجند قرار داده مانع نفوذ عمال سیاسی المانیها به هندوستان شده بودند

خاش - ۱۸۹ کیلو متر در جنوب باختری زاهدان در يك جلگه باریکی واقع شده است خاور این جلگه با ارتفاعات جهندر و باختر این جلگه بز با ارتفاعات پنج انگشت محصور شده است مرکز بخشداری را تشکیل میددد .

خاش محل تلاقی جاده های ۱ - خاش - زاهدان ۲ - خاش - میر جاوه ۳ - خاش
ایرانشهر ۴ - خاش - بدپور و بم از این جاده ها چهار می عرابه رو میباشد جمعیت شهر ۱۲۰۰ نفر بوده و حنفی المذهب هستند - شهر دارای دو رشته قنات بوده زراعت آن به اندازه نا چیز است که برای رفع احتیاج محتاج باطراف میباشد .

محور

راه گوهر کوه بهترین این معابر و از لحاظ استفاده قابل توجه است این راه تا ۱۶ کیلو متری زاهدان در جلگه صافی امتداد یافته پس از آن وارد دره ئی که از دو سلسله ارتفاعات تشکیل گردیده میشود تا ۳۵ کیلو متری جاده در داخل دهلیز که ارتفاعات طرفین آن عموماً خیلی کم اهمیت و در همه جا قابل عبور است گذشته از این محل در یک منطقه تپه زاری داخل و با پیچ و خم زیاد حرکت مینماید در ۳۸ کیلو متری به پاسگاه قطار خنجیک که دارای چشمه آبی است رسیده و مجدداً امتداد قبلی خود را در وسط تپه ها ادامه میدهد جاده پس از طی مسافتی در بین تپه ها در ۷۸ کیلو متری وارد آبادی چانی که دارای ۲۰ خانوار است شده در این آبادی چشمه آب شیرینی وجود دارد و بواسطه اینکه هوای منطقه خوب است در ۱۹/۲/۲۵ هنوز کلیه کشت منطقه سبز و شاید مدتی به دست آمدن و درو مانده بود.

در ۹۱ کیلو متری به آبادی میرآباد رسیده و باز در اراضی یک نواختی ادامه مینماید بین زاهدان و خاش منطقه واقع بین قطار خنجیک تا میرآباد منطقه فوق العاده خوش آب و هوا و بی نهایت خوب است بطوریکه در تابستان طبق تحقیق و اطلاع اهالی بایستی شبها رادر اطاق خوابیده و در روز بهیچوجه احساس گرمای نمیشود گندم وجود در این منطقه در نیمه اول خرداد ماه بدست خواهد آمد.

در ۱۱۳ کیلو متر جاده از کنار جاده پابند که دارای باغ میوه کوچکی است گذشته در حوالی این آبادی جلگه اطراف باز تر شده و عوارض کمتر میشود. در این جلگه چند آبادی مشجری واقع شده که عموماً دارای اشجار زردالو - گوجه - الی میباشد هوای این جلگه از کلیه این منطقه خوش آب و هوا بهتر است از ۱۲۴ کیلو متری زمین باز تر شده در سمت راست دیگر ارتفاعاتی ملاحظه نمیشود در صورتیکه در سمت چپ ارتفاعات ممتدی بنظر میرسد قلل تفتان که دولوله دوداز آن خارج میشود بخربی دیده شده و تدریجاً موانع مختلف به کناری رفته تا پای کوهستانی مذکور باز و بی عارضه است.

از ۱۴۰ کیلومتر هوا غفلتاً گرم میشود . و اراضی خاش از دور جلب نظر زامینماید

راه گوهر کوه

علاوه بر دو جاده که در بالا ذکر شد جاده دیگری انگلیس ها در موقع توقف در این منطقه برای ارتباطات داخلی خود تهیه نموده بودند که فعلاً نیز وجود دارد این جاده از نقاط زیر عبور مینماید .

۲۴۰ کیلو متر	۶۶ کیلومتر	از خاش تا دوراهی
	۴۸	از دوراهی تا دوراهی شروع گوهر کوه
	۱۰	قلعه بند
	۱۵	گوهر کوه
	۴۷	دوراهی گوهر کوه و بهم و خاش
	۷	اولانه
	۴۱	دوراهی سرباز خانه
	۶	خاش

این جاده فعلاً متروک و در این مدت هم تعمیراتی نشده ولی معیناً قابل عبور میباشد .
این جاده نسبتاً جاده مطول میباشد .

جاده های نفوذی بطرف نواحی مرزی

جاده های نفوذی در منطقه مکران را میتوان فعلاً بشرح زیر معرفی نمود .

- ۱ - جاده چاه بهار
- ۲ - جاده نیک شهر - قصر قند که بعداً بواسطه راه های پیاده و مال رو بطرف مرز امتداد دارد
- ۳ - جاده ایرانشهر سرباز
- ۴ - جاده خاش - سراوان - کوهک
- ۵ - جاده - سراوان جالق مرز
- ۶ - جاده خاش - میرجاوه

جاده نفوذی خاش چاه بهار

این جاده مرکز مکران را به کرانه دریای عمان و مکران مرکزی متصل میسازد جاده است که از لحاظ نظامی - بازرگانی و اقتصادی بی نهایت برای کشور و خاور ایران قابل توجه است طول این جاده در حدود ۵۳۸ کیلو متر طبق شرح زیر است:

خاش ایرانشهر ۱۶۲ .

ایرانشهر چاه بهار ۳۷۶

اینک قسمتهای مختلف این محور را از لحاظ نظامی و اقتصادی و جغرافیائی مورد بررسی قرار میدهیم

(جاده بین شهر خاش و قریه اسپکه)

جاده شوسه واقعه بین (خاش ایرانشهر) بدوآپس از طی شش کیلو متر در جلگه خاش به کوهستان (پنج انگشت) که از شمال باختری به جنوب خاوری امتداد دارد منتهی شده و در شبکه کوهستانی که به عمق ۹ کیلو متر میاشد داخل و سپس منتهی بجلگه وسیعی میگردد .

جاده در جلگه مزبور در امتداد شمال خاوری و جنوب باختری ادامه میدهد و این جلگه در قسمت شمال خاوری بنام جلگه (جودین) در جنوب باختری بنام جلگه (انجوان) نامیده میشود .

بین دو جلگه فرق الذکر بر آمدگی هائی مشاهده میشود که خود آنها به موجب جاده یا پیچ و خمهای زیادی بسیر خود ادامه و بالاخره در ۵۲ کیلو متری خاش جلگه خاتمه به رشته کوهستانی با اسم (بیکل) منتهی میگردد .

رشته مزبور به عمق ۱۳ کیلو متر و عرض آن در تمام این عمق از ۶۰۰ - ۷۰۰ متر تجاوز نمیکند کوهستان اطراف بر جسته نسبتاً مرتفع و عبور از خارج جاده فرق العاده مشکل و بهمین مناسبت حرکت دورانی غیر ممکن است .

کوههای طرف راست بنام (زویچ) و طرف چپ بنام (کونچ) نامیده میشود و دهلیز مزبور بواسطه وجود چند چشمه تقریباً از آب بی نیاز در تمام فصل آب موجود میباشد و ضمناً آبهای موجوده دهلیز مزبور را در طول قطع نموده و بسمت باختر جریان پیدا میکنند. در واقع دهلیز مذکور از طرف شمال و جنوب مسدود و جاده از روی ارتفاع عبور مینماید.

دهلیز مزبور در ۷۱ کیلو متری خاش خاتمه و جاده با پیچ و خمهای زیاد از (کاروندار) عبور مینماید.

در دو کیلو متری کاروندار از رودخانه کورچک کاروندار در امتداد باختری - خاوری جاری و قریه کاروندار را مشروب مینماید. رودخانه مزبور در تمام فصول دارای آب ولی در فصل تابستان خیلی کم میشود بطور کلی جاده پس از خاتمه کوهستان الی دخول بکوهستان واقع در چهار کیلو متری جنوب کاروندار از تپه و ماهور های مرتفع عبور مینماید جاده در ۴ کیلو متری جنوب کاروندار داخل کوهستان (نه شما) با اصطلاح محلی بنکدار میشود.

کوهستان مزبور از چندین رشته متوازی با هم تشکیل شده که خود آنها هر کدام يك دهلیزی را تشکیل میدهد. جاده از بین این کوهستان ضمن عبور از (گردنه شتر) با پیچ و خمهای زیاد و پس از چندین مرتبه صعود و نزول بالاخره با عمق ۰.۴ کیلو متر داخل در (تیغ آب) میشود جاده مزبور در تمام برید گیهای خط القعر ها دارای پل و یا مجاری سرپوشیده است

جاده فوق الذکر در چند محلی در خط القعر هائی عبور مینماید که در مواقع بارندگی ابهای سیلابی جاده را خراب و مسدود خواهد کرد.

ب - در این کوهستان بواسطه عبور رودخانه کاروندار آب وجود دارد و حتی در مسیر جاده نیز مختصر ترشحاتی از وجود آب پیدا است ولی در تمام فصول رودخانه دارای آب است.

در سی کیلومتری کاروندار رود خانه فوق الذکر موازی با طول جاده جاری و در همه جا امتداد دارد و ضمناً پس از برخورد جاده با رود خانه تا وصول به بلوک (دامن) جاده از بین يك مسیل عرضی که اطراف آنرا تپه های مرتفعی پوشانیده عبور میکنند و در این مسافت همه جا جاده در خطر بارانهای شدید خواهد بود و ضمناً جنگل نسبتاً انبوهی در تمام طول رودخانه از درخت گز وجود دارد

عمق دره که آبادیهای بلوک دامن در آن واقع شده ۱۱ کیلومتر و جاده پس از خروج از دره داخل در يك رشته ارتفاعاتی میشود که دارای ۹ کیلومتر عمق میباشد. در این مسافت جاده از روی گردنه (ایران شهر) عبور و به جلگه ایران شهر که دارای ۱۶ کیلومتر طول است داخل میگردد.

جاده از ایران شهر تا (بمپور) بطول ۲۴ کیلومتر و از جلگه ایران شهر و بمپور عبور مینماید در طرف راست جاده يك رشته تپه های کوتاه تا نزدیک بمپور به تفاوت از ۱ کیلومتر بموازیات جاده امتداد دارد.

جلگه مزبور حاصلخیز و جنگل زار و از رودخانه کاروند مزارع زراعتی و قراء واقعه اطراف جاده مشروب میشود.

از بمپور الی اسپکه جاده بدواً از يك جلگه حاصلخیز بطول ۲۴ کیلومتر و بعداً در جلگه بدون آب و علف بطول ۵۸ کیلومتر که در آن يك چاه آب بنام (چاه

دراز) در ۱۸ کیلومتری اسپکه که جزو بمپور میباشد منتهی میگردد. بطور کلی طول جاده از خاش تا اسپکه ۲۸۰ کیلومتر و از لحاظ اقتصادی دارای

منابع محلی زیر است)

کاروند

در ۷۵ کیلومتری خاش واقع و دارای ۲۰ خانوار جمعیت است. علاوه بر رودخانه کاروند که مورد استفاده اهالی است دارای يك چشمه به

مقدار نیم سنك و يك رشته قنات مخروبه میباشد که در صورت لزوم مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

زراعت عمده عبارت است از گندم - جو - زرت - برنج محصول حاصله مصارف اهالی را تامین و در بعضی سنوات بعثت کم بودن محصول مجبورا احتیاجات خود را از بلوك دامن تهیه مینمایند.

محصول درختی این قریه خرما است که انهم فقط بمصرف اهالی میرسند احشام خیلی کم و قابل ذکر نمیشد يك راه اتومبیل رو از کاروندنر به (ساسور) و دوراه انشعابی مالرو از کاروندنر بطرف (گوهر کوه) وایرندگان موجود است.

بلوك دامن

جمعیت دامن و اطرافش تجاوز از ۷۰۰ نفر زراعت عمده عبارتست از گندم - جو - زرت - باقلا - برنج - طبق احتیاج اهالی است.

محصول درختی خرما اضافه دارند. احشام و اغنام در حدود ۵۰۰ و از حیوانات بارکش فقط به تعداد خیلی کم شتر و الاغ وجود دارد.

آب این بلوك منحصر به رودخانه کاروندنر و يك رشته قنات مخروبه که در صورت تنفییه مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

آبادیهای عمده بلوك - عبارتند از دامی - کهنو - قاردان که دارای مزارع و نخلستان های زیادی هستند و سایر قراء که عبارت از :

کل تارون

سو جو

کادران سری

کادران محلی

کشگوش

کچ

بروق

شیوان

گوهر باج و غیره چندان مهم نیستند.

ایران شهر

در ۱۷۰ کیلومتر خاش واقع و مرکز بخش میباشد.

قراء عمده عبارتند از بلوک دامن - احمد آباد - کشو تان - کون شهر - یمه
آهوار و محصول مهم آنها عبارتست از زرت - باقلا - گندم - جو که اضافه بر مصرف
خود هم ندارند.

جمعیت ایران شهر و بلوکات در حدود ۳۰۰۰ خانوار

احشام و اغنام در حدود ۲۵۰۰ بز و گوسفید و ۲۰۰ گاو و از حیوانات بارکش
تعدادی شتر و الاغ دارای ۲۵ رشته قنات و بعلاوه از آب رودخانه کاروند در مشروب
می شود.

جاده های عمده ایران شهر - خاش - چاه بهار

جاده شوسه سر باز

جاده شوسه تا ۱۸ کیلومتری بلوک (ابتر)

جاده شوسه - ایران شهر - شوراب

ویکراه غیر شوسه برای (در کان)

ایران شهر مرکز پادگان نظامی دارای پست و تلگراف

قراء واقعه بین ایران شهر بمپور عبارتند از کلنیک - نوک آباد محمود آباد - بنجو -

اسد آباد و تعدادی آبادی های دیگر که در کنار و اطراف رودخانه بمپور میباشد.

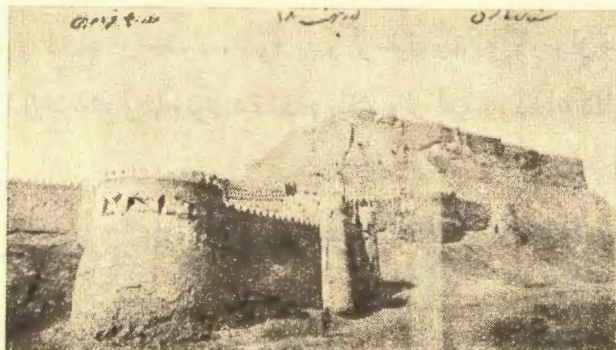
جمعیت کلیه این آبادیها در حدود ۳۰۰۰ نفر

زراعت عمده آنها عبارتست از گندم - جو - ذرت باندازه احتیاج اهالی
احشام و اغنام در حدود ۲۰۰۰ گوسفند و بز و از حیوانات باری جز الاغ که
انهم تعداد خیلی کم است وسیله دیگری ندارند .

آب مشروب منحصر به رودخانه بمپور و برای زراعت هم یگانه وسیله همان
رودخانه است .

بمپور

هرکب از ۱۴ قریه است که تمام قراء خالصه دولتی و مرکز کلیه خالصجات
بمپور است



منظره قلعه بمپور

نفوس دره بمپور در حدود ۸۰۰ خانوار جمعیت قراء اطراف ۳۵۰ خانوار
زراعت عمده - گندم - جو - ذرت و به مقدار زیر اضافه بر احتیاجات اهالی
می باشد .

گندم ۱۲۰۰ خروار - جو ۷۰۰ خروار - ذرت ۷۰۰ خروار - کاه ۱۵۰۰ خروار
احشام و اغنام - ۵۰۰ گاو - ۳۰۰ الی ۴۰۰ شتر در حدود ۲۰۰۰ گوسفند
راههای عمده راه شوسه (ایران شهر - چاه بهار)
راه فرعی مکاری روبه کاسک-ن - و این راه از کاسکین دو سخته میشود یکی میرود
به شوراب و دیگری به بزمان امتداد مییابد.
اب مشروبی و زراعتی از رودخانه بمپور است
ساختمانهای مهمی در بمپور جز قله ایکه از زمان بسیار قدیم است وجود ندارد
و اهالی عموماً در خانه های کپری مسکن دارند
مزارع زیر از بمپور تا موت در سر جاده و اطراف رودخانه بمپور واقع
شده اند .

باغ
ده میز
خیر آباد
ملک آباد
نوردان
میر آباد
سعد آباد
قاسم آباد
پشنگ آباد
چاه سرود

آبادی های مذکور عموماً خالصه دولتی و اراضی آن ها از رودخانه بمپور
مشروب میگردد .

زراعت عمده آنها گندم - جو - زرت

رودخانه بمپور در بیست کیلو متری قریه بمپور جاده را قطع مینماید آب این رودخانه در فصول سال باقی و اطراف رودخانه را نیز جنگلهای انبوهی احاطه کرده

قریه اسپکه

دارای پنجاه خانوار جمعیت

زراعت عمده گندم - زرت - جو - باقلا و فقط به مقدار احتیاج اهالی زراعت

می شود .

آب مشروبی عبارت از دو رشته قنات است که بمصرف زراعت نیز میرسد .
محصول درختی خرما و دارای تعداد خیلی مختصری اغنام واحشام میباشد

از لحاظ نظامی

چهار موضع مهم از خاشر تا اسپکه مشاهده میشود دارای ارزش است .

موضع ۱ - ارتفاع پنج انگشت

موضع ۲ - تنگه تنگل

موضع ۳ - گردنه شتر

موضع ۴ - گردنه ایران شهر

در طول این جاده در سه محل (دره تیغ آب - دره دامن - جلگه ایرانشهر)
که جاده اجباراً از روی شن و ماسه عبور مینماید و علاوه بر آنکه حرکت خودروها
به این مناسبت بطبع میشود در مواقع بارندگی نیز سیلهای باران جاده را شسته و عبور
و مرور را مقطوع مینماید .

و ضمناً جاده مذکور مخصوصاً راه واقعه در کوهستان نه شما کم عرض و حرکت

خودروها از در طرف فوق العاده مشکل و همین موضوع خود باعث کندی حرکت خود رو ها خواهد گردید و بعلاوه بواسطه پیچ و خمهای زیاد لازم میشود که دقت لازمه در حرکت مراقبت شود و همچنین در يك قسمت از لوت باد های سخت جاده را پر از خاک و ماسه مینماید که غالباً حرکت دشوار و خالی از زحمت نخواهد بود. کما اینکه تپه های خاکی منظمی در اثر وزش باد های سخت از زمانهای گذشته در صحرا باقی است .

صحرای نامبرده که بطول ۵۸ کیلو متر است فقط در يك محل (چاه دراز ۱۸ کیلو متری اسپگه) که دارای يك چاه آب است در تمام طول بدون آب و عاری از علف است .

حرکت عده در روز خطرناک و در شب هم باید با پیش بینی آب و تامین و در غیر آن حتماً باید با خود رو ها صورت گیرد

رودخانه - رودخانه کاروندر که در قریه کاروندر جاده را قطع مینماید . تا هفت کیلو متری باختر بمپور در مجاورت جاده جاری میباشد

در این مسافت در پنج محل بخصوص

۱ - دو کیلو متری قریه کاروندار

۲ - منتهی الیه دره تبع آب

۳ - ۴ - منتهی الیه بلوک دامن

۵ - هفت کیلو متری باختر بمپور

جاده را قطع مینماید و چون در محل تقاطع رودخانه با جاده در نقاط فوق الذکر پل وجود ندارد . لذا در زمستان و اوایل بهار که آب رودخانه روان است عبور و مرور مشکل و بلکه امکان نخواهد داشت .

اسپکه تا چاه بهار (۲۷۱ کیلو متر)

۱ - از لحاظ جغرافیائی

آبادی اسپکه واقع است در ۲۶۸ کیلو متری خاش و ۲۷۱ کیلو متری چاه بهار جمعیت آن تقریباً ۵۰ خانوار میباشد محصول این آبادی مختصر گندم و باقالا است که کفاف اهالی را هم نمیدهند و مقداری خرما دارای يك چشمه آب میباشد که در حدود ۳ سنك آب دارد از این محل يك راه ارا به رو سمت باختر میرود به آبادی مسکوتان و يك راه مالرو سمت خاور میرود به چاشت .

جاده پس از خروج از اسپکه در يك مسیلی مستور از درختهای گز و درین دو رشته ارتفاعات کوتاه خط سیر خود را بطرف جنوب ادامه داده تا به نخلستان هیدیش تا اینجا ارتفاعات طرفین جاده گاهی نزدیک بهم و گاهی تا دو سه کیلو متر از هم دور میشوند . پس از ۱۵ کیلو متر جاده از بین دهستان لامع که دارای چند عدد آبادی (گرداهان - کشاباد - حریدك - جیر آباد و یکی دو آبادی دیگر) که عموماً متعلق به سردار میرهوتی خان بوده و هر کدام بتفاوت شامل ۲۰ الی ۶۰ خانوار جمعیت میباشد عبور میکنند از این بعد ارتفاعات طرفین جاده مخصوصاً سمت راست (باختری) از جاده دور شده جنگل گز خاتمه و جاده مسیر خود را بطرف جنوب ادامه میدهد تا در ۲۰ کیلو متری اسپکه میرسد به آبادهای پیپ (۲۰۰ خانوار) زارت (۶۰ خانوار) بعداً جاده خط سیر خود را تعقیب و پس از عبور از باختر ارتفاعات گت تغییر و آبادی خوش مکان داخل يك تنگه یاد ربندی میشود . طرفین این تنك را ارتفاعات نسبتاً کوتاهی احاطه و جاده با شیب تند و پیچ و خم زیاد از خط الفعر این تنك که عمق آن ۱۳ کیلو متر میباشد عبور پس از خروج از تنك و طی ۳ کیلو متر عبور از نخلستان کوچکی داخل تنك سرجه میشود .

عمق تنك سرجه ۲۰ کیلو متر و ارتفاعات طرفین آن دارای شیب های تند میباشد

که عبور از آنها مشکل میباشد جاده از خط القعر این تنك كه دارای آب فراوان است عبور و سپس وارد جلگه میگردد. طرفین این جلگه توسط دو رشته ارتفاعات موازی باهم مستور شده كه تا چند كيلومتر از جاده فاصله داشته و گاهی رشته های فرعی از آنها منشعب و در محور جاده بهم متصل میشود كه جاده از آنها عبور میکنند.

سپس جاده مسیل را قطع و از تپه ماهورهای كوچك گذشته پس از عبور از خاور آبادی هی چان (۴۰۰ خانوار جمعیت - دارای نخلستان محصول گندم جو برنج زرت) جاده در بین يك رشته ارتفاعات پیچ در پیچ غیر منظم بخط سیر خود ادامه و پس از آنكه در سه چهار نقطه مسیل را قطع کرده از آبادی اسكنر را (۵ خانوار) و گردنه كه تقریباً ۱۵ كيلومتر عمق دارد عبور و داخل جلگه میشود. سطح این جلگه دارای بریدگیهای زیاد بوده و دور رشته ارتفاعات آنرا احاطه کرده اند كه تا ۳ كيلومتر از جاده فاصله دارند. جاده در این جلگه مسیر خود را ادامه و پس از عبور آبادی خیر آباد كه نخلستان كوچكى دارد داخل مسیلی كه بین دور رشته ارتفاعات واقع شده و مستور از درخت گز میباشد شده و با پیچ و خم های زیاد بدور چند رشته تپه های كوچك كه عمق آنها ۲ كيلو متر میباشد دور زده و مجدداً داخل جلگه میشود. ارتفاعات سمت چپ این جلگه مرتفع تر و دورتر (۵ كيلومتر) و پر جنگل ارتفاعات سمت راست کوتاه تر و به جاده نزدیک تر می باشد هر چه جلوتر رویم ارتفاعات دورتر شده و بالاخره از بین یك رشته تپه ماهور های خاکی عبور و به نيك شهر میرسد.

نيك شهر دارای ۳۰۰ خانوار جمعیت و توابع آن دارای ۱۴ آبادی است كه هر کدام ب تفاوت از ۱۰ الى ۴۰ خانوار جمعیت دارند مركز بخش داری و دفتر راه و نماینده امار - محصول نيك شهر برنج - گندم - خرما است كه بمقدار مختصر عمل می آید.

راهمائيكه از نيك شهر منشعب میشود غیر از جاده خاش چاه بهار یك رشته راه

شوسه به قصر قند و يك رشته راه ارا به رو به بنت و چند جاده های مال رو پیاده رو که به آبادیهای اطراف ممتد میشود بنا بر این نيك شهر در این قسمت از مکران بواسطه این که کود وواصلاتی محسوب می شود دارای اهمیت نظامی خواهد بود .

جاده پس از عبور از نيك شهر داخل ارتفاعات سمت چپ شده و از کنار مسیل بزرگ کائیر در بین دو رشته ارتفاعات با پیچ و خم زیاد بسیر خود ادامه داده و در ۲۰ کیلو متری نيك شهر بکلی داخل مسیل کائیر که مستور از درختهای گز میباشد شده و پس از طی ۲۴ کیلو متر به نخلستان نوگنجان که فاقد سکنه میباشد شده بعداً جاده خط سیر خود را بموازات مسیل و گاهی هم داخل مسیل تا حدود ۴۰ کیلو متر ادامه و ارتفاعات طرفین نیز بطور نامنظم و بامسافات دور و نزدیک خط سیر خود را بموازات جاده تعقیب مینماید سپس جاده متوجه خاور شده از بین يك رشته تپه ماهورهای خاکی با عمق باریکی عبور و پس از تغییر سمت بطرف جنوب وارد جلگه چاه عباسی میشود (طول این جلگه ۲۲ و عرض آن تقریباً از ۲ الی ۷ کیلو متر است و غیر از چند بریدگی مختصر سطح جلگه کاملاً مسطح و بدون عارضه میباشد) .

پس از خاتمه جلگه جاده داخل در ارتفاعات پیر کویك که ارتفاعات طرفین آن چندان مرتفع نمیشد شده تا ۲۰ کیلو متر در کوهستان پیش رفته و بعد از آن که کراراً مسیل را قطع میکند و داخل جلگه دیگری میگردد بنام جلگه سوسان - عرض و طول این جلگه از جلگه چاه عباسی کمتر و اطراف آنرا ارتفاعات نسبتاً کوتاهی احاطه کرده جاده پس از عبور از این جلگه ذو عارضه که دارای بریدگی های زیاد میباشد داخل در دهلیز کوهستانی دیگری که عمق آن ۲۵ کیلو متر میباشد شده سپس داخل دشت پارکت میشود .

دشت پارکت دارای ۴۰ کیلو متر طول میباشد که طرف چپ آن ارتفاعات سمت راست آن تا افق بدون عارضه است که بعداً منتهی بدریامیشود پس از خاتمه جلگه پارک

جاده بین کرانه و یکرشته کوهستان پیش رفته و پس از عبور از ارتفاعات طیس خلیج را دور زده و به بندر چاه بهار میرسد .

۲ - از لحاظ منابع محلی

با اینکه دهستان نیک شهر و قصرقند از نقاط حاصلخیز و پر آب مکران محسوب میشود ولی بواسطه گرمای فوق العاده ناسازگاری هوا که در نتیجه مانع از ازدیاد سکنه و زیست میباشد و ضمناً عدم شناسائی اهالی بامور کشاورزی این محور از لحاظ منابع محلی نیز مثل سایر نقاط ارزشی نداشته و حتی نمیتواند خواربار واحد های خیلی کوچک را هم در آبادیهای واقعه در روی این محور تهیه دید - تنها چیزیکه مختصراً اضافه بر ما بحتاج اهالی در این منطقه وجود دارد خرما میباشد

۳ - از لحاظ نظامی

راه خاش به چاه بهار مهمترین راههای مکران محسوب میشود زیرا اولاً در خاور ایران تنها راهی است که بدریا راه دارد ثانیاً بندر چاه بهار که در متنها الیه این محور واقع شده تنها بندر آزاد جنوب بطرف دریای عمان است

مواضع - نظر باینکه جاده خاش چاه بهار از کوهستان و ارتفاعاتی عبور میکنند که عموماً عمود باین محور میباشد لذا مواضعی که حائز شرایط لازمه باشد در این محور زیاد دیده شده که مهمترین آنها عبارتند از :

۱ - تنگ سرخه - این موضع دارای عمق کافی (۲۲ کیلومتر) بوده دورزدن آن مشکل دارای میدان دید و تیر خوب میباشد و بعلاوه تخریب در نقاط حساس این تنگ برای جلو گیری و بطیع ساختن پیشروی وسائل موتورنی حائز اهمیت زیاد میباشد .

۲ - ارتفاعات پیر کریک . دارای عمق زیاد میباشد باینواسطه میتوان مواضع متعدد پیش بینی کرد - دور زدن آن مشکل میدان دید و تیر خوب

۳ - ارتفاعات تیس - دارای عمق کافی میدان دید و تیر خوب دورزدن آن اشکال پذیر میباشد ولی از لحاظ منابع محلی هیچیک از این مواضع خوب نبوده و کلیه خوار بار ما بحتاج عده ها باید تهیه شود

نتیجـ۴

سوق و حرکت عده در این محور بواسطه گرمای فوق العاده و نایابی خوار بار و علق و عدم وجود آب در قسمتی از راه بینهایت مشکل مخصوصاً برای قسمتهای پیاده و سوار لذا موقع عملیات در این محور بایستی از وجود واحد های محمول و مهارست استفاده نمود. با توجه باین نکته که بایستی قبلاً خوار بار مایحتاج عده هارا تهیه دید. از طرفی نظر باینکه جاده مقدار زیادی در مسیر و خط القمر ارتفاعات عبور میکند لذا موقع بارندگی و طغیان آب جاده از حیز ارتفاع خارج و بنا بر این بایستی تحت مراقبت و محافظت کامل قرار گیرد.

محور نفوذی نیک شهر به قصر قند

مقدمه - نیک شهر عبارت از بلو کی است بارتفاع ۶۶۲ متر از سطح دریا که مرکز آن آبادی نیک شهر بوده و سابقاً دارای ۲۵۰۰ نفر جمعیت ولی حالیه روبه نقصان است. هوای این بلوک گرم ولی فاقد پشه های مالاریائی و نسبتاً هوای آن سالم است. نیک شهر دارای چند رشته قنات کوچک است که حوائج اهالی را مرتفع و بطوریکه تحقیق بعمل آمده این آبادی در قدیم دارای قنات بزرگی بوده که امروزه خراب و محتاج به تعمیرات و اخیراً از طرف وزارت کشور مبلغ یکصد و بیست هزار ریال اعتبار برای مرمت آن قنات و ایجاد چند رشته دیگر تصویب گردیده که پس از ایجاد این قنات می توان بآبادی و عمران این ناحیه در آتیه امیدوار گشت. در سمت خاور نیک شهر رودخانه زاینده رودی جاری است که از شمال بجنوب ممتد ولی در تابستان آب آن تقریباً خشک میگردد - محصولات نیک شهر در درجه اول خرما - برنج ولی گندم کمتر زراعت شده بطوریکه کفاف اهالی را نمی نماید. از نیک شهر دو جاده منشعب میگردد - اول - جاده نیک شهر بجاه بهار دوم جاده نیک شهر بایران شهر که در شش کیلومتری آن جاده قصر قند منشعب شده و علاوه بر آن یک جاده پیاده رو دیگری نیز بطرف قصر قند منتهی میگردد اهالی نیک شهر بلوچ و دارای

مذهب اسلام و بآئین تسنن و حنفی میباشند.

قصر قند - این آبادی نیز در حدود ۶۰۰۰ جمعیت و مذهب اهالی اسلام تسنن و حنفی می باشد محصولات قصر قند - برنج - گندم - خرما - انجیر - مرکبات - انبه که اغلب این محصولات مازاد اهالی بوده و به خارج صادر میگردد.

قصر قند دارای قلعه قدیمی است که در وسط آبادی و روی تپه واقع و فعلاً مسکون ولی تاریخ بنای آن معلوم نیست آب جاری این محل نهر خواجه است که در مخرج باختری قصر قند جاری و بمصرف شرب اهالی و زراعت میرسد - قصر قند دارای ۱۷ قنات دیگر بوده که احتیاجات اهالی را بقدر کافی مرتفع می سازد مسافت قصر قند تا مرز تقریباً ۱۵۰ کیلومتر است



عده ای از اهالی قصر قند با لباس های محلی خود

از قصر قند محورهای زیرین منشعب شده و بناهای مختلف امتداد می یابد

- ۱ - جاده شوسه قصر قند به نیک شهر
- ۲ - جاده پیاده رو قصر قند به راسک که از آنجا دو شعبه شده یکی به پیشین و دیگری در امتداد رودخانه سرباز با بادی سرباز منتهی میگردد
- ۳ - جاده پیاده رو که به تلنگ دشتیاری میرود
- ۴ - جاده پیاده رو که به ایرانشهر منتهی میگردد

قراء اطراف آن عبارتند از حیت - بوکان - کشوک - لوریانی - بوک - توکال راید - ساری بوق - دربان - خوبان - امیری - صدوق - هزارئی - کلنگر - سارتی - مچمی باش طرایف آن عبارتند از ییلدی - باشنده - رئیس - دارزاده - زین الدین - جورک آباده از نیک شهر تا قصر قند در حدود ۷۲ کیلومتر بوده و جاده که بقصر قند کشیده شده از یک قسمت زمین عبور می نماید که تماماً پوشیده شده از کوهستان و تپه های زیاد است این کوهستانها در شمال و جنوب جاده تشکیل یک دهلیزی را داده اند که عرض آن ۲۰ و در بعضی نقاط به ۱۰ کیلومتر هم میرسد - سرتاسر این دهلیز تماماً سنگ - لایخ و سختی آن باندازه است که حرکت وسایط نقلیه در خارج جاده با اشکالات فوق العاده زیادی مواجه خواهد بود - کوهستانهای این دهلیز در جنوب جاده بنام بهشتی - یوسف درنگی کپچورک - آبدار - بوالنصر و چکوکان و در شمال جاده بنام خیر آباد - کستر کوه - کوه تران و کوه جندوکان و آوند در محل مشهور می باشند - این دورشته کوهستان که دارای شیب خیلی تند میباشد پس از مسیر ۳۵ کیلومتر از نیک شهر در بوالنصر بهم گره خورده و یک معبری بعرض تقریباً ۵۰ متر را تشکیل میدهد که از این نقطه کلیه آبهای جنوبی دهلیز بطرف نیک شهر و آبهای شمالی بطرف قصر قند جاری است کلیه مسیلهائی که در این دهلیز مشاهده می شوند تماماً از کوههای جنوبی سرچشمه گرفته که عرض آنها در نقاط مختلفه به ۱۰۰ الی ۵۰۰ متر میرسد و اغلب آنها بدون بریدگی می باشند .

کلیه ارتفاعات واقع در این دهلیز برای پیاده و سوار صعب العبور و برای وسایط موتوری غیر قابل عبور و دارای هیچگونه آبی هم نمی باشند .

این دهلیز از نظر طبیعی و جغرافیائی بدو دهلیز مشخص تقسیم می شود - دهلیز باختری از نیک شهر تا چندوکان و دوم دهلیز خاوری از چندوکان تا قصر قند که اولی در حدود ۴۰ کیلومتر و دومی ۳۲ کیلومتر مسافت دارد .

دهلیز باختری بکلی خشک و خالی از آبادی و سکنه بوده و فقط در حاشیه مسیل ها در بعضی نقاط چند دسته درختهای خرما و سقز و گز مشاهده می گردد - مسیل های زیادی در این دهلیز در اثر آبهای که موقع باران از کوههای جنوبی سرازیر شده تشکیل گردیده و

فقط در همان موقع هم دارای آب می باشند .
جاده که در این دهلیز ممتد میباشد در چندین نقطه بدون پل از این مسیل ها عبور
ولی در صورت وجود آب در داخل مسیل ها عبور و مرور غیر مقدور بنظر میرسد .
این دهلیز پوشیده شده است از یکرشته تپه های پیوسته که در بعضی نقاط هم
تپه های منفرد خاکی بنظر میرسید که ارتفاع آنها بتفاوت از ۱۰ تا ۵۰ متر میرسد
این تپه ها در اغلب نقاط چسبیده بجاده و در بعضی نقاط بمسافات مختلف از ۵۰ الی
۳۰۰ متر از جاده دور شده اند - ارتفاعات طرفین این دهلیز در این منطقه بهم نزدیک
و عرض دهلیز را به ۹ الی ۱۰ کیلو متر رسانیده اند .
دهلیز خاوری بواسطه رودخانه زاینده رود و قنوات زیاد تا اندازه آباد و حاصل
خیز و قابلیت سکونت را دارد چنانچه سرتاسر این دهلیز از چند و کان تا قصر قند پوشیده
از نخلستانهای زیاد و چندین آبادی هم در آن نیز وجود دارد که گندم و جو و برنج
در آنها بطرز خوبی بعمل آمده و مایحتاج ساکنین این دهلیز را مرتفع می نماید .
تعداد نفوس این دهلیز تا قصر قند بالغ بر ۸۰۰۰ نفر میباشد - این دهلیز از نقطه
نظر طبیعی شبیه بدلیز باختری است با تفاوت آنکه ارتفاعات شمالی در این دهلیز
از جاده دور افتاده و عرض دهلیز را به ۲۰ الی ۲۵ کیلو متر رسانیده اند ولی ارتفاعات
جنوبی در ۲ - ۳ کیلو متری جاده امتداد دارد .
آبادیهای واقعه در این دهلیز عبارتند از چند و کان ۴۴ کیلو متری و ذرفون ۴۹ کیلو
متری و سار بوق ۵۲ کیلو متری و کشوک ۵۴ کیلو متری حیت ۵۹ کیلو متری از نیک شهر .
هوای این دهلیز گرم و ساکنین آن بلوچ و بآئین تسنن می باشد - منابع محلی
این دهلیز خرما - گندم - جو - برنج می باشد و از این محصولات فقط خرما مازاد
داشته که بخارج حمل میگردد .
وسایط حمل و نقل در این دهلیز منحصر بشتر و الاغ بوده که تعداد آنها به
به ۱۰۰۰ رأس میرسد .
جاده قصر قند که در ۱۳۱۶ ساخته شده بواسطه کمی عرض جاده (تقریباً ۶

متر) و عدم رعایت اصول راهسازی در آن که اغلب بدون پل است و از روی چندین مسیل عبور می نماید چندان ارزش مهمی را دارا نمی باشد - از نیک شهر تا چندوکان جاده بشکل فراز و از آنجا تا قصرقند در حال نشیب است .

وضعیت منطقه از نقطه نظر نظامی - راه پیمائی - حرکت رسته های مختلف در این دهلیز که سرتاسر آن سنگسلاخ و پوشیده از تپه های زیاد و در یک قسمت آن دارای نخلستانهایی است فقط منحصر بجاده می باشد ولی عبور وسائل سنگین بواسطه عدم استحکام جاده که بدون پی ساخته شده است خالی از اشکال نمی باشد و از طرف دیگر چون جاده در این دهلیز از وسط یک رشته مسیل و تپه های زیادی عبور می نماید پست و بلندیهائی در جاده تولید نموده که حرکت هرگونه وسایل را بطبیع می نماید بطوریکه سرعت وسائل خودرو سواری در این دهلیز از ۱۵ - ۲۰ و برای باری از ۸ - ۱۰ کیلومتر در ساعت میرسد - و چون در دهلیز باختری ابدآب وجود ندارد و عمق آن در حدود ۴ کیلومتر می باشد بایستی ستونهای موتوری برای یک روز و ستونهای پیاده برای دو روز آب همراه داشته باشند

در دهلیز باختری که از هیچگونه عارضه پوشیده نیست و از طرف دیگر هوای آن فوق العاده گرم می باشد راه پیمائی در آن باید شبانه انجام گرفته ولی در دهلیز خاوری که تقریباً پوشیده از نخلستان است ممکن است در روز هم راه پیمایی نموده آنهم برای واحدهای پیاده و سوار که می توان از خارج جاده حرکت نماید ولی برای واحدهای موتوری راه پیمائی روزانه در این دهلیز عملی نیست

از نقطه نظر توقف - چون در دهلیز باختری هیچگونه آ بادی پیدا نمی شود برای استراحت شبانه افراد باید در این منطقه از اردوگاه استفاده نموده در صورتیکه از حیث آب و آذوقه کاملاً پیش بینی های لازم بعمل آید ولی از چندوکان تا قصرقند چون چندین آ بادی نزدیک بهم وجود دارد انتخاب منزلگاه مساعد می باشد .

این دهلیز از نقطه نظر دفاع در مقابل متعرضی که از طرف قصرقند مشغول

پیشروی است دو موضع مناسب را دارا بوده که اولی موضع بوالنصر و دومی موضع چندوکان است

اهمیت موضع بوالنصر بیشتر از موضع چند وکان است زیرا موضع بوالنصر موضعی است عمیق دارای میدان دید و تیر خیلی خوب و از جناحین متکی بارتفاعات صعب العبور بوالنصر و بران - دارای گردنه است بنام گردنه بوالنصر که جاده از این گردنه با يك شیب تند و با پیچ و خمهای زیاد بسمت خاور ممتد می باشد و این موضع در جلو دارای مسیلی است که بطور موازی با موضع قرار گرفته و عمق بریدگی آن ۲ الی ۳ متر میباشد .

عرض این موضع از موضع چند وکان کوتاه تر ولی پیشروی ارا به جنگی بین این دو موضع از نقطه نظر سنگلاخ بودن زمین غیر ممکن و فقط منحصر بجاده خواهد بود و هرگاه تخریبات و یا موانعی در این جاده بطور خوبی بعمل آید حرکت ارا به ها غیر مقدور خواهد بود

محور مواصلاتی فقط منحصر بجاده قصر قند است .

موضع دوم چند وکان که در ده کیلومتر خاوری موضع اولی میباشد درجه دوم اهمیت را حایز زیرا با داشتن میدان دید و تیر خوب مسیر آن مطول و از طرفین هم يك ارتفاعات مستحکمی متکی نمیشد و ممکن است با اجرای عمل احاطه این موضع سقوط نماید و برای موضع دفاعی بوالنصر این موضع را بطرز پوشش می توان انتخاب نمود چه بدلائل مندرجه ارزش دفاعی آن کامل نمی باشد .

اجرای عمل تأخیری در این دهلیز بواسطه وجود موانع زیاد و پیوسته کاملاً قابل اجرا میباشد و از نقطه نظر تعرضی چون ارتفاعات طرفین این دهلیز کاملاً در موازات جاده امتداد دارند لذا با در دست گرفتن ارتفاعات مزبور تعرض در این دهلیز میسر ولی از لحاظ آن که سر تا سر این دهلیز ذوعارضه و سنگلاخ است پیشروی در آن خالی از اشکال نبوده و شرکت ارا به در عملیات در این دهلیز خالی از اشکال نخواهد بود .

نتیجه - بطوریکه ملاحظه میشود دهلیز قصر قند یکی از حساس ترین و حاصل خیز ترین مناطق مکران محسوب و بواسطه سکونت زیاد و وجود آبادیهای متعدد و آب در این دهلیز دارای اهمیت مخصوص بوده در صورتیکه مناطق باختری این دهلیز بکلی بایر و هیچگونه آبادی در آن دیده نمیشود بدین لحاظ تصور میرود که متعرض احتمالی اگر باین مناطق خیال تجاوز داشته باشد مسیر خود را در این دهلیز انتخاب و جدیت خواهد کرد که بایشروی در دهلیز قصر قند به آبادی نیک شهر رسیده و ارتباط مناطق جنوبی و چاه بهار را از قسمتهای شمالی قطع نماید

جاده نفوذی - خاش - سراوان - کوهک

این جاده بطول ۲۷۳ کیلومتر است که بطرف جنوب خاوری خاش ادامه دارد
این جاده را در دو قسمت زیر بررسی مینمائیم:

قسمت خاش تا شستان ۱۶۲

از شستان تا کوهک ۱۱۱

جاده از خاش تا سراوان

- از لحاظ جغرافیائی

مسیر همگانی جاده از خاش تا سراوان در سمت جنوب خاوری ادامه دارد . مسافت نا مرکز بخش سراوان شستان ۱۶۵ کیلو متر است این جاده بعرض ۸ متر از لحاظ نظامی ساخته شده بطور کلی جاده در يك دهلیزی به عرض ۶ الی ۷ کیلو متر عبور میکنند و تقریباً يك دشت مستطیلی را تا سراوان بنظر میرساند اسامی ارتفاعات طرفین جاده که این دهلیز را تشکیل داده به قرارپائین است :

ارتفاعات سمت راست از خاش پنج انگشت سورپیچ کوه برک مرگوگ رندی و

ارتفاعات سمت چپ پیل پی کوه سفید کوه سیاهان

در تمام مسیر ۱۶۵ کیلومتر فقط يك قسمت کوهستانی در ۳۵ کیلومتری خاش تقریباً به عمق ۵ کیلومتر بار ارتفاع مختلف عرضاً جلگه را قطع کرده است .

۱ - از خاش تا سراوان سه دشت با سامی مختلف دیده میشود. دشت خاش یا گرنچن تا کوه ملك مر كوك به عمق ۳۰ کیلو متر آبادیهای زیر در مسیر جاده مشاهده شده که بر علی محمد آباد ناصری وارد آباد کمال آباد که از چندی قبل خالصه شده اند. ۲ - دشت سیمنش از دامنه جنوبی ارتفاعات گردنه انجیرك تا آبادی گشت به عمق ۹۴ کیلو متر که آبادی در آن نیست فقط اشجار گز کوتاه و بلند و بطور تنگ وجود دارد.

۳ - دشت سراوان از گشت که آبادیهای نامبرده زیر گشت - کهن داود - هوشك بخشان - شستان در این دشت مشاهده و ملاحظه میشود

بخش سراوان دارای سیصد آبادی با سامی مختلف است بطور کلی در مسیر جاده و اطراف آن موانع طبیعی وجود ندارد.

مسافتات بین نقاط مشخص از خاش تا شستان بشرح پائین است :

خاش تا کهریز علی	۲ کیلومتر	گشت تا کهن داود	۴۰ کیلومتر
کهریز علی تا محمد آباد	۱ کیلومتر	کهن داود تا هوشك	۱۳ کیلومتر
محمد آباد تا ناصری	۲ کیلومتر	هوشك تا نجستان	۴ کیلومتر
ناصری تا کمال آباد	۴ کیلومتر	نجستان تا شستان	۴ کیلومتر
کمال آباد تا گردنه انجیرك	۳۱ کیلومتر		
انجیرك تا گشت	۶۳ کیلومتر		

جمع ۱۶۵ کیلومتر

جاده های منشعب از محور همگانی خاش و سراوان عبارت اند :

۱ - سه جاده خودرو و یکجا به پسگوه زابلی و بیگلری بطرف سراوان سومی به طرف سیب سوران

۲ - دو پیاده رویکی بطرف سیاهان که داخل گردنه بادامک دیگری به طرف ماهوک

پیاده روها با هزینه کم موتوررو خواهد شد.
آب و هوا منطقه گرمسیر بارندگی کم در زمستان اغاب هوا متغیر است خصوصاً در حدود سراوان

ب - از لحاظ اقتصادی
حداکثر سکنه در حدود ۷۰۰۰۰ نفر که در ۳۵۰ آبادی مختلف با بخش سراوان سکونت دارند :

زراعت . گندم - جو - زرت ولی کفاف احتیاجات را بر حمت میدهد بعلاوه محصول پنبه و خرما از محصول عمده آبادی های این منطقه میباشد که صادرات هم دارند. میوه جات گرمسیری از قبیل انار - انجیر - انگور یافت میشود .
از حیث اغنام واحشام بشرح پائین :

گوسفند ۱۲۰۰۰ - شتر ۵۰۰ - الاغ ۲۰۰۰ - گاو ۱۵۰ - آب در حدود خاش
بعد کافی ولی هنوز بغیر از چند قنات دائر نشده در حدود سراوان هر آبادی يك قنات دارد باستثنای شستان که چهار رشته قنات دارد .

ج - از نظر نظامی
در سمت سراوان چنانچه از طرف جنوب خاور احتمال تجاوزاتی باشد مواضعی که از نظر نظامی دارای مزایای نسبتاً مشخصی باشد سه موضع است :

۱ - گردنه انجیرك در ۳۵ کیلومتری خاش
دارای دید کافی وامکان نفوذ

پیوسته و با عمق کافی در حدود تقریباً ۷ کیلو متر میباشد از سایر مواضع دیگر از نظر دفاعی بهتر است .

۲ - موضع دوم در ۷۰ کیلومتری خاش

بمحدادات ارتفاعات مرگوك بعمق ۳ کیلو متر از باختر بخاور در جلگه پیشرفته این موضع قابل دفاع هست لیکن امکان دور زدن در سمت خاور سهل است و از طرفی منابع محلی بهیچوجه یافت نمی شود و چنانچه موضع تأخیری استفاده برده شود خوب است

۳ - موضع سوم گشت است

این آبادی بین خاش - سراوان و واقع بودن در دامنه ارتفاع سیاهان کوه و همچنین وجود يك بریدگی اهمیت خاصی باین موضع میدهد مخصوصاً که تا اندازه امکانات محلی برای قسمتها میسر است .

نتیجه

۱ - جاده خناش - سراوان موقتی و برای حرکت يك ستون ممکن است

۲ - اعزام قوا در همه فصول ممکن نیست زیرا آب کم و منطقه گرمسیر و محل سکونت ندارد .

۳ - منابع محلی محدود و حتی بقدر احتیاج اهالی نیست فقط خرما اضافه بر مصرف دارند و لذا باید احتیاجات يك قسمت نظامی از هر حیث قبلاً تامین گردد .

۴ - اعزام قوا در این منطقه اگر محمول و جهاز نباشد باعث فرسودگی است .

جاده شبستان (شستون) کوهك

جاده شبستان (شستون) کوهك بطول ۱۱۱ کیلو متر میباشد

وقتی که از شستون بطرف کوهك حرکت نمایم ابتدا جلگه همواری است

بطول ۲۸ کیلو متر که کوههای سیاهان در خاور و کوه رندی در باختر آنرا احاطه نموده اند - فاصله بین این دو کوه ۲۰ - ۲۵ کیلو متر میباشد

پس از آن راه وارد منطقه میگردد که آبهای دامنه جنوبی سیاهان کوه بریدگیهای عمیق و عریضی در آن بوجود آورده و این دره ها عموماً آبهای سیلی را بطرف رودخانه ماشکل جریان میدهند (رودخانه ماشکل شعب عدیده دارد که از سیاهان کوه و کوه بیرک و درازنان کوه سرچشمه گرفته پس از اتصال با یکدیگر از مرز ایران در جنوب خاوری کوهك خارج و متوجه شمال شده وارد هامون ماشکل که در خاک بلوچستان انگلیس است میگردد

دره رودخانه مزبور راه نفوذی مهمی را بطرف شستون باز مینماید (عمق این منطقه در حدود ۳۸ کیلو متر میباشد .

پس از منطقه فوق راه وارد دهلیزی میگردد که در سمت شمال همان سلسله سیاهان کوه بفاصله ۱۰ کیلو متر واقع شده و جنوب آنرا بستر رودخانه ماشکل از باختر بخارر شیار نموده است .

در جنوب رودخانه ماشکل کوههای بهم پشت بفاصله تقریباً ۵۰ کیلو متر امتداد یافته است .

بنابر مراتب فوق راه از دهلیزی میگذرد که عرض آن تقریباً ۵۰ کیلو متر میباشد . سپس جاده تپه ها و مسیلهای دامنه جنوبی سیاهان کوه را تا کوهك میپیماید . کوهك تا مرز از سمت شمال ۳ کیلو متر و از سمت خاور در حدود ۱۸ کیلو متر مسافت دارد - آبادیهاییکه در امتداد این راه واقعند عبارتند از :

شهرستان (شستون) که در ۱۶۷ کیلو متری خاش واقع شده است در حدود ۴۰۰ خانوار جمعیت دارد - محصول عمده آن خرماست ولی غله اش باندازه کافی نیست و کسری آنرا از ایران شهر تأمین مینمایند .

اخیر در صدد پرورش اشجار مرکبات و میوه نیز برآمده و نتایج خوبی گرفته‌اند
این آبادی از سه قنات مشروب میگردد
تعداد گاو و گوسفند آن خیلی قلیل است. برای بارکشی منحصرآ از شتر و الاغ
استفاده میشود که تعداد آنها نیز خیلی قلیل میباشد.

در ۵ کیلومتری شستون آبادی داور پناه (دیزك سابق) و به ترتیب آبادی هرگان
زنگیان - قریه محمدی - آسپیچ - هینوک - زیارک در کناره جاده و پیوسته یکدیگر واقعند
که جمعا با داور پناه در حدود ۱۰۰۰ خانه وار جمعیت دارند.

بین آبادیهای فوق سه آبادی شهرستان (شستون) - داور پناه - قریه محمدی از
حیث جمعیت و آبادی بر سایرین رجحان دارند.

مرکز بخش داری و یک دبستان در شهرستان و شعبه گمرک در داور پناه میباشد
محصول عمده آبادیهای بالا عبارت از خرما که باندازه احتیاجات اهالی است
گندم و جو در سالهای خوب باندازه احتیاجات اهالی بدست میاید و سایر سالها
بایستی کسورات غله خود را از ایرانشهر و بمپور تامین نمایند.

آب مصرفی بوسیله قنات تامین میشود ولی تعداد قنات کم و بواسطه کمی آب
اهالی دچار زحمت هستند کلیه آبادیها در طول ۱۱ کیلومتر و متصل به یکدیگر در کنار جاده
واقع شده‌اند.

از آبادی زیارت تا کوهك دره های عریض متوالی سیاهان کوه جاده را قطع
نموده است

در ۱۵ کیلومتری زیارت آباد گلپورگان واقع شده که دارای ۲۰ خانوار جمعیت
و محصول عمده آن خرما میباشد.

در ۳ کیلومتری باختر این آبادی بریدگی بعرض ۱۵ متر و بعمق ۲ تا ۳ متر موسوم

به بریدگی کلپورگان واقع شده است و در يك كيلو متری خاور این بریدگی جاده شوسه جالق از جاده شهرستان (شستون) - كوهك جدا میگردد.

در کلپورگان يك كوزه پزی موجود است .

محصول این آبادی فقط خرما است - گندم و جو خیلی جزئی است - دارای يك قنات آب كه ایش باندازه کافی نیست در ۷ كيلو متری کلپورگان آبادی دهك واقع شده كه دارای ۶۰ خانوار جمعیت است و محصولات آن (خرما - گندم - جو) فقط باندازه مصرف اهالی است .

نخلستان دهك در بریدگی وسیعی كه بعرض ۴۰۰ متر و بعمق ۳ متر میباشد واقع گردیده .

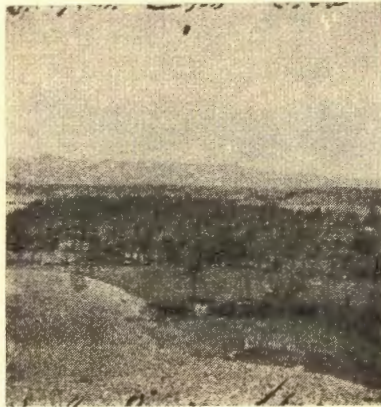
از ۴ كيلو متری دهك دره های سیاهان كوه شروع و تا عمق ۱۳ كيلو متر این دره ها با پیچ و خم های متعدد ممتد و در داخله آنها تپه های زیاد مشاهده میشود . در انتهای این دره ها دره موسوم به نائی چك واقع شده كه دارای آب قنات مختصری با نخلستان كوچك است .

در ۵ كيلو متری نائی چك آبادی مورت واقع گردیده كه دارای ۱۰ خانوار جمعیت است آبش خیلی كم و محصول خرماي ان قليل است .

در ۷ كيلومتر مورت آبادی اسفندك و در دو كيلو متری جنوب اسفندك آبادی درپد واقع است این دو آبادی مجموعاً دارای ۴۰ خانوار جمعیت و فقط دارای نخلستان مختصری میباشد آب این دو آبادی بوسیله يك قنات كوچك تأمین میشود .

پس از اسفندك جاده از دامنه های جنوبی سیاهان كوه در عمق ۳۲ كيلو متر كه تماماً تپه زار میباشد عبور مینماید این تپه ها اغلب خاکی و احياناً سنگلاخی میباشد . در ۵ كيلومتر مری دره نائی چك از طرف شمال رشته تپه خاکی بجاده نزدیک شده كه موسوم به سبدان سر است .

در ۵ کیلو متری تپه مزبور آبادی کوهك واقع است که دارای ۷۰ خانه وار جمعیت و محصول عمده آنها خرماست - غله اش قلیل و آب بیش از يك قنات نبوده و آب آنها کم است .
آبادی کوهك آخرین آبادی مرزی است .



منظره دورنمای کوهك از مرز بلوچستان

از لحاظ منابع محلی - منابع محلی آبادیهای فوق الذکر قابل اهمیت نبوده و محصول عمده آنها خرماست که فقط باندازه احتیاجات اهالی میباشد . گندم و جو کم و کسورات آنها از ایرانشهر و بمپور تأمین میشود .

از حیث کمی آب عموماً در زحمت هستند و بهمان علت کشت و زرع آنها خیلی کم و باندازه احتیاجات خود هم نمیباشد .

از لحاظ نظامی - اهمیت این منطقه فقط براسطه وجود جاده ارابه رو کوهك شهرستان - خاش میباشد و این محور از محورهای فرعی مرزهای مکران محسوب میگردد که در موقع عملیات برای حفظ جناح راست و عقبه قمسئنائیکه در حدود میر جاوره و زاهدان عمل مینمایند مورد توجه است .

مواضع مهم دفاعی در این دهلیز که ۵۰ کیلو متر عرض آنست وجود ندارد زیرا همه جا قابل عبور و بخصوص دره رودخانه ما شکل تا ارتفاعات برک (جنوب این دهلیز) قابل هر گونه نفوذ و عملیات احاطه ای میباشد .



منظره کوهك از روی ارتفاعات مرزی

نظر به فقدان آب و خواربار و مسافت زیاد بین منزلگاهها متعرض مجبور خواهد بود از وسایل موتوری استفاده نماید و برای این منظور هم بایستی از جاده استفاده نماید و چون جاده شهرستان - کوهك را بریدگی های متعددی قطع نموده لذا با استفاده از بریدگها و تپه های اطراف جاده و تخریب جاده در نقاط حساس میتوان عملیات تأخیری اجرا نمود .

نتیجه

نظر بخشگی و بی آبی که در این منطقه حکمفرماست سوق قوای عمده از آن مستلزم تدارکات فوق العاده سنگین میباشد . راه پیمائی پیاده و یا سوق ستونهای سوار نظام در این منطقه غیر مقدور بخصوص جهت افراد بکه معتاد به آب و هوای گرم و خشك نباشند .

بهترین وسیله سوق قوا در این منطقه وسایل موتوری است که با منزلگاه های طولانی بتوان بسرعت این راه را طی نمود .

عندالزوم قوائیکه در این محور عمل نماید بایستی کلیه مایحتاج زندگانی حتی آب همراه داشته باشد وسائل ارتباطی (تلهگراف - تلفن) هنوز در این منطقه دایر نگردیده بهترین استفاده را از بی سیم و هوا پیمائی میتوان بدست آورد .

ساختمان جاده شستان - کوهك فوق العاده بدو طی آن بدون بلد متكامل میباشد .

جاده نفوذی دوراهی گیلپورگان تا جالق مرز ۷۴ کیلومتر

جاده جالق از ۲۵ کیلومتری باحتر گیلپورگان از جاده شستان (شستون) کوهك

منشعب شده .

ابتدا بسمت خاور در جلگه صافی ممتد و پس از عبور از ۵۰۰ متری آبادی مختصر مشکوتاك در ۶ کیلومتری دوراهی داخل تنگه با بیچ و خمهای متعددی عبور و هرچه جلو تر میرود وسعت تنگتر شده بعدی که عرض آن در اغلب نقاط قریب ۴۰ متر میباشد .

پس از طی ۷ کیلومتر در تنگه جاده از گردنه كم اهدیت برنجان وسعت عبور شمال پیش میرود .

وضعیت این تنگه در ابتداء تا پس از طی ۸ کیلومتر از گردنه برنجان طوری است که دامنه دو رشته ارتفاعات سیاهان کوه جاده را از طرفین احاطه ولی رشته ارتفاعات اصلی فاصله شان از یکدیگر در اغلب نقاط در حدود ۱۰۰۰ متر میباشد .

پس از طی ۸ کیلومتر از گردنه برنجان جاده بستر رودخانه پورك ابتداء در سمت شمال خاوری و پس آن بسمت خاور ممتد و در کیلومتر ۳۷ از دوراهی به آبادی ایمانی میرسد قبل از رسیدن باین آبادی یعنی در ۴ کیلومتری آن جاده بستر رودخانه کلاگان

را که بسمت جنوب جریان دارد قطع مینماید از این نقطه تقاطع يك جاده ارا به رو خراب در امتداد رودخانه کلاکان تا اسفندك (بین ستون کوهك) تمتد است .

تنگه در منطقه بستر رودخانه پورگ وسیعتر شده بطوریکه فاصله بین ارتفاعات طرفین در حدود ۲ کیلومتر میباشد .

آبادی اعابی دارای ۲۰ خانوار جمعیت - يك قلعه نسبتاً بزرگ و نخلستان خوبی میباشد محصول عمده آن خرماست که از مصرف اهالی تا اندازه اضافه و به سایر نقاط حمل میشود .

این آبادی دارای يك رشته قنات است که آب آن کافی میباشد .

در ۳ کیلومتری اعابی آبادی پوره (پهورا) واقع که دارای ۱۵۰ خانه وار جمعیت میباشد نخلستان آن خیلی خوب ولی غله آن کم است آب آن باندازه کافی میباشد .

جاده از آبادی اعابی بعد در دره مصفاي پر آبی بسمت شمال پیش میرود

در ۶ کیلومتری پوره آبادی بالا کلا که در حدود ۱۶ خانوار جمعیت دارد واقع دارای نخلستان نسبتاً بزرگ و آب کافی میباشد .

در دو کیلومتری بالا کلا آبادی لجی واقع است . در این آبادی جاده دو شعبه شده یکی مستقیماً بطرف جالق تمتد و دیگری در سمت شمال خاوری آبادی ناغان (تقریباً ۱۰ کیلومتری لجی) وکلادین (تقریباً دو ۳ کیلومتری ناغان) را بیکدیگر متصل مینماید از آبادی اخیر يك راه ارا به رو مستقیماً بسمت جالق تمتد و راه دیگر بسمت مرز میرود مسافت این جاده ارا به رو از آبادی کلادین تا خط مرز تقریباً ۶/۵ کیلومتر میباشد . در آبادی لجی شعبه گمرک پاسگاه امنیه موجود است .

از آبادی لجی تا جالق که ۲۶ کیلومتر میباشد جاده در ابتداء در حدود ۵ کیلومتر در امتداد بستر رودخانه کلاکان در سمت شمال پیش رفته و پس از آن داخل دشتی شده که در اطراف آن بعضی تپه های خاکی کوچک موجود و از حدود ۱۰ کیلومتری جالق بر تعداد تپه ها افزوده شده بطوریکه خود آبادی جالق از سمت جنوب - شمال و باختر از این تپه ها احاطه شده است ولی از سمت خاور کاملاً باز می باشد .

جالق آبادی نسبتاً بزرگی است که دارای چهار هزار نفر جمعیت میباشد.
محصولات عمده آن خرما - گندم - جو - زرت است که باندازه مصرف اهالی
می باشد.

از جالق دو جاده بسمت مرز ممتد است که یکی مهم و اراهه رو میباشد مسافت آن
تا خط مرز در حدود ۲۱ کیلومتر است - دیگری مالرو است که در حدود ۱۰ کیلومتر
مسافت دارد بعلاوه از جالق يك جاده اراهه رو بسمت ناهو ممتد و از ناهو تا گشت
مالرو میباشد.

از لحاظ منابع محلی - آبادیها نیکه در امتداد جاده گلبورگان - جالق واقعند از
حيث منابع محلی فقیر فقط محصول خرماي آنها باندازه مصرف اهالی میباشد.
از حيث گندم و جو فقیر هستند زیرا زمین باندازه کافی برای کشت ندارند
(بواسطه کوهستان بودن منطقه) در صورتی که آب باندازه کافی در این دره موجود است.
از لحاظ نظامی - چون کوههای این منطقه کاملاً در همه جا قابل عبور پیاده روهستند
لذا از اهمیت آنها کاملاً کاسته شده و مواضع دفاعی خوبی نمیباشند.
اهمیت این منطقه از حيث جادههای اراهه روست که تا جالق و مرز ممتد هستند
می باشند.

از لحاظ عملیات نظامی در این محور که از محورهای فرعی مرز مکران میباشد
بواسطه بودن مواضع غیر قابل عبور و کم اهمیت بودن منطقه دفاع قطعی مناسب نمیباشد.
ولی با استفاده از ارتفاعات طرفین جاده و تخریب جاده در نقاط حساس آن اجرای
عملیات تأخیری کاملاً خوب بنظر میرسد.

نتیجه

نظر باینکه محور جالق شستون يك محور نفوذی بسمت خاش و زاهدان است لذا
بایستی این محور را مانند سایر محور های فرعی در دست داشت.

در این محور پیاده و سوار بر خلاف سایر محور های مکران قادر بر حرکت بوده
آب در تمام مسیر راه یافت میگردد و منابع محلی نیز تا حدی قابل استفاده خواهد بود .
وسائل ارتباط (تلگراف - تلفن) در این محور موجود نیست لذا بایستی از وسائل
بی سیم و آئینه مخابره (جهت مسافات کم) استفاده نمود و بخصوص هواپیما در این
منطقه قابل استفاده است :

قسمت سوم راه از آبادی جالق بطرف سغ سوخته شروع شده طول این راه
۴۷ کیلومتر و چون شوسه نشده است مشخصات دیگری ندارد .

از جالق تا ۱۳ کیلومتر اساساً راه وجود نداشته و بایستی از داخل مسیر رودخانه
جالق عبور نموده که چون ته رودخانه دارای سنگ زیاد میباشد عبور با نهایت سختی و
در هر ساعت دو کیلومتر خواهد بود و بسمت شمال خاوری ادامه دارد و در کیلومتر
۱۳ راه از بریدگی رودخانه بطرف شمال باختری خارج شده و در زمین کویری که فقط
يك راه پیاده رو آنهم در بعضی نقاط در نتیجه حرکت شنهای روان از بین میرود حرکت
مینماید . لیکن چون زمین محکم و خوبست تا کیلومتر ۵ عبور باسانی ممکن و از آن محل تا
۴۷ که آبادی سغ سوخته میباشد بواسطه بودن شنهای روان عبور مشکل و بدون وسائط
امکان پذیر نخواهد بود .

جاده مرزی بین زاهدان خاش از میرجاوه

مساحت از زاهدان تا میرجاوه ۸۴ کیلومتر

از زاهدان يك رشته خط آهن یکمتر و چهل تقریباً بموازاات جاده تا میرجاوه
امتداد دارد از میرجاوه از خالك ایران خارج شده بسمت بلوچستان انگلیس ممتد و به
نوکندی میرود .

جاده زاهدان به میرجاوه از يك جا كه خشك كه در سمت راست آن ارتفاعاتی



منظره ارتفاعات لارد و ملك سياه كه در جيب آن رباط بلوچستان واقع شده
يكن چنگل كزی در وسط در عمق ملاحظه ميشود كه تا رباط نامتداد ندارد.

که فاصله آن با جاده ۱۲ کیلومتر و در سمت چپ آن ارتفاعاتی که فاصله آن تا جاده ۵ کیلومتر و تقریباً يك دهلیز وسیعی تشکیل میدهد میگردد .

در ۱۴ کیلومتری زاهدان يك رشته ارتفاعات خاکی بعمق ۴ کیلومتر از ارتفاعات سمت چپ جدا شده و يك رشته ارتفاعات خاکی در کوههای سمت راست جدا شده تقریباً بهمان عمق این دو رشته ارتفاعات خاکی در سمت چپ و راست یکدیگر را تلاقی نموده و جاده تقریباً ۴ کیلومتر از وسط این ارتفاعات خاکی میگردد .

در ۳۰ کیلومتری زاهدان يك رشته ارتفاعات خاکی با ارتفاع ۵۰ و عمق يك کیلومتر در طرفین جاده موجود پس از خروج جاده از این ارتفاعات تا میر جاوه در يك جلگه خشکی امتداد دارد .

دد طول این جاده آبادی مشاهده نشده بلکه فقط يك پاسگاه امنیه و يك ایستگاه راه آهن در کچه رود ۲۵ کیلومتری زاهدان و يك پاسگاه امنیه در شصت کیلومتری زاهدان واقع است .

میر جاوه -

این آبادی از نقطه نظر گره مواصلاتی اهمیت خاصی دارد زیرا روی خط آهن نوکندی به زاهدان و روی خط شوسه خاش به زاهدان واقع گردیده بعلاوه محور مهمی که درب ورودی بلوچستان انگلیس بداخله ایران محسوب میشود در این محل واقع است در زمان انگلیسها بنگاههای بزرگ از قبیل مرکز ارزاق و مهمات و ایستگاه راه آهن نظامی در این محل ساخته شده .

این آبادی دارای آب نبوده موقعی که انگلیسها شروع به کشیدن خط آهن و ساختن ایستگاه و سایر بنگاهها نظامی نموده اند استخری در ۶ کیلومتری ساخته و آب را از کوهستان بوسیله لوله های متعدد تا میر جاوه کشیده اند فعلاً بواسطه لوله کشی دارای آب مشروب باندازه مکفی میباشد .

از میر جاوه بخاش .

مسافت ۱۲۰ کیلومتر

از میر جاوه بسمت خاش جاده بایک شیب ملایمی رو بارتفاعات کچا کوه بالا رفته سپس تاخاش بایک شیب ملایمی پائین میرود .

از ۷ کیلومتری میر جاوه بریدگی لادیز که بعرض ۱۰۰ متر و عمق ۱۰ متر است بموازات جاده امتداد دارد از ۱۰ کیلومتری میر جاوه جاده از بین يك رشته ارتفاعات خاکی کوتاه عبور کرده در ۲۰ کیلومتری ارتفاعات شروع شده چمنی بنام چمن دلیجان در سر راه موجود که در عقب آن مقداری گندم وجو بوده و دارای ۴ قنات که هر قناتی دو سنگ اب دارد سکنه این محل چادر نشین و يك صد خانوار هستند محصول علاوه بر مصرف اهالی ندارد احشام آن تقریباً ۱۰۰ گاو و ۲۰۰ شتر ۵۰۰ گوسفند است از ۲۰ کیلومتری میر جاوه يك رشته ارتفاعات سنگی به ارتفاع تقریباً ۶۰۰ متر و عمق ۱۶ کیلومتر بموازات جاده امتداد دارد که جاده از دره بین این دو ارتفاع میگذرد در ۵۰ کیلومتری میر جاوه جاده از گردنه ارتفاعات فوق الذکر عبور کرده مجدداً داخل يك دره میشود که دو رشته ارتفاعات سنگی بموازات جاده امتداد دارد عمق این ارتفاعات ۱۰ کیلومتر و این ارتفاعات از جاده از يك الی دو کیلومتر مسافت دارد .

در ۶۰ کیلومتری میر جاوه جاده از این ارتفاعات از گردنه گذشته از آن به بعد بسمت خاش سرازیر میشود .

آبادی سنگان در زیر این گردنه دارای ۵۰ خانوار ۵۰۰ بز ۵۰ شتر زراعت گندم با اندازه مصرف سکنه دارد دو رشته قنات که هر يك از يك سنگ و نیم الی دو سنگ آب دارد .

جاده در دامنه ارتفاعات سرازیر شده تا ۱۵ کیلو متری خاش از يك كرده گذشته سپس داخل در جلگه شده و پس از ۱۵ کیلو متر به خاش میرسد.

وضعیت منابع محلی

وضعیت منطقه بین میر جاوه و زاهدان - میر جاوه خاش از حیث منابع محلی فرق العاده فقیر سکنه آن بزحمت میتوانند بعلت بی آبی وعدم استعداد اراضی محصول خودشان را باندازه استمرار زندگانی خود تهیه نمایند.

لیکن از نقطه نظر استفاده نظامی روی هم رفته منطقه بین میر جاوه و خاش میتواند در حدود ۵۰۰ گوسفند ۱۰۰ گاو و ۵۰۰ شتر برای مصرف اردو کشتی تهیه نماید.

این جاده چون در مجاورت مرز واقع شده يك جاده مرزی محسوب میشود.

محورهای بین کرمان و مکران

دو جاده بطرف منطقه مکران میتوان در نظر گرفت که قابل اتومبیل رانی است

در درجه ۱ جاده بم - فهرج - نصرت آباد - زاهدان

در درجه ۲ جاده بم - ریگان خاش

در بین این دو جاده - جاده ریگان بخاش به مرکز مکران نزدیکتر و از لحاظ نظامی قابل استفاده تر و حتی برای عبور در صورت توجه بهتر خواهد بود گرچه امروز این جاده متروک و کلیه آمد و شد چون از زاهدان انجام میشود از راه فهرج عملی میشود این دو محور را اینک تشریح مینمائیم

جاده خاش بم

این جاده که يك جاده عرضی محسوب میشود خاش را به کرمان متصل و تقریباً يك جاده مترو که محسوب میگردد بطول ۳۹۷ کیلو متر مسافت از خاش به سامسور ۱۴۵ کیلو متر سامسور تا بم ۲۵۲ کیلو متر

قسمت بین سامسور تا یوسف آباد از وسط شن روان بایستی عبور نموده که زمین فوق العاده نرم و در مسافتی در حدود ۵۰ کیلو متر فرو رفته و فوق العاده خطرناک

است بطوریکه جز برای ستونهای اتومبیلی و کاروانهای این راه برای عبور خودروهای منفرد فوق العاده خطر ناک است، مخصوصاً بواسطه بی آبی و درجه حرارت فوق العاده

جاده از خناش تا سامسور

۱ - شناسائی از لحاظ جغرافیائی

جاده پس از خروج از خناش بسمت باختر در يك جلگه مسطح پیشرفته ارتفاعات تفتان که در سمت راست جاده مشاهده میگردد دید خوبی روی جلگه و جاده دارد. در سمت چپ ارتفاعات پنج انگشت دیده میشود

دهلیز واقع بین این دو رشته ارتفاعات نسبتاً وسیع و در همه نقاط قابل عبور است پس از خروج از جلگه فوق جاده داخل تپه ماهورهای کم اهمیتی شده سپس مجدداً داخل جلگه بازی میگردد تا ۴۱ کیلومتری که پاسگاه امنیه واقع است. این منطقه موسوم است به دولانه که دارای چاه آب است که سابقاً قنات بوده.

در کیلومتر ۴۴ يك جاده اتومبیل رو منشعب و بطرف زاهدان میرود. پس از آن در مقابل و در سمت چپ جاده کوه چاه کاوی - کوه نادر - و کوه چاه شهبی مشاهده میگردد و در سمت راست جاده گوهر کوه دیده میشود کیه این قسمتهای کوهستان دارای آب میباشد. جاده در کیلومتر ۵۰ بخط ارتفاعات نامبرده بالا برخورد کرده ابتدای تنگ جوری میباشد. از تنگ جوری جاده در مسیل عبور مینماید که در مواقع بارندگی غیر قابل عبور است. طرفین مسیل را ارتفاعات احاطه نموده وسعت این تنگ متغیر و تا ۲۰۰ متر میرسد عمق آن ۳۳ کیلو متر در مسیل و ارتفاعات جنگل تنگی که در قسمتهای آن معروف به بنه و خنچك میباشد وجود دارد. در تنگ مزبور در کیلومتر

۸۴ يك جاده بسمت كارواندر و ايرانشهر منشعب ميشود جاده مزبور اتومبيل رو وسيله نزديكى براى ارتباط ايرانشهر و محور بم - کرمان ميباشد. بدین ترتیب ايرانشهر از كارواندر بدو محور خاش و بم - کرمان متصل بوده و اهميت ارتفاعات كارواندر مشهود ميشود. در كيلومتر ۹۸ ابادى بوك واقع شده كه جاده از چند كيلومتری آن ميگذرد. این آبادی دارای ۷ - الی ۸ خانوار ميباشد پس از خروج از تنك جاده وارد يك جلگه وسيع شن زارى ميگردد كه در بعضی نقاط آن توده های شن وجود دارد كه مزاحم عبور ارايه ها ميگردد. در خارج از جاده عبور كاملاً مشكل ميباشد. جلگه نامبرده در ابتداء موسوم به جلگه قجر و سپس جلگه سامسور ميباشد. هدايت عده ها بدون بلد بخصوص در مواقع شب مشكل خواهد بود (پاسگاه امنيه در دشت سامسور در كيلومتر ۱۴۵ واقع ميباشد).

رود خانه سامسور دارای عرض ۵۰ متر و عمق ۲-۳ متر ميباشد. اغلب نقاط آن هميشه دارای آب است. آب آن شور و در اطراف آن چاههای آب شیرین موجود است. رودخانه مزبور از كوه بزمان كه سمت چپ جاده قرار گرفته سرچشمه گرفته بطرف كوير زنگی احمدآباد جاری ميگردد. و هر دو جاده زاهدان و خاش را از جنوب بشمال قطع مينمايد.

جلگه سامسور مرتع خوبی برای احشام است مخصوصاً شتر.

۲ - از لحاظ اقتصادى

چون مسیر جاده بدون سکنه و آبادی است از این لحاظ فاقد عوايد ميباشد. فقط آب وجود دارد و موقتاً در فصل مساعد مرتع احشام واقع ميگردد.

۳ - از لحاظ نظامی

اساساً این جاده جاده عرضی است كه دو محور اصلی طهران - مهران و طهران - کرمان را بیکدیگر متصل مينمايد. شوسه نیست. لکن با مختصر ترمیم كاملاً قابل استفاده

ارابه میباشد - جاده مزبور در مواقع لازم برای تقویت پادگان های کرمان بوسیله پادگان های مکران و بالعکس قابل استفاده خواهد بود.

رری این قسمت جاده سه موضع تأخیری پیش بینی میشود .

الف - دامنه های ارتفاعات تفتان و پنج انگشت .

ب - رشته ارتفاعات نامور - چاه گاوی و گوهر کوه .

ج - ارتفاعات دوری.

مواضع مزبور برای اجرای عمل تأخیری و مسدود نمودن جاده مناسب میباشد ولی باید دانست که ارتفاعات نامبرده را میتوان دور زده و جاده های جواز رو در کوهستانات نامبرده موجود میباشد .

نتیجه

طول جاده از خاش تا سامسور ۱۴۵ کیلومتر عرض آن ۴ متر در اسفیدات جاده یکطرفه میباشد .

وجود توده های شن در بعضی نقاط جاده و دست انداز های متعدد عبور آنرا مشکل میباشد .

چون جاده در بعضی نقاط از مسیل میگردد و عبور از آن در مواقع بارندگی غیر مطمئن میباشد .

اجرای عملیات تأخیری روی این جاده بواسطه وجود آب و ارتفاعات تا سامسور مساعد لیکن چون از آن بیعداب و ارتفاعات و بریدگی رودخانه وجود ندارد عملیات روی این محور دچار اشکال خواهد شد .

جاده از سامسور به بم و از بم به کرمان

از سامسور به بم

جاده سامسور به بم شوسه نبوده بلکه چون زمین نسبتاً هموار و اغلب اراضی قابل عبور و سائط ارا به ایست لذا معبر مال روی قدیم جزئی دستکاری شده و بواسطه قسمتی از سنک چین ها که در طرفین جاده دیده میشود مسیر جاده نمایان است. در طول مسیر اغلب جاده در زیر ماسه های بسیار که اغلب بوسیله جریان باد تغییر مکان میدهند مستور و در نتیجه ممکن است عابرین را به بیابان گرم و بی آب و علف سرگردان سازد.

عبور مسیل های متعدد در این محور احداث دست انداز هائی نموده که عبور و سائط چرخى را دشوار میسازد. لذا عبور با وسائط چرخى از این جاده مستلزم تشکیل ستونهای ارا به ایست تا به کمک بلد های محلی بتوانند از این دشت گرم سوزان عبور بنمایند. سایر رسته ها در صورتیکه آب مکفی نداشته باشند نمى توانند از این جاده عبور و مرور نمایند.

مسافت از سامسور به بم ۲۵۲ کیلو متر است

وضعیت مناطق

از سامسور تا رحمت آباد ۱۰۸ کیلو متری بم منطقه ماسه جز چاه آب که موسوم به چاه ملك است آبادی دیگری در سر جاده دیده نمیشود. از رحمت آباد به وکیل آباد ۳۰ کیلو متری اراضی طرفین جاده دارای جنگلهای تنک کز ۳۱۲ پارچه آبادیهای نرماشیر در این اراضی واقعند. از وکیل آباد تا بم منطقه خشك و شن زار به ندرت آبادی در این منطقه دیده می شود.

آبادیهائیکه در سر راه واقعند

تعداد کیلومتر تا بم	اسم آبادی
۱۰۸	شنک آباد
۹۰	ریکان
۷۲	سوک آباد
۶۶	محمد آباد
۶۰	برج محمدخان
۵۴	عدل آباد
۴۹	حیدر آباد
۴۸	زاهد آباد
۴۲	وکیل آباد
۲۶	رستم آباد
۶	شوراب

در سه کیلومتری وکیل آباد یک بریدگی بعرض ۳۰ متر و عمق ۱۰ متر موجود است. در نزدیکی رستم آباد جاده زاهدان به بم از این جاده منشعب و سیم تلگراف زاهدان به بم در محازات آن امتداد دارد.

مواضع - در منطقه بین سامسور و بم بلا فاصله پس از خروج از سامسور یک رشته ارتفاعات منفرد موجود است که قابل استفاده برای عملیات نظامی نیست.

از این ارتفاعات تا ابتدای جنگل زمین صاف و بدون عارضه فقط قسمت جنگل گز مستعد عملیات تاخیری میباشد

آبادیهای بمیان جنگل چون دارای میدان دید و تیر نمیشدند قابل استفاده تدافعی و عملیات تأخیری نیستند.

محور بم به زاهدان

مقدمه

طول محور بم به زاهدان ۳۲۳ کیلومتر و عرض آن در نقاطی که جاده شوسه است از ۵ الی ۷ متر بوده و دو کامیون در پهلوی یکدیگر میتوانند عبور نمایند و در بعضی نقاط دیگر که جاده شوسه وجود ندارد بیابان صاف و یا صحرای صعب العبوری جاده را تشکیل میدهد و عرضی برای آن نمیتوان قائل شد.

اهمیت این محور بواسطه آنست که زاهدان که يك شهر مرزیست به بم و کرمان و یزد بالاخره بمرکز کشور متصل مینماید و کوتاه ترین راهی است که مرز جنوب خاوری را به کرمان اتصال میدهد.

نقاط عمده که در روی این محور واقع می باشد یکی خود شهر بم است که در سه راهی بم به زاهدان بم بکرمان و بم به بندرعباس واقع گردیده ولی این راه اخیر هنوز در دست ساختمان بوده و فقط تاجیرفت رسیده است

دیگر آبادی فهرج است که انتهای خاک کرمان بوده و در سرد و محور بم فهرج زاهدان و فهرج و خاش واقع گردیده است پس از آن نقطه مهم تر از همه خود زاهدان است در سر چهار راهی زاهدان به مشهد و زاهدان به میرجاوه و مرز و زاهدان به خاش و بالاخره زاهدان به بم و کرمان و یزد مرکز واقع گردیده است

از نقطه نظر جغرافیائی و طبیعی

از نقطه نظر طبیعی و جغرافیائی این محور بچندین منطقه مشخص تقسیم میشود:

منطقه یکم

منطقه یکم از بم شروع شده و در فهرج خاتمه می یابد.

طول این قسمت ۵۵ کیلو متر و عبارتست از يك جلاگه حاصل خیز و دارای

آبادیهای زیاد که بدو بخش کروک و نرماشیر تقسیم میشود :

بخش کروک از آبادی بروات در ۶ کیلو متری جنوب خاوری بم شروع شده و تا آبادی وکیل آباد خاتمه می یابد این بخش شامل ۲۰ پارچه آبادی است که غالباً در قسمت جنوبی جاده واقع اند و آبادیهای مهم آن از این قرار اند :

قلعه خان - محمد آباد - شمس آباد - ملک آباد - چهار دانگ -

بلوک نرماشیر از وکیل آباد که در کیلو متر ۲۷ از بم واقع است شروع شده و در فهرج تمام می شود و شامل آبادیهای زیادی است که از طرفین جاده یعنی در سمت شمالی و جنوبی جاده واقع اند که مهم ترین آنها عبارتند از آبادیهای وکیل آباد - مراد آباد - عبدل آباد - شاهرخ آباد - زیاد آباد - رستم آباد - که در قسمت شمالی جاده واقع شد و آبادیهای قیاسم آباد - حسن آباد - حسین آباد قائم آباد - عزیز آباد که بمسافتی مختلف از قسمت جنوبی جاده واقع شده اند و بالاخره آبادی فهرج که در طرفین جاده واقع است

جاده بم تا فهرج جاده شوسه بوده و قابل عبور همه گونه وسایل می باشد در این قسمت يك رشته ارتفاعات پستی که شامل يك سلسله تپه های متصل و منفرد است باسم کوه کپوتی در قسمت شمال جاده بمسافت ۱۲ کیلو متر و بطور موازی واقع شده است که از شمال خاوری بم امتداد داشته و در مقابل آبادی وکیل آباد دو رشته میشود يك رشته آن بطرف جنوب خاوری امتداد داشته و بتدریج بجاده نزدیک میشود تا آنکه در نزدیک فهرج بشکل تپه های منفردی در آمده و متصل بقسمت شمالی فهرج شده سپس تا ده کیلو متر خاور فهرج امتداد می یابد . از فهرج بیحد تمام این ارتفاعات بطور موازی باجاده واقع شده و بشکل تپه های منفردی می باشد که در طرفین جاده واقع است رشته دیگر این ارتفاعات از مقابل وکیل آباد بطرف خاور امتداد داشته و در شمال خاوری فهرج بمسافت ۱۴ کیلو متر از رشته اول تبدیل به يك ارتفاعات خیلی پستی شده و تمام میشود .

در قسمت جنوبی این محور بمسافت تقریباً ۷۰ کیلو متر از جاده کوههای بهیچ

که امتدادان بطرف جنوب خاوری است واقع و آبادی جیرفت در قسمت جنوب این ارتفاعات قرار گرفته است .



منظره اراضی در مجاورت فهرج که بواسطه شسته شدن بوجود آمده

از این ارتفاعات جنوبی يك رود خانه جدا شده که بطرف شمال خاوری امتداد داشته و در نزدیکی آبادی قاسم آباد و در جنوب جاده امتداد خود را بطرف خاور گردانیده و از بین آبادیهای نرماشیر گذشته سپس جاده بم به ریکان و خاش را قطع کرده و از مابین آبادیهای نرماشیر عبور نموده پس از آن آبادیهای فهرج را بدو قسمت نموده و پس از طی مسافت زیادی از فهرج در بیابان جنوب خاوری آن با شعبات چندی تمام میشود این رودخانه در زمستان و تا آخر خرداد ماه دارای آب بوده و پس از آن خشک میشود . این رودخانه که آبادیهای نرماشیر را مشروب می نماید از يك بریدگی بعرض ۵۰ الی ۱۵۰ متر عرض عبور مینماید که نسبتاً پر عمق است .

در كيلو متر ۳۶ از مقابل آبادی زیاد اباد جاده بدو شعبه تقسیم میشود که يك شعبه آن بطرف جنوب خاوری امتداد داشته و بطرف خاش میرود و شعبه دیگر آن بطرف زاهدان متوجه میشود .

از کیلو متر ۳۶ تا فهرج در سمت شمال جاده و بلافاصله متصل به آن بیشه‌ای از درختهای گز زیاد مشاهده میشود که تقریباً طول آن به ۵ کیلو متر میرسد و پس از آن در طرفین جاده دیوارهایی شبیه به یک رشته آبادی‌های مخروطی مشاهده میشود که ابتدا تصور میرود در این قسمت آبادیهای زیادی وجود داشته که در اثر زلزله یا سیل خراب شده اند و از آن دیوارهایی باقی مانده است ولی پس از تحقیقات معلوم شد که این دیوارها عبارت از تپه‌های منفردی است که در اثر سیل‌های شدید شسته شده و به این شکل در آمده است.

در این منطقه اهالی آب خود را بوسیله قنات‌ها بدست آورده و از آب‌های جاری هم استفاده میشود فهرج آخرین نقطه خاک کرمان بوده و از این نقطه خاک مکران شروع میشود

منطقه دوم

منطقه دوم از ۱۲ کیلو متری خاوری فهرج شروع شده و در کیلو متر ۱۷۴ که ابتدای منطقه کوهستانی است تمام میشود عمق این منطقه ۱۹ کیلو متر است این منطقه عبارت از یک صحرای شن زار لم یزرع و فوق العاده گرمی است که ابدآ در آن آب وجود ندارد. این صحراها همان حاشیه جنوبی کویر لوت است که جاده از وسط آن عبور مینماید، در این قسمت جاده شوسه وجود ندارد بلکه همان رده چرخهای ماشینها تشکیل جاده را داده است، عبور و سائط نقلیه در این قسمت فوق العاده مشکل و در شب و حتی چنانچه قبلابوضعیت جاده اشنائی نداشته باشند در روز هم ممکن است خط سیر را گم نمایند.

در این قسمت شنهای روانی وجود دارد که غالباً مانع از حرکت ماشینها بوده و ماشینها در آن فرو میروند.

در این بیابان دو میله باسم میله نادری وجود دارد یکی در کیلو متر ۸۳ و دیگری



میله نادری که رامنما است در شورگز لوط

در کیلو متر ۱۲۱ این میله ها را نادر شاه افشار از نقطه نظر راه نمائی مسافرین که راه خود را گم نکنند، ساخته است ولی میله دومی که در کیلو متر ۱۲۱ واقع است خراب شده..

در این کویر آبادی ابدآ وجود ندارد مگر دو پست امنیه یکی در کیلو متر ۱۰۴ موسوم به شورگز و یکی دیگر در کیلو متر ۱۳۴ موسوم به کهورک در این دو محل علاوه بر پست امنیه تلفن خانه هم وجود دارد در پست شورگز آب مشروب خود را از چاه بدست آورده در پست کهورک بوسیله چشمه که در دامنه ارتفاعات واقع در سه کیلو متری جنوبی کهورک واقع است بدست میاورند .

بدترین و سخت ترین محل عبور از شورگز تا ۱۲ کیلو متری خاور اینجا میباشد

که تپه های شنی زیاد بهم در این قسمت مشاهده میشود که در اثر طوفانهای شنی تولید شده است .

گر چه ظاهرآ در این اراضی در سطح زمین آبی وجود ندارد ولی چنانچه به عمق نیم متر این زمینهای شنی را حفر نماید آب بدست خواهد آمد و این وضعیت در غالب نقاط این کویر دیده میشود ولی آبی که بدست میاید قدری گس است .

بعضی اوقات در این کویر بادهای و طوفانهای خیلی سختی وزیده که تولید طوفانهای نموده و تشدید تپه هایی را میدهد در آن موقع عبور از آنجا خطرناک بوده و عابرین ممکن است دچار هلاکت گردند .

از کیلو متر ۱۲۱ در جنوب جاده بمسافت خیلی دوری يك ارتفاعاتی دیده میشود که بتدریج بطرف شمال امتداد داشته و بجاده نزدیک میشود تا اینکه در کهورک در ۳ کیلو متری جنوب آن عبور کرده و موازی با جاده امتداد یافته و در ۱۵ کیلو متری شمال خاوری کهورک باز از جاده دور شده و بطرف جنوب خاوری امتداد پیدا میکند . چشمه آب شیرینی که در سه کیلو متری در جنوب کهورک واقع است که پاسگاه امنیه از آن استفاده مینماید در دامنه همین ارتفاع واقع است .

در شمال این صحرای وسیع اراضی دهنه باغی واقع است که طایفه دهنه باغی در آنجا سکنی دارند در جنوب آن محل نقطه موسوم به رنگی احمد واقع است که فقط عبارت از يك چشمه آب شیرینی است و چند عدد درخت این نقطه سابقاً گذرگاه سارقین بلوچ بوده که در آنجا استراحت کرده و آب خود را تامین میکردند در جنوب این صحرا نیز طایفه دیگری سکونت دارند ، در جنوب باختری این محل و مطابق با جنوب شورگز طایفه معروف اسماعیل زائی مسکن دارند ، این طایفه بشرارت و دزدی معروف بوده و سابقاً آبادیهای بم و نرماشیر را مورد غارت و سرقت قرار میدادند ولی حالیه از شرارت آنها جلوگیری شده است .

منطقه سوم

این منطقه از کیلومتر ۱۷۴ شروع شده و در کیلو متر ۲۰۶ تمام میشود عمق این منطقه ۳۲ کیلو متر بوده و تمام کوهستانی است .

در این قسمت تمام مسیر جاده در وسط تنگه واقع شده که دوطرف آنرا کوههایی با شیب خیلی تند و غالباً بطور بریده و پرتگاه قرار گرفته است در حقیقت جاده در تمام مسیر خود از وسط يك دره‌ئی که عرض آن ۵۰ الی ۱۰۰ متر است عبور مینماید و دارای پیچ و خمهای زیادی میباشد در تمام مسیر این دره درختهای گز و سقز وجود دارد .

در کیلومتر ۱۸۹ در این دره دو چشمه آب گوارائی وجود دارد که مسافرین میتوانند در آنجا استراحت نموده و آب خود را تأمین نمایند همینکه چهار کیلو متر از این چشمه دور شدیم جاده وارد يك گردنه شده و از وسط آن عبور مینماید عرض این گردنه ۵ متر بوده و دو ماشین از پهلوئی یکدیگر در این محل نمیتوانند عبور نمایند . در کیلومتر ۱۹۴ مرتفع ترین نقطه این گردنه واقع است که از آنجا جاده بطرف جلگه نصرت آباد سرازیر میشود ، این گردنه موسوم به گردنه نادر است و از اینجهت این اسم به آن نهاده شده که آنرا نادر ساخته است چه ابتدا این يك راه پیاده روئی بیش نبود . و اخیراً دولت آنرا وسیع و اتومبیل رو نموده است . شیب این گردنه ۷ در صد می باشد .

در این قسمت چنانچه فوقاً ذکر شد راه از وسط دره عبور میکنند و در مواقع بارندگی که این دره پراز آب میشود جاده مسدود میگردد .

منطقه چهارم

منطقه چهارم که از نصرت آباد در کیلومتر ۲۰۶ شروع شده در کیلومتر ۲۷۵ تمام میشود .

جاده در این قسمت از يك جلگه بعرض ۳۰ كيلومتر عبور مينمايد .
رشته كوههائی كه فوقاً ذكر شد در نزديكى آبادى نصرت آباد بدو قسمت شده
يك قسمت آن بطرف جنوب خاوری و بعداً خاور و قسمت ديگر آن بطرف شمال خاوری
و خاور امتداد پيدا كرده و يك جلگه بعرض ۳۰ كيلو متر كه جاده در وسط آن
عبور مينمايد تشكيل ميدهند اين دو رشته مجدداً بيكدديگر نزديك شده و در كيلو متر
۲۷۵ بهم وصل شده و كوهستان ملوسان را ايجاد مينمايد كه ابتدای منطقه پنجم
شروع ميشود .
در این قسمت در كيلو متر ۲۵۵ نلسيان واقع است كه يك پاسگاه امنيه در آنجا
وجود دارد .

منطقه پنجم

منطقه پنجم نيز يك قسمت كوهستانی است كه از كيلومتر ۲۷۵ شروع ميشود
در این قسمت جاده مانند منطقه سوم از وسط يك درئى عبور مينمايد كه عرض آن از
عرض دره واقع در قسمت سوم بيشتر بوده و در این قسمت كوهها دارای يك نشيب
ملايم تر است و ارتفاع اين كوهها نيز از كوههای منطقه سوم كمتر است جاده پس
از طی ۱۴ كيلومتر در این كوهستان بطرف جنوب چرخيده و باز پس از طی ۱۶ كيلومتر
ديگر در كوهستان وارد جلگه زاهدان ميگردد .

از نقطه نظر اقتصادى

در منطقه واقع بين بم و زاهدان در قسمتهای جلگه اباديهای چندی واقع است
كه قسمت عمده آن در منطقه اول كه فوقاً ذكر شد مى باشد .
مهم ترين نقاط از نقطه نظر اقتصادى در منطقه اول همان بم است كه دارای
۱۵ هزار جمعيت بوده و محصولات عمده آن گندم ، جو ، خرما ، مرکبات از همه
قسمتى باشد .

از این محصولات گندم و جو را با اندازه مایحتاج خود داشته ولی خرما را میتوان در حدود ۳۰۰ خروار علاوه بر مایحتاج خود بخارج صادر نمایند
حشم در این شهر از قبیل گاو و گوسفند و غیره نسبتاً بدنبوده و احتیاج اهالی را مرتفع مینماید و قسمت عمده بارکشی اهالی این شهر بوسیله الاغ و شتر انجام میشود
سایر آبادیهائی که از نقطه نظر اقتصادی در این منطقه تا اندازه مهم و قابل ذکراند بقرار زیر است :

۱- آبادی برواست که جمعیت آن در حدود ۳۰۰ خانوار حشم جزئی و محصولات عمده آن گندم، جو، خرما، پنبه و مرکبات نسبتاً زیاده
۲- آبادی وکیل آباد جمعیت در حدود ۲۰۰ خانوار محصول عمده آن گندم جو، خرما، حنا، مرکبات.

حشم در این آبادی در حدود ۳۰۰ گوسفند، ۳۶ گاو تعدادی الاغ و شتر
در این آبادی یک پاسگاه امنیه وجود دارد

۳- آبادی زیاد آباد که جمعیت آن در حدود ۵۰ خانوار و محصولات عمده آن گندم، جو، خرما، جزئی مرکبات و ارزن
حشم در حدود ۹۰۰ گوسفند ۴۸ گاو

۴- آبادی فهرج جمعیت در حدود ۹۰۰ نفر محصول عمده آن گندم، جو، خرما
ذرت جزئی مرکبات

حشم در حدود ۳۰۰ گوسفند ۲۰۰ گاو ۲۰ شتر
سایر آبادیهای قسمت اولی که جزء بخش کرون و نرماشیر می باشند جمعیت و محصول آنها بهمین نسبت می باشند کلیتاً محصولاتی که در منطقه اول بعمل می آید عبارتست از گندم، جو، خرما، ذرت، ارزن، مقدار کمی پنبه، حنا، کتیرا، زیره، روغن، پشم کرک و مرکبات.

از این محصولات آنچه که از این منطقه به اطراف مانند کرمان و یزد و غیره
مفرستاده میشود عبارتند از کمی غلات مقدار بیشتری خرما، مقدار کمی پنبه، کتیرا،
مقدار کمی روغن، حنا، زیره و از مرکبات پرتقال و نارنگی.

از نقطه نظر نظامی

چنانچه در قسمت مقدمه ذکر شد اهمیت نظامی محور کرمان بم، زاهدان بواسطه
آنستکه که مرز جنوب خاوری را به کرمان متصل مینماید و این يك راه
نفوذی است از جنوب خاوری ولی در این محور بواسطه بدی وضعیت جاده و سختی
منطقه عبور ستونها فوق العاده دچار اشکالی خواهد شد، بدترین قسمت این منطقه



اولین میله نادری واقع در ۸۳ کیلو متری بم

همان قسمت دوم یعنی قسمت کویر است که بواسطه نبودن جاده و وجود شنهای روان
که مانع حرکت است فوق العاده سخت و صعب العبور می باشد، گرمای شدید تابستان
یادهای گرم، طوفانهای شنی، نبودن آب در این منطقه تمام مانع بزرگ و خطرناکی برای

عبور ستونها میباشند عبور ستونهای پیاده از این کویر فوق العاده مشکل بوده در فصل تابستان و در روز بواسطه شدت حرارت و طوفانهای شنی و نبودن آب غیر مقدور ولی ممکن است در شب که هوا خنک تر میشود عبور نمایند ولی می باید تهیه های لازمه را از قبیل آب بمقدار کافی و برای ۱۰ الی ۱۲ روز و اذوقه برای این مدت تهیه دیده و همراه داشته باشند و بعلاوه باید دارای چادرهایی باشند که روز را در زیر آن استراحت کرده و حرکت نکنند و بمحض خنک شدن هوا در شب حرکت را ادامه دهند. ستونهای پیاده برای عبور از این منطقه مجبوراً بنه خود را باید بوسیله شتر که قدرت و طاقت زیادی دارد حمل نمایند و بهتر آنستکه دواب خود از قبیل قاطرها و اسبهای باری را سبک بار نمایند.

چون این اراضی شن زار و راه رفتن بواسطه شنهای نرم و فرو رونده در آن فوق العاده بطی و خسته کننده است لذا پیاده نظام در ساعت بیش از ۲ کیلو متر و در بعضی نقاط که وضعیت زمین بدتر است حتی يك کیلو متر در ساعت بیشتر نمیتواند حرکت کند و در مدت ۲۴ ساعت پیاده نظام بیش از ۵ ساعت یعنی ۱۰ کیلو متر منتهی. قادر بحرکت نیست بنابراین منطقه را که طول آن ۱۲۰ کیلو متر است در عرض ۱۰ الی ۱۲ روز طی خواهد کرد پس باید برای مدت ۱۰ الی ۱۲ روز بلبه که ۱۵ روز اذوقه و آب و غلیق همراه داشته باشند بواسطه نبودن جاده و احتراز از کم کردن راه ستونهای پیاده می باید بلد همراه بردارند چون در مواقع زمستان و بارندگی بواسطه رطوبت باران این شنهای نرم بیکدیگر چسبندگی پیدا کرده و محکم میشوند لذا عبور از روی آن سهلتر شده و پیاده نظام بهتر و آسانتر از روی آن میتواند حرکت کند.

عبور سواره نظام و توپخانه اسبی نیز مانند پیاده دشوار بوده و تابع همان شرایط میباشند با فرق اینکه این کویر را سریعتر و در مدت کمتری عبور خواهند کرد.

ستونهای اتومبیلی برعکس پیاده نظام باید در روز از صحرا عبور نمایند زیرا که بواسطه نبودن جاده و یکنواخت بودن صحرا چنانچه در تاریکی شب عبور نمایند راه خود را گم کرده و دچار خطرات بزرگی خواهند شد لذا این صحرای وسیع را باید حتماً

ستونهای اتومبیلی در روز و با سرعت حرکت نمایند ولی برای احتراز از فرو رفتن در شن باید نکات ذیل را در نظر داشته باشند :

۱ - هر اتومبیلی می باید دارای دو قطعه تخته بطول اتومبیل بوده و بیل همراه داشته باشند .

۲ - کلیه اتومبیلها می باید با هم حرکت نمایند .

۳ - اقلاً دو اتومبیل با افسر لایق و جدی در عقب ستون اتومبیل مانند نظم آرا حرکت نماید تا عقب مانده ها را کمک کرده و بجلو برانند .

۴ - آب بمقدار کافی همراه داشته باشند .

۵ - سعی نمایند که در روز حرکت نمایند و اگر صبح زود از این منطقه عبور نمایند که هوام نسبتاً خنک تر است بهتر می باشد قسمتهای جراز سوار است که با برداشتن آب مکفی میتوانند سهولت عبور نماید ولی در تابستان و در شدت گرما عبور از آنها خالی از خطر نیست زیرا که ممکن است دو چار گرمای شدید و طوفانهای شنی بشوند .

سایر قسمتهای محور بین بم و زاهدان نسبتاً سهل العبور بوده و برای کلیه رسته ها قابل عبور است فقط در فصل تابستان بواسطه کم آبی و گرما قدری دچار زحمت خواهند شد که آنها را با تهیه های لازمه و حرکت در شب و استراحت در روز ممکن است رفع این زحمت را نمود .

کلیتاً در این محور بواسطه قلت آذوقه و کمی آب بیش از يك لشکر نمیتواند عبور نماید .

کلیه این محور از نقطه نظر دید هوایی مکشوف و باز بوده مگر در دو قسمت کوهستانی (منطقه ۳ و منطقه ۵) که استار ستونها در آن تا اندازئی مقدور است .

نقاط مهم از نقطه نظر نظامی در این محور اول خود زاهدان است که در سر چهار راهی زاهدان به زابل و مشهد و زاهدان بکرمان و یزد و بالاخره بمرکز زاهدان به خاش

وزاهدان به میرجاده و مرزواقع است .

نقطه دوم که اهمیت آن از زاهدان کمتر است بم می باشد که در سر دوراهی هم بکرمان وهم به زاهدان واقع شده است .
در محور بم به زاهدان سه موضع تدافعی دیده میشود که اولین آنها موضع فهرج است :

این موضع در يك ارتفاعات منفردی از کوه کیوتی تا آبادیهای جنوبی فهرج واقع است که دارای دید و میدانهای تیر خوبی میباشد موصلات در عقب آن منحصر بهمان جاده فهرج به بم است ولی بواسطه صاف بودن اراضی غالب نقاط دیگران را بوسیله مال و عرابه میتوان عبور کرد طول این موضع در حدود ۱۵ کیلو متر است ولی بواسطه باز بودن جناحین آن و متکی نبودن آن بیک نقطای این موضع چندان مستحکم نیست بعلاوه رود خانه که از ما بین فهرج عبور میکنند چون عمود بجنبه است چندان استفاده ای از آن برای مدافع نخواهد شد و بالعکس دشمن متعرض ممکن است از آن استفاده نماید .

موضع دوم موضع گردنه نادری است این موضع نسبت بموضع اول خیلی بهتر بوده و بطرف دشت نصرت آباد دارای میدان دید و تیر خیلی خوبی مو باشد جناحین آن کاملاً متسکی به ارتفاعات است ولی موصلات چندان خوب نبوده و منحصر بهمان جاده بم است .

چون این موضع در يك منطقه کوهستانی واقع شده است راه دیگری جز آن نیست و چنانچه این گردنه را مسدود نمایند متعرض راه دیگری برای عبور ندارد از طرف دیگر چنانچه این موضع و منطقه کوهستانی را از دست بدهند بلا فاصله در عقب این کوهستان دوچار کویر صعب العبور خواهند شد که عبور از آن خیلی مشکل میباشد مگر اینکه قبلاً وسایل را آماده نموده و بوسیله ماشینهای قوی و خیلی سریع انهم شبانه از این کویر عبور نموده و در موضع فهرج قرار گیرند در این صورت متعرض را دوچار

آن کویر نموده و حرکت او برای اینکه خود را آماده برای عبور از آن کویر ناشناس و خطرناک نماید مدتی بتعویق خواهد افتاد مخصوصاً اگر تخریبات زیادی در گردنه نادری و معبر کوهستانی که مانند تنگه می باشد بعمل آید در این صورت حرکت متعرض فوق العاده زیاد بتأخیر خواهد افتاد ولی باید در این موضع گردنه نادری مقاومت جدی نموده و متعرض را کاملاً ضعیف و فرسوده نمود بعلاوه چون این یگانه محوریست که پس از عبور از گردنه در حدود ۳۲ کیلو متر از یک تنگه عبور مینماید بنا براین میتوان در داخل آن چندین موضع دفاعی اتخاذ نموده و متعرض را مستأصل و بعلاوه میتوان در موقع عمل تاخیری این گردنه را با تخریبات لازمه مسدود نمود.

چون کوههای این موضع غالباً بریده و بشکل پرتگاههایی است لذا عبور متعرض از این ارتفاعات مشکل خواهد بود و چنانچه جاده و تنگه مسدود شود حرکت متعرض را مدت‌ها بتأخیر میاندازد در این کوهها بواسطه وجود چشمه‌های متعدد آب شیرین آب مشروب افراد تا اندازه‌نی تأمین میشود.

موضع سوم موضع ارتفاعات ملوسان است که محور از وسط آن و از بین دره واقع بین دو رشته ارتفاعات از عبور مینماید این موضع از موضع فوج محکم تر ولی از موضع دومی که در گردنه نادر است چندان بهتر نیست تخریبات در این موضع بسهوات انجام میشود این موضع نیز دارای دید و میدان تیر خوبی بوده و مواصلات مانند موضع قبلی منحصر بهمان جاده زاهدان می باشد ولی چون این ارتفاعات بر عکس ارتفاعات گردنه نادر بریده و بطور پرتگاه نبوده و دارای شیبهای ملایم و غالب نقاط آن سهل العبور است بنا براین میتوان گفت که مواصلات در این موضع نسبت به موضع قبل بهتر است. اتکاء جناحین آن نیز نسبتاً خوب است.

نتیجه---

از این بررسی نتایج زیر حاصل میشود:

۱ - محور زاهدان به بم‌دارای منیاطی مختلف و مشخصی بوده که از نقطه نظر

وضعیت آب و هوا منابع محلی و سکنه و وضعیت زمین بکلی با هم فرق داشته و عبور از هر يك از این مناطق مستلزم تهیه های کم و بیش میباشد چنانچه عبور از منطقه اول سهلتر و منابع محلی نیز نسبتاً بهتر ولی در منطقه دوم فوق العاده مشکل منابع محلی بهیچوجه موجود نیست سکنه در آنجا وجود ندارد و هر رسته برای عبور از آنجا باید تهیه های زیادی، دیده و با ترتیبات معینی عبور نماید.

۲ - مهمترین نقاط عمده در این محور همان زاهدان است که در سر چهارراهی خراسان به کرمان و مرکز به خاش و بمرز واقع شده.

۳ - در این محور منابع محلی برای ستونهای بزرگ چندان کافی نبوده و ستونهای بزرگ می باید تهیه های لازمه را از نقاط دیگری دیده و با خود تهیه کاملی داشته باشند.

۴ - موضوعی که خیلی قابل اهمیت است در این محور عبارت از تأمین آب است که ستونهای عبور کننده می باید بمقدار کافی آب همراه خود داشته باشند.

۵ - در این محور سه موضع دیده میشود: موضع فهرج - موضع گردنه نادری موضع کوه ملوسان که خواص و معایب هر يك از آنها ذکر شد.

فصل نهم

وضعیت مکران - از لحاظ ارزش نظامی

برای آنکه بهتر بتوان ارزش هر گونه عملیاتی را در مکران بررسی نمود باید وضعیت طبیعی این منطقه را قدری مورد نظر و مورد بررسی قرار دهیم مکران از شمال بجنوب از يك سلسله ارتفاعات موازی باهم شیار گردیده که این رشته ارتفاعات در بعضی قسمتها بکلی موازی باهم و در برخی نقاط وضعیت متمایلی را نسبت به خط مرز دارا خواهد بود این کوهستانها اکثر دارای رشته های خیلی مرتفع و بلند و برخی عبارت از رشته و ارتفاعات، کوچک بریدنی است که در پی یکدیگر واقع گردیده است این ارتفاعات از لحاظ سختی و وضع ساختمانی رشته کوهستانهای غیر قابل عبوری عموماً محسوب نشده بلکه اکثر این کوهستانها در کلیه مسیر خود قابل عبور است ولی با آنکه در تمام مسیر خود قابل عبور است بواسطه وضعیت مسیر رودخانه ها و دره های دخولی که در طول این کوهستانها واقع شده کلیه این معابر و راه های دخولی دارای اهمیت یکسانی نخواهد بود.

از شمال بجنوب چند دهلیز مشخص است که بطرف دره های نسبتاً مسکون و و مزروع مکران ممتد میشود که میتوان بشرح زیر خلاصه کرد از جنوب به شمال

- ۱ - کلیه راههاییکه از سنت مار بطرف باهوکلالت و دشت یاری ادامه دارد.
- ۲ - راهها و معابری که از تربت و مند بطرف پیشین و از آنجا تا قصرقند و نیک شهر امتداد دارد.

- ۳ - راهها و معابری که از تربت بطرف ایرافشان سرباز و ایرانشهر و بالاخره مسکوتان ادامه مییابد.

۴ - راهها و معابر که از طرف زاهدان و کوهك بطرف سراوان و از آنجا بطرف خاش و قلعه زابل امتداد می یابد

۵ - راهی که از طرف مك سوخته بطرف جالق و سراوان امتداد می یابد.

۶ - راه دخولی مسیر جاده لادیز خاش

۷ - راه رباط زاهدان تا حرمك.

بطور کلی از معابر مندرجه بالا میتوان بکلیه مناطق حساس و حاصلخیز مکران داخل شده رسوخ یافت بعضی معابر و جاده ها بواسطه دست یابی و دست رسی بجاده های شوسه قابل اتومبیل رو مهم و قابل توجه میباشد که میتوان این معابر را از لحاظ اهمیت و سهولت حرکت بطرز زیر معرفی نمود.

۱ - راه نوکندی رباط که بوسیله راه آهن تکمیل و مخرجهای مختلفی از جاده تا رباط در مجاورت مرز دارا بوده و فعلا از دو نقطه آن میتوان با خود رو به ایران وارد شد یکی از طریق میرجاوه دیگری از رباط و راهی که در پای گردنه شمید راست.

۲ - راه شوسه کوهك که مستقیماً بقسمت مکران و مرکز آن دست یافته و محور جالق هم که از مك سوخته بطرف مرز قابل اتومبیل رانی است بآن متصل میگردد.

۳ - راهی که بطرف سرباز و ایران شهر منتهی و ممکن است راههای بالا را دور زده قطع سازد غیر شوسه تا سرباز مال رو.

۴ - راهی که بطرف قصر قند و نیک شهر امتداد مییابد تا قصر قند مال رو.

ضمن این بررسی مختصر ملاحظه میکنیم که از طرف مرزهای زهینی از هر طرف رسوخ بداخله مکران امکان پذیر است ولی در بین معابر مندرجه هم برخی بطور خیلی عمیق ممکن است رسوخ یافته و حتی از منطقه مکران تجاوز نماید بعضی دیگر در داخله مکران به کوهستانهای مهم برخورد خواهد کرد بین این معابر ۴ معبر مندرجه زیر معابر عمقی محسوب میگردد.

- ۱ - راه رباط گردنه شمیدر که از طرف دیگر براه کرمان دست خواهد یافت
 - ۲ - راه کوهك به خاش و از آنجا بطرف داخله و خارج ممتد میشود
 - ۳ - راه سرباز که بطرف ایرانشهر و کارواندر ممتد میشود
 - ۴ - راه پیشین که بطرف قصر قد دست خواهد یافت
- پس بطور کلی امکان رسوخ بطرف داخله مکران بواسطه باز بودن مرزها و دهلیزهای مشخص امکان پذیر است
- ملاحظه کنیم هدفهائی که در داخله مکران میتوان در نظر گرفت کدام نقاط است و هر يك دارای چه ارزش خواهد بود در داخله مکران هدفها به چند دسته تقسیم خواهد شد.
- هدفهائی که دارای ارزش نظامی بوده و هر گونه پیشرفت را بطرف داخله فلاحیت تسهیل خواهد کرد
- هدفهائی که فقط از لحاظ خود مکران مهم بوده بدره های حاصل خیر آن دست خواهد یافت
- هدفهائی نظامی - هدفهائی نظامی که میتوان در مکران در نظر گرفت بشرح زیر است :
- ۱ - زاهدان که با دست یافتن باین نقطه میتوان دو راه مشهد و کرمان را تحدید نمود .
 - ۲ - خاش با در دست داشتن این مرکز میتوان ارتفاعات تفتان و بزمان را که دو قله مهم و قابل توجه مکران است تصاحب و امکان پیشروی بطرف کرمان و داخله مکران را تسهیل نمود .
 - ۳ - چاه بهار که یگانه بندرگاه و راه نفوذی در مقابل دریای عمان بوده و در

صورت دست یافتن به این بندرگاه میتوان بطرف داخله مکران و از آنجا بطرف فلات رسوخ یافت .

هدفهای اقتصادی بمنظور دست یافتن بداخله مکران

۱ - دره سِراوان که سراسر این جلگه آباد را آماج خود قرار داده و کلیه نقاط زرخیزان را بدست خواهد آورد این دره بدره زابلی نیز راه خواهد یافت .

۲ - دره بین سرباز بمپور است که از طریق پیشین سرباز و از آنجا بطرف جلگه حاصل خیز و پر ثروت بمپور دست خواهد یافت در این مسیر منطقه حاصلخیز سرباز و بمپور هدف خواهد نمود .

۳ - منطقه دشتیاری قصر قند - نیک شهر این دره هم یکی از دره های حاصلخیز و پر ثروت مکران و در صورت دست یابی باین دره نقاط حاصلخیز تجدید خواهد شد عملیات نظامی که ممکن است بمنظور تهدید کشور در این منطقه اجرا گردد

عملیات نظامی در هر منطقه مستلزم وجود راهها و معابر لازمه جهت رسوخ و تسهیل حمل و نقل احتیاجات و تدارکات خواهد بود یک عملیات نظامی مهدی رانمیتوان بطرف صحراهای بی آب و علف و نقاط خیلی دور افتاده و کم اهمیت اجرا نمود باضافه اقدامات کشور مجاور که از سالیان دراز در این منطقه اجرا شده تا حدی نظار و توجه اصلی او را بما ارائه میدهد چه ملاحظه میکنیم یگانه خط ارتباطی که وصول و ورود او را بمنطقه مکران تسهیل می نماید راه آهن کوئته نوکندی است که بوسیله جاده شوسه دیگری تقویت شده کوئته یگانه معبر مهمی است که بطرف بولان امتداد یافته این راه آهن بکجا خاتمه مییابد بمجاورت زاهدان و منطقه حساس که دست یافتن بان امکان دست یابی به دو محور مشهد و کرمان را دارا خواهد بود هر قوای متعرض به محض دخول در این منطقه خواهد توانست با تصرف حرمک در طرف شمال و ارتفاعات تفتان در جنوب پیشرفت خود را بطرف دو محور مشهد و کرمان ادامه دهد .

پس همین منطقه است که دارای اهمیت نظامی سرشاری از لحاظ دفاع کشور بوده و بایستی حداکثر تلاش دفاعی برای نگاهداری و حفاظت آن مرئی کرده چه تلاش عملیاتی در این منطقه امکان پذیر خواهد بود.

دوم هدفی که باز از لحاظ کشور در این منطقه قابل اهمیت است همان چاه بهار است که در خاتمه محور نفوذی قرار گرفته و یگانه راه باز و آزاد کشور بطرف دریای عمان محسوب میگردد.

از این مختصر میتوان بدین قسم نتیجه گرفت که از لحاظ نظامی و عملیات کلی کشور در اولین درجه منطقه زاهدان خاش در درجه دوم محور چاه بهار بایستی جلب توجه و نظر را بنماید.

وضعیت مکران بطور کلی و امکانات رسته ها

منطقه مکران يك منطقه كاملاً خشك و وسیع - كم سکنه و بدون كوچكترین منابع است و برای هر گونه عملیات احتمالی كوچكترین احتیاجات بایستی برای این منطقه حمل شود یگانه محل و نقطه که از لحاظ منابع محلی برای این بخش مؤثر و خوب است منطقه سیستان میباشد که بواسطه موقعیت جغرافیائی خود در معرض خطراتی در چنین مواقع بوده و تصور نمیرود بتوان از این بخش از لحاظ منابع محلی استفاده کرد با آنکه رشته های متعدد کوهستانی این منطقه را شیار کرده و در روی نقشه دهلز بندیهای مشخصی را ارائه میدهد ولی در موقع بازدید (مخصوص موقع عبور از دهك بطرف جالق) ملاحظه شد که این ارتفاعات عموماً قابل عبور و میتوان بسهولت از هر طرف آن عبور کرد.

مسافت این منطقه بدون محسوب داشتن سیستان در حدود ۱۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع است که شاید در هر کیلو متر بطور کلی بیش از ۱ نفر سکنه دارا نباشد این سکنه هم قسمت عمده در مکران مرکزی میباشد که نسبتاً آبادتر و مسکون تر از سایر

مناطق است بقیه نقاط از لحاظ زندگانی - وسائل - ارتباط - خیلی در وضعیت مشکل تری واقعه شده است همین وضعیت طبیعی صحرائی بودن منطقه نبودن وسائل زندگانی برای هر متجاوزی نیز کمال اشکال را داشته و میتوان قطع داشت که او هم در مقابل مانع بزرگی واقع خواهد شد خاصه آنکه چون هر قسم عوامل و رسته محتاج به آب میباشد و نقاط با آب منطقه منحصرأ در نقاط مشخصی و در مجاورت قراء خیلی محدود معدود این منطقه واقع شده پس میتوان قطع داشت که مدافع و مهاجم ناچار است که عملیات خود را در مجاورت این چشمه های معینه و در محور هائی که این چشمه ها واقع گردیده اند انجام دهد و با تمام مزایائی که قسمتهای کوهستانی دارا میباشند از آن صرف نظر نمایند - پس در نتیجه عملیات قطعی واقعی این منطقه در روی محور های مشخصی و در نزدیکی قراء صورت خواهد گرفت

قدرت رسته ها

قدرت رسته ها در این منطقه خیلی محدود و مشخص است که میتوان بشرح زیر تشریح کرد.

پیاده نظام - در منطقه مکران بواسطه وضعیت آب و هوا وضعیت بهداری گرمای شدید عدم وجود آب پیاده نظام عادی قادر به عملی نیست و نمیتوان از او استفاده و انتظاراتی را داشت

سوار نظام - با تمام مزایا و رجهائی که اسب برای سوار تهیه کرده است وضعیت صحرائی این منطقه عمل اسب را هم خیلی تقلیل داده و تقریباً نمیتوان گفت بمناسب نبودن علیق و احتیاجات از سوار اسبی هم نمیتوان نتیجه بدست آورد - در

اطراف پادگانها و در مجاورت نقاط آباد میتوان استفاده کرد ولی در مناطق وسیع این منطقه بدون نتیجه خواهد بود.

توپخانه — توپخانه اسبی بواسطه اشکالات زیاد خود بزرگمت قابل استفاده است ولی میتوان از توپخانه کوهستانی تاحدی استفاده کرد.

قسمتهای جواز — با آنکه سرعت جواز محدود و قدرت آن خیلی کم است ولی از لحاظ مقاومت و مقابله با بیابان خشک بی آب علف و برای رفع اشکال مقرر از وضعیت طبیعی منطقه جواز یک وسیله نافع و قابل استفاده بوده و باتمام مضرات و معایبی که ممکن است از لحاظ زیست - طرزنگاهداری دارا باشد در این منطقه استفاده زیاد خواهد داد - و در صورتی هم که وسائل موتور در اختیار داشته باشیم چون حرکت آن در تمام محورها و خطوط مقدور نیست جواز یک وسیله خوب و قابل استفاده می برای ما خواهد بود زیرا افراد ما با داشتن جواز قادر خواهند بود ده روز ارزاق و لوازمات و آب مورد احتیاج خود را حمل کرده در هر نقطه منطقه داخل در عمل گردند - جواز را نمیتوان یک رشته محسوب داشت چه خود حیوان از لحاظ بزرگی - تربیت و بالاخره امکان نگاهداری برای نبرد مزاحمت های تهیه خواهد کرد فقط جواز یک وسیله حمل و نقل خوب و نفعی در این مناطق محسوب خواهد شد

و ملاحظه میکنیم باوجود پیدایش وسائل جدید و لوازمات موتور باز احتیاج باز خواهیم داشت زیرا وسائل موتوری و همه زمینی فقط در محور های معینی که قابل حرکت باشد قادر به حرکت و آمد و رفت خواهد بود زیرا در صورتیکه مراقبت ما در طول خط مرز و جلوگیری از تجاوزات احتمالی دشمن در تمام این خط لازم است این پرده مراقبت و احتیاط های لازمه آنها در خطوط غیر قابل عبور موتوری قطعاً بایستی از واحدهای جواز سوار باشد چه از هر جهت طرز عمل و کار ما را سهل خواهد کرد.

قسمتهای موتوری - کمیت قوا - وسعت منطقه - صحرائی بودن و اشکالات طبیعی زمین را فقط بوسیله وسائل سریع و قادر میتوان مرتفع ساخت.

بایستی باتمركز قواضمن مراقبت حرركات طرف مقابله در مقابل حرركات او نمود در اين عمل احتياج به تحرك كامل دارد كه جز وسائل موتورى با وسائل ديگرى مقدور نيست پس وسائل موتورى بهترين راه حل ها و بهترين امكانات را براى قواى پوشش در اين منطقه تهيه كرده و كلييه رسته ها اگر با وسائل موتورى مجهز و تكميل گردند بهتر قادر به انجام وظيفه و اجراى ماموريت محوله خواهند بود . گرچه عمل وسائل موتوريهم در اين بيابان دچار اشكالاتى خواهد شد

هواپيمايى - هواپيمايى در اين قبيل مناطق يك وسيله مؤثر و مفيدى است چه بسهولت ما را از جنبش ها و حرركات طرف مطلع كرده در مسافتات بعيدة توجهات و نظريات او را تا حدى بما اطلاع خواهد داد زيرا منطقه بكلى باز و بى عارضه نسبتاً بواسطه عدم وجود دهات - قراء و قصبات حركت هرستون موتورى يا جازى خيلى سهولت اكتشاف خواهد شد .

پس هواپيمايى براى اجراى اكتشافات در اين قبيل مناطق عامل خيلى مؤثرى در اختيار فرماندهى بوده و اطلاعات خيلى نافع و گرانبهاى ممكن است تهيه نمايد .

اشكالات عمل عوامل مكانيه در مكران

- با آنكه زمين در اين منطقه اكثر صاف و داراى عوارض زيادى نيست ولى بواسطه نبودن آب و نبودن مراکز در آن چه در ايران و چه در بلوچستان انگليس حرک قسمت هاى موتورى خيلى مشكل و پر زحمت خواهد بود چه اگر در مكران مركزى آبادى و قراء زياد و آب نيز در اكثر نقاط جاده ها يافت ميشود ولى در مكران مرزى و سراوان آباديها خيلى كم و آب نيز انحصاراً در محل هاى معينى ميباشد - كه شايد در بين خاش و كوهك از چند نقطه تجاوز نخواهد نمود .

- جاده چون خاكى است گرد و خاك زياد توليد كرده ناچار بايستى مسافت بين خود رو ها را زياد نموده و در نتيجه بطول ستون خود روى افزوده خواهد شد .

رساندن بنزين و روغن در يك چنين مناطقي خيلى مشكل و پر زحمت خواهد بود

برای آنکه يك فكر دقيق تری راجع به وسائل موتوری داده شود نکات زیر درج شود:

با ۹ خود روی سواری خوب که يك مکانیسم نیز در معیت بوده بواسطه حاضر نبودن جاده ها ضمن پیمودن راه های شوسه مکران ملاحظه شد سرعت متوسط از ۲۰ کیلومتر در ساعت در کلیه منطقه تجاوز ننموده است انهم با خراب شدن ۲ خودروها پس با وجود جلگه بودن اشکالات راه پیمائی در منطقه مکران خیلی زیاد و طی مسافت های زیاد و سرعت زیاد مقدور نیست.

در هر فصلی موانع مخصوصی مانع حرکت ستونها است. در تابستان بواسطه گرمای زیاد به ۵۵ درجه در بعضی نقاط حرکت فقط در شب و تا ساعت ۸ صبح و بعد از ظهر ها مقدور است.

اشکالات حرکت ستونهای پیاده واسبی

وسعت منطقه - گرمای شدید - عدم وجود آب - بادهای شدید پراز شن - ماسه روان در اکثر مناطق مکران بزرگترین موانع را برای حرکت ستونها تولید مینماید که آماده ترین ارتشها را دچار زحمت و مشقت خواهد ساخت - برای اردو کشی در مکران مراعات فصل تهیه آب مکفی - و آماده کردن ارزاق از واجبات است از ازمه گذشته قسمتهای که بدون توجه باین نکات از این سرزمین عبور نموده اند قربانی های زیادی را تقدیم سرزمین مکران نموده برای توجه به جریانات تاریخی این منطقه مختصری از شرح عبور ارتش اسکندر شرح میدهم،

اردو کشی اسکندر از مکران

اسکندر از مصب رود سند گذشته بطرف رود خانه اریوس رفت و بعداً فرمان داد تا چاه های برای تحصیل آب حفر نمایند و ضمناً به تهیه اذوقه پردازند پس از انجام

این کار از وسط يك دشت بايرلم يزرع به كدروسياداخل شد و تا چند منزل ارتباطات خود را با قوای بحريه بوسيله سوار نظام حفظ كرد در فاصله يكصد ميل انطرف رودخانه ارايوس رشته جبال مالان ارتش اسکندر را مجبور كرد كه از بالادست رودخانه هنگول عبور نمایند این كوه در حقيقت غير قابل عبور ميباشد بنا بر گفته سرطوماس هلايخ در این بخش كه در حدود ۱۵۰ ميل بوده ترس و وحشت فوق العاده نى به ارتش اسکندر مستولی شده روحیه آنها بكلی سلب شد.

ارتش اسکندر در كوههایريك روان گرم در میمانداند و در آن فرو میرفتند چنانچه شخص در لجن یا برف فرو میرود.

بعد در همان جا مدفون میگشتند طول مسافات بين راه بغایت خسته کننده بود و سپاهیان را خسته خاطر میکرد زیرا بواسطه فقدان آب باوجود خستگی و طول مسافت ناگزير بودند كه باز راه را ادامه دهند تا بآب برسند و در نتیجه لشكریان بواسطه قحطی آب توانائی را از دست دادند حر كت در شب مخصوص قبل از طلوع آفتاب مشقات كمتری داشت و شبم قدری هوارا خنك میکرد ولی در وسط روز حرارت و تشنگی عنان طاقت را از دست همه میر بود .

• بين چاه بهار نيك شهر - در اكثر سال ها همان فصل عبور ارتش اسکندر از مكران است حرارت هوا اكثر در سایه به ۱۱۰ درجه رسیده و آب بهیچوجه یافت نمیشود با در نظر گرفتن این وضعیت بخوبی میتوان پی به بدبختی ارتش اسکندر در اینريك زار ها برد ، بقول اریان اگر کسی از ارتش اسکندر از شدت خستگی بغواب میرفت چون بیدار میشوند خود را تنها میدید بعد كه میخواست از دنبال لشكر برود در دریایريك روان كم شده و نابود میگردد گذشته از این مصائب سختی دیگری بشدت بدبختی سپاهیان یونان افزود - شبی كه لشكریان در كنار جویبار كوچكى اردو زده بود در حوالی پاس دوم شب سیلی روان گشت و قوافل اسکندر زنان و كودكان و لوازم ارتش را برد.

بدبختی دیگر اسکندر آن بود که راه را گم کرده بواسطه زیادتی ريك روان
نمیدانست بکدام طرف حرکت نماید مطابق دلایلی که در دست است اسکندر از حوالی
(پسی) عبور کرده با پنج نفر در پیشاپیش لشکر حرکت میکرد بالاخره چاههای کنده
و آب خوبی رسید .

اریان مینویسد که چون این حوالی بادها راه را میدانستند اسکندر ارتش خود
را به نواحی داخلی مکران سوق داد زیرا بخوبی میدانست که ادامه مسافرت از راه
کنار دریا بمحطی و مجاهد و تفرقه قوای او منجر خواهد شد لذا تصمیم گرفت از طول
داخلی مکران عبور نماید .

پورا کرسی نشین که روسیا اولین شهری بود که از حیث آذوقه تاملتی میتواند
احتیاجات اسکندر و ارتش او را تامین نماید (پورا ایران شهر حالیه است) مدت ۶ روز
اسکندر در ایران شهر استراحت نمود بعداً بطوریکه معلوم میشود ارتش اسکندر در
مسیر رود بمپور بطرف هلیل رود حرکت نموده و از اینجا بطرف رود بار و جیرفت
رفته است يك ستون دیگر اسکندر تحت فرماندهی کراتروس از مبر بولان بافغانستان
رفته از آنجا به سیستان و نرماشیر آمده از نصرت آباد سپس عبور نموده پس از
عبور يك منطقه بیابانی در حدود ۱۸۰ میل به فهرج رسیده و در کرمان بارتش اسکندر
ملحق گردید .

نتیجه

- مکران شامل يك دهم کشور و فعلا بیشتر شبیه بيك منطقه بیابانی است که هر گونه عملیات نظامی در این منطقه از لحاظ وسعت زیاد - درجه حرارت - عدم وجود آب - نبودن منابع محلی - شن های روان - با اشکالات بسیاری مصادف خواهد شد .
- این منطقه از هر سو بوسیله بیابانهای وسیعی از نقاط حساس و مهم جدا شده .
از درب های هندوستان بوسیله ۷۰۰ کیلومتر بیابانهای شن زار .
از فلات داخلی بوسیله کویر و شن های متعدد .
از طرف خراسان بوسیله مناطق شن زار شمالی .
- راه های نفوذی این قسمت به فلات کشور فوق العاده دور افتاده و ضمن عبور از موانع زیادی مورد استفاده خواهد بود .
- نقاط حساس کنونی این منطقه خاتمه راه آهن کویت در منطقه زاهدان و محور نفوذی چاه بهار است که حا کمیت نقطه اول بادر دست داشتن .

قلل }
تفتان }
بزمان }
و حرمك

و حا کمیت به محور چاه بهار ضمن دفاع این بندر گاه عملی خواهد شد .
- با وجود وضعیت صحرائی کم بودن سکنه منطقه مکران منطقه ایست که از هر لحاظ استعداد ترقی و آبادانی را داراست ولی این موقعیت در قبال آبیاری مرتب منطقه و صرف هزینه های زیاد و وجود اشخاص علاقه مند و دقیق صورت خواهد گرفت .
- سکنه فعلی این منطقه با وضعیت آنکه فوق العاده باهوش زرنگ و ورزیده هستند ولی نسبت به سایر سکنه کشور از لحاظ تمدن بسیار عقب میباشند .

متمنی است غلطهای زیر را در متن کتاب تصحیح فرمایند

صفحه	سطر	مطلب غلط	مطلب صحیح
۱	۵	حقیقی	حقیقتی
۴	۱۸	انهار	آنهارا
۵	۹	خاوی	خاوری
۱۲	۲۳	قرار ددی	قراردادی
۲۱	۱۴	بسمیت	نسبت
۲۵	۱۸	قله بزمان ۸۲۳ متر	قلعه بزمان ۳۸۲۳
۳۶	۸	کرا	کرانه
۶۱	۲	مرطوف	مرطوب
۷۰	۱۸	نوری	نوردی
۸۲	۴	عده آنها	عمده آنها
۸۳	۹	اسفال کند	اشغال میکنند
۸۸	۶	آنهم	آنها
۸۸	۱۵	در سایه در حرارت ۲۷ و درجه	در سایه حرارت ۲۷ درجه
۹۵	۱	از لحاظ نظامی يك	از لحاظ نظامی میتواند يك
۹۵	۸	محصص	مخصوص
۹۸	۲	انگلیسهای	انگلیسها
۱۰۱	۱۸	در حرارت گرما	در گرما
۱۰۴	۱۰	ذرع	متر
۱۰۵	۶	خاور هند	خاور دهنه
۱۰۹	۸	را بم	راه بم
۱۱۷	۱۱	زاهدان داشته و	زاهدان و

(ب)

صفحه	سطر	مطلب غلط	مطلب صحیح
۱۲۱	۱۷	پس از بین رفتن	پس از از بین رفتن
۱۲۲	۱۷	میددد	میدهند
۱۲۳	۲۰	حنفی المذهب	حنفی مذهب
۱۲۴	۱	از ۱۴۰ کیلومتر	از ۱۴۰ کیلو متری
۱۲۶	۱۹	در چند محلی	در چند محل
۱۲۶	۲۱	ب - در این محل	در این محل
۱۲۷	۱۰	بمپور	بمپور
۱۲۷	۱۲	کارواند	کارواندر (در سایر نقاط نیز تصحیح شود)
۱۲۹	۷	در ۱۷۰ کیلو متر	در ۱۷۰ کیلو متری
۱۳۱	۴	رو به کاسکین و این راه از کاسکین دو شعبه	در کاسین و این راه از کاسکین دو شعبه
۱۳۱	۷	جز قله	جز قلعه
۱۳۱	۲۲	میگرد	میگردد
۴	۲	که وقت	که بادقت
۴	۳	که کره	که کره
۴	۲۳	حوار بار	خوار بار
۱۴۰	۲۰	صدور	حدود
۱۴۵	۲۰	جمع ۱۶۵	جمع ۱۶۴
۱۴۷	۴	بمحاذات	بمحاذات
۱۵۶	۱۷	مساحت	مسافت
۱۵۸	۱۰	دوطول	درطول
۱۵۸	۲۰	بنا کاها نظامی	بنسگاهای نظامی

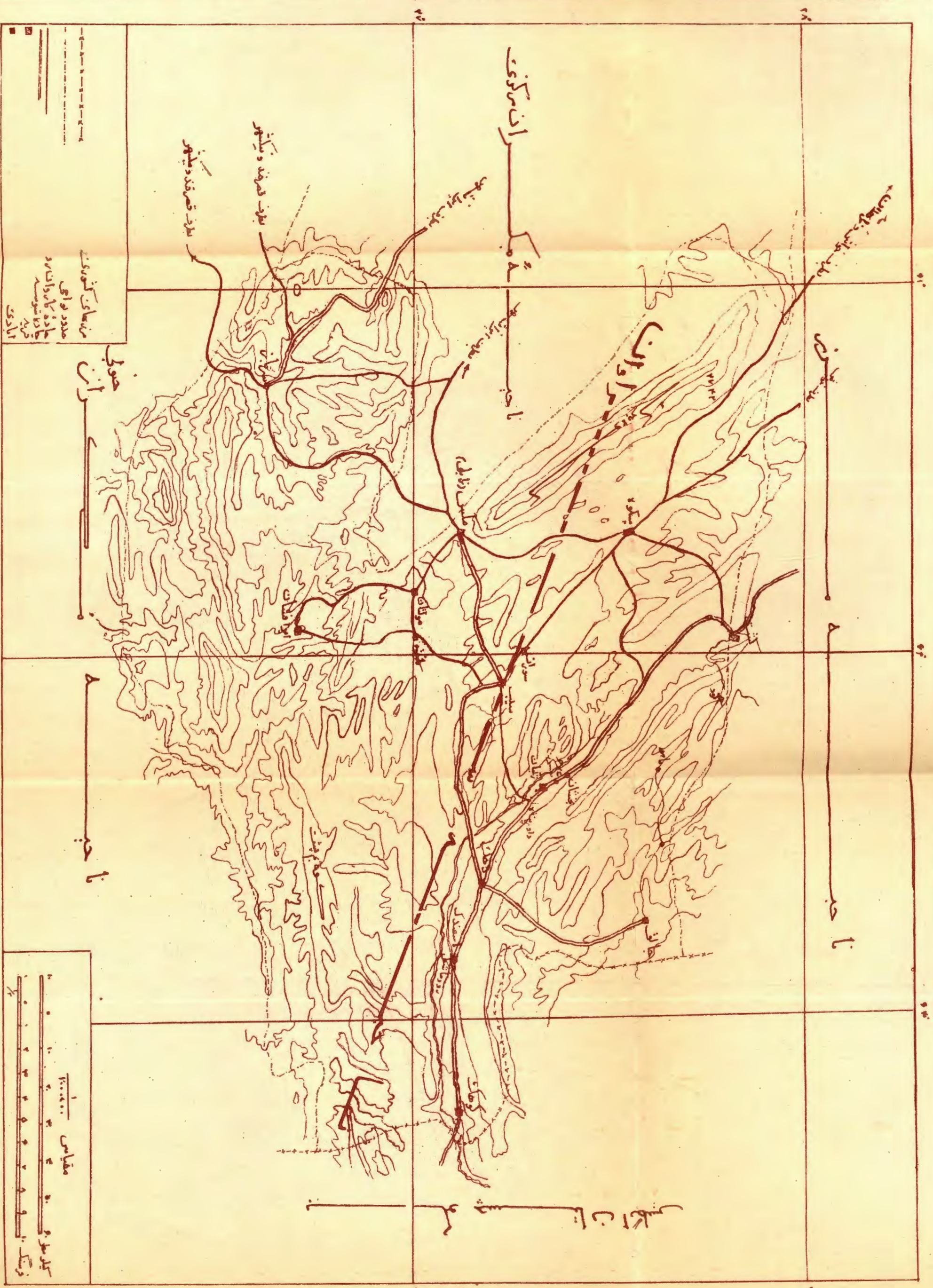
(ج)

صفحه	سطر	مطلب غلط	مطلب صحیح
۱۵۹	۱۵	از جاده از يك	از جاده يك
۱۶۵	۲۱	آبادیهای بیان جنگل	آبادیهای میان جنگل
۱۷۱	۱۳	در جنوب كهورك واقع است	جنوب كهورك واقع پاسگاه
		كه پاسگاه	
۱۷۲	۴	تنگه واقع شده كه دو طرف آنرا	تنگه ای واقع شده كه: و طرف آن
۱۷۸	۳	هم مكران هم بزاهدان	هم بمكران هم بزاهدان
۱۸۳	۱۱	فلاحت	فلات
۱۸۴	۸	وبمپور هدف	وبمپور را هدف
۱۹۱	۷	ومجاغد	ومجاغه

درجات مندرجه در سطر ۱۶ و ۱۵ صفحه ۲۲

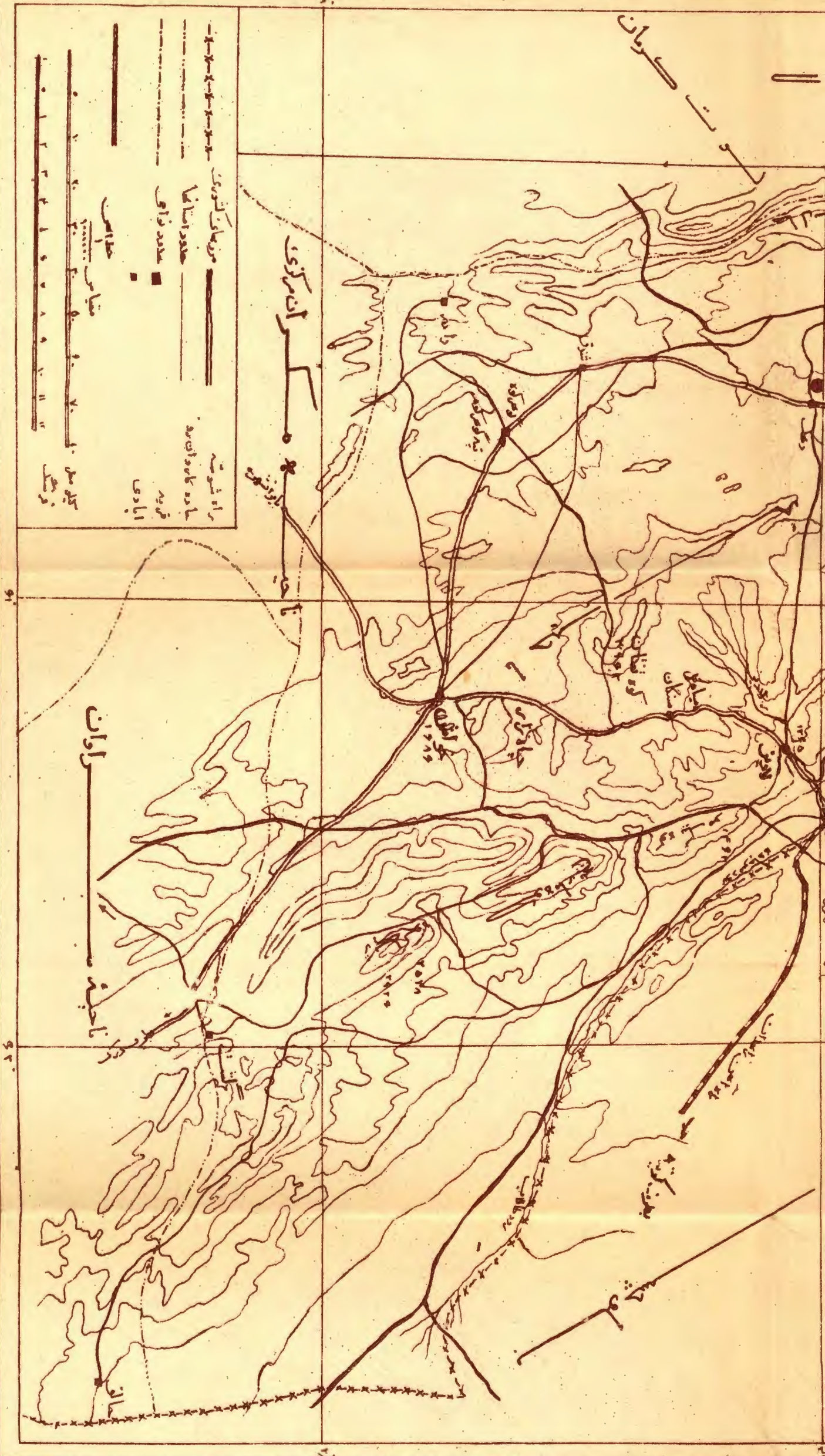
درجه فارنهایت است

۳۳	°	۱۰	°	°	°
۵۶	°	۱۱	°	°	°



فان جبهه فلك ان مرقف





نقشه دهلیز بندی مکران









